





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست

- ۷/ قیام، مجاهدت و شهادتی که از همیشه‌ی تاریخ با ارزش تر است
- ۱۸/ زنده شدن رسم شهادت با نظام اسلامی
- ۲۳/ در میدان ماندن بار و حیه‌ی شهادت طلبی
- ۲۹/ امروز باید راه شهدار ادامه دهیم
- ۳۳/ دو موضع گیری و حرکت زیبا از شهیدان در مقابل خدا و دشمنان خدا
- ۳۹/ ملت‌هایی که مجاهدت کنند، خداوند به آنها همه چیز میدهد
- ۴۸/ نگاه از ابعاد مختلف به پدیده شهادت
- ۵۱/ نیروی ایمان رزمندگان عامل انجام کارهای بزرگ
- ۵۷/ کمتر نبودن عظمت خانواده شهدا از عظمت خود شهیدان
- ۶۳/ شهادت، نعمت و هدیه‌ای که خداوند آسان به کسی نمی دهد
- ۷۱/ ادامه دادن راه شهدا به معنای گرامیداشتن یاد آنها
- ۷۹/ سه نکته برجسته در شهدا
- ۸۵/ بقای انقلاب اسلامی در گرو خون شهیدان





«معرفت‌ها‌تان را بالا ببرید. عزیزان من! سقف معرفت خودتان را، سایت‌های سیاسی و اوراق روزنامه‌ها و پرسه‌زدن در سایت‌های گوناگون قرار ندهید؛ سقف معرفت شما اینها نیست... سطح معرفت دینی بالا برود؛ این یکی از کارهاست که حتماً لازم است. به نظر من آن کاری که مهم است انجام بگیرد، مطالعات اسلامی است.»

(بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۶/۵/۱۳۹۱)

## اشاره

فراتر رفتن از اخبار و هیاهوهای رسانه‌ای روزمره و داشتن برنامه و مسیر مطالعات دینی و اجتماعی از جمله توصیه‌ها و تأکیدات همیشگی رهبر معظم انقلاب اسلامی در طول سالیان متمادی بوده است. از جمله عرصه‌هایی که می‌تواند در مسیر مطالعات اسلامی افراد گوناگون به خصوص فعالین فرهنگی - اجتماعی و ... مورد توجه و استفاده قرار گیرد اندیشه‌های مقام معظم رهبری بوده و اصلی‌ترین مجرای ظهور و بروز این افکار نیز بیانات معظم‌له می‌باشد.

پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.LR پیش از این در جهت نیل به این مهم و زمینه‌سازی مناسب جهت آشنایی مناسب اقشار گوناگون با ابعاد مختلف این اندیشه‌ها، محصول «پیشخوان» را ارائه داده بود. پیشخوان مبتنی بر فهرست بیانات پایه و اصلی رهبری در یک موضوع بود که هر یک از بیانات مربوط به موضوع نیز دارای نمایه‌ی موضوعی خاص خود بود که هم‌اکنون نیز آرشیو این موضوعات در صفحه‌ی پیشخوان این پایگاه قابل دسترسی است.

اینک در جهت تکمیل این حرکت مطالعاتی، جزوات موضوعی پیشخوان جهت دریافت و مطالعه‌ی مخاطبان آماده شده است. گفتنی است «جزوات پیشخوان» در قالب PDF آماده شده و شامل بیانات مختص به هر موضوع به صورت مجزا و مشخص می‌باشد.





## قیام، مجاهدت و شهادتی که از همیشه‌ی تاریخ با ارزش تر است

- تفاوت ارزش شهادت در زمان‌های گوناگون
- ارزش مضاعف مجاهدت و فداکاری در زمان ما
- پیشرفت دشمنان اسلام، عاملی برای فشار بر مسلمانها
- دو نکته مهم در مسلمانان امروز
- شباهت جوان مسلمان امروزی به جوانان صدر اسلام
- قدر دانستن مسلمانی دوران جهاد
- فرارسیدن روز طلوع اسلام
- ایستادگی اسرا به خاطر اسلام در مقابل سختگیری‌ها
- تبادل اسرا و سیاست سیاستمداران خبیث استکبار

## قیام، مجاهدت و شهادتی که از همیشه‌ی تاریخ با ارزش تر است\*

### تفاوت ارزش شهادت در زمان‌های گوناگون

در زمان ما، ارزش شهادت و فداکاری در راه خدا، از بسیاری زمانهای تاریخ اسلام بیشتر است. شهادت، همیشه با ارزش است و فداکاری در راه خدا، همیشه کاری عظیم و ارجمند است؛ اما همین کار خوب و بزرگ، در برخی از شرایط و در بعضی از زمانها، بزرگتر و مهمتر و بارزتر است. مثلاً در صدر اسلام، فداکاری واقعاً ارزش مضاعف داشت. علت هم این بود که در آن دوران، اسلام مثل نهالی بود و اگر فداکاری پنهانی بود، شاید دشمنان اسلام این نهال را می‌کنند. در زمان سیدالشهداء (علیه‌الصلاة والسلام) آن فداکاری و شهادت بزرگ، ارزش مضاعف داشت؛ چون حقیقتاً در آن روزها محصول زحمات پیامبر (ص) در حال از بین رفتن بود و فداکاری حسین بن علی (ع) و یاران آن بزرگوار، مانع از چنین کاری شد. بعضی از زمانها این گونه است که مجاهدت در راه خدا و شهادت در راه او، ارزش مضاعف دارد و دو برابر و چند برابر است. مثلاً یک ظرف آب گوارا که در حالت طبیعی هم با ارزش است، اما در یک تابستان گرم، آن هم برای انسانی که مدتی تشنگی کشیده، بخصوص اگر آن انسان بیمار هم بوده و در جایی باشد که آب در آن جا کم است، این یک ظرف آب گوارا چند برابر ارزش پیدا می‌کند. بنابراین، همه جا قیمتها یکسان نیست، بلکه شرایط متفاوت است.

### ارزش مضاعف مجاهدت و فداکاری در زمان ما

به دلیلی، در زمان ما مجاهدت و فداکاری ارزش مضاعف دارد. این زمان از همان زمانهایی است که اگر کسی در راه خدا جهاد کند و شهید بدهد، با بسیاری از زمانهای دیگر تفاوت دارد. اگر بخواهیم آن علت و دلیل را

به‌طور خلاصه مطرح کنیم، باید بگوییم علت این است که امروز دشمنان اسلام، از همیشه‌ی تاریخ مجهز ترند. تجهیزاتی که امروز در اختیار دشمنان اسلام است، هیچ وقت در طول تاریخ در اختیار دشمنان اسلام قرار نداشته است. مثلاً در دوره‌ی از صدر اسلام، خلفای ظالم و غاصب می‌خواستند نسبت به امیر المؤمنین (علیه الصلوة والسلام) سمپاشی کرده و در متن جامعه‌ی اسلامی، علیه امیر المؤمنین و علیه اسلام ناب و علیه تفسیر صحیح قرآن تبلیغات کنند تا مردم را به راهی که خودشان مایلند، بکشانند. این کار را چگونه انجام می‌دادند؟ در چه مدتی و با چه وسایلی باید کسانی را به سر تاسر عالم می‌فرستادند؟ این که در عالم اسلام هر کسی برود جمعیتی را پیدا کند، خطبه‌ی بخواند، حرفی بزند و مطلبی را که حکام جور می‌خواهند، در اختیار مردم و اذهان آنان قرار بدهد، کاری مشکل بود. البته، کار مشکل را می‌کردند؛ اما طبیعتاً توفیقات آنها زیاد نبود.

### پیشرفت دشمنان اسلام، عاملی برای فشار بر مسلمانها

امروز، در این دوران و در این نیم قرن اخیر که تجهیزات تبلیغاتی عالم به‌صورت عجیبی پیشرفت کرده است، اگر بخواهند علیه اسلام تبلیغاتی بکنند - که می‌خواهند و می‌کنند - برای قدرتمندان ضد اسلام زحمتی ندارد. برای آنها در این کار، این همه سختی نیست. کاری را که در گذشته در طول چند سال باید انجام می‌دادند - آن هم در یک منطقه‌ی محدود - امروز همان کار را در طول چند ساعت انجام می‌دهند. در سطح وسیعی از عالم، بر ضد اسلام فیلم می‌سازند و در تلویزیونهای بین‌المللی منتشر کرده و پخش می‌کنند. هر کسی این فیلم را تماشا کند، اگر خبر از اسلام نداشته باشد، نسبت به اسلام بدبین خواهد شد. رادیوها، خبرنگارها، خبرگزاریها و خبرهای آنان، دائماً در سطح عالم علیه اسلام و علیه ارزشهای اسلامی کار می‌کنند. این، یک نمونه از پیشرفت تجهیزات دشمنان اسلام است. امروز، در هر نقطه‌ی از عالم که سیاستها بخواهند بر مسلمانها فشار وارد کنند، به آسانی انجام می‌دهند. برای قدرتها آسان است که بر توده‌های ضعیف و بی‌سلاح و بی‌دفاع، فشار وارد کنند. مثلاً می‌بینید که هزاران مسلمان در هند زیر فشار قرار می‌گیرند. دولت آن جا هم اگر نگوییم به دشمنان اسلام و مسلمین کمک می‌کند - که احتمال دارد کمک هم بکند - حداقل این است که آرام نشسته و تماشا می‌کند که اکثریتی، جمع مسلمانان را - با این که خیلی زیادند، اما در آن کشور اقلیتند - زیر فشار قرار بدهند، کشتار کنند، اهانت نمایند، کتک بزنند و آواره کنند. این، یک نمونه در کشورهای اسلامی است.

گروههای مسلمانی که برای دفاع از اسلام قیام می‌کنند، به‌وسیله‌ی سردمداران آن کشورها به راحتی زیر فشار و شکنجه و زندان قرار می‌گیرند و قدرتهای جهانی هم از اینها - یعنی از دولتها - حمایت می‌کنند. مصر، امروز این گونه است. بسیاری از کشورهای دیگر در دنیا همین گونه‌اند. یک ملت مسلمان مانند ملت فلسطین را از شهر و خانه و کشورشان بیرون می‌کنند و قدرتهای





بزرگ جهانی هم به این کار کمک می‌نمایند و بلکه خودشان آن را انجام می‌دهند. پس، می‌بینید که امروز تجهیزات و قدرت و امکانات دشمنان اسلام برای فشار آوردن روی مسلمانها و طرفداران اسلام، با گذشته خیلی تفاوت کرده است.

حالا در این شرایط، اگر ملتی برای دفاع از اسلام و برای عظمت دادن به آن قیام کند و در راه اعتلای اسلام مجاهدت نماید و از کسی و چیزی نترسد و در راه این مجاهدت به شهادت برسد، این قیام و مجاهدت و شهادت، از همیشه‌ی تاریخ باارزستر است و ملت ایران، بخصوص خانواده‌های شهدا و عناصر شهید ما، امروز این امتیاز را داشته و دارند که برای اسلامی قیام کردند و خون و شهید دادند که دشمنان این اسلام در سطح عالم، به انواع سلاحها مجهزند.

### 🔗 دو نکته مهم در مسلمانان امروز

ایستادگی در مقابل دشمنان مقتدر مسلط زورگوی ظالمِ پرروی گستاخ، کار بسیار بزرگ و با عظمتی است. این، همان کاری است که مردم ما کردند و عظمت ملت ما به خاطر همین شهادت جوانان شما و شجاعت فرزندانتان بود. به دو نکته‌ی در کنار هم که من در خلال عرایضم مطرح کردم، توجه کنید؛ نکته‌ی اول این است که امروز اسلام بیش از همیشه در دنیا مورد بغض و عداوت سردمداران قدرتهای شیطانی است. سابق هم با اسلام بد بودند و هیچ وقت گردن کلفتها و زورگوهای عالم، از اسلام خوششان نمی‌آمد و با اسلام دل صافی نداشتند؛ اما امروز این دشمنی چند برابر است. امروز، قدرتهای شیطانی مزه‌ی ضربتهایی را که اسلام زنده بر آنها وارد می‌کند، چشیده‌اند. امروز، قدرتهای شیطانی غربی - امریکا و ایادی و اذنازش - فهمیده‌اند که وقتی یک ملت مسلمان بود و به نام خدا قیام کرد، چه معنایی دارد. لذا از اسلام بیشتر می‌ترسند و نسبت به اسلام بیشتر بغض و عداوت می‌ورزند.

نکته‌ی دوم این است که شما مسلمانان مؤمن و مقاوم توانسته‌اید در مقابل این نفرت و خشم و عداوت دیوانه‌وار قدرتها ایستادگی بکنید. ارزش این ایستادگی و مسلمانی و مسلمان ماندن، بیشتر از مسلمانی صد سال و پنجاه سال پیش است. این مسلمانی، مثل مسلمانی دوران صدر اسلام است؛ هم فضیلت و هم دردسرش بیشتر است. آن اسلامی که انسان، پنجاه سال یا شصت سال یا هفتاد سال در دنیا زندگی می‌کرد و در تمام این مدت، یک بار با دشمنان خدا مواجه نمی‌شد و به روی دشمنان خدا اخم نمی‌کرد و حتی از طرف دشمنان خدا تلنگری نمی‌خورد، اسمش اسلام بود. این مسلمانی، با مسلمانی جوان نورسیده‌ی ما که بیست سال یا بیست و پنج سال سن دارد و از ابتدای بلوغ که به شرف تکلیف مشرف شده، در میدان جهاد با دشمنان خدا قرار گرفته و در میدان جنگ مقاومت و مجاهدت کرده، یا به شهادت رسیده و یا جانباز و اسیر شده است، از زمین تا آسمان فرق دارد.

### شباهت جوان مسلمان امروزی به جوانان صدر اسلام

مسلمانی جوانان امروز ما که در راه خدا مقاومت و مجاهدت و ایستادگی می کنند، مثل مسلمانی جوانیهای ابی ذر غفاری و حنظله ی غسیل الملائکه و مصعب بن عمیر است. مثل مسلمانی گذشتگان ما نیست که عمری مسلمان خوب هم بودند - که خدای متعال یقیناً اجرشان را هم خواهد داد - نمازی می خواندند، عبادتی می کردند، کاسی بی می کردند و دنبال کار خودشان بودند؛ نه امر به معروف و نهی از منکر بود، نه جهادی بود و نه مواجهه با دشمنان خدا. این کجا و آن کجا؟ این دو حالت با یکدیگر خیلی فرق دارد.

### قدر دانستن مسلمانی دوران جهاد

قدر مسلمانی دوران جهاد را باید دانست. البته، مقداری هم سختی دارد، اما این سختی اول کار است. شما از دوران دهساله ی زندگی پر برکت رسول گرامی اسلام (ص) که در مدینه و در میان مسلمانها زندگی کردند، آگاهی و می دانید که از اول تا آخر آن، جنگ و سختی و کمبود بود؛ اما اگر در جغرافیای دنیا بنگرید، خواهید دید که همان مجاهدات دهساله ی پیامبر بود که پنجاه سال بعد از آن جنگها، حکومت پیامبر نصف بیشتر دنیای آباد آن روز را فرا گرفت. این، همان ده سال بود که به خاطر همان مجاهدتها این گونه شد. البته، بعدها آن طور که دوران پیامبر بود و انتظار می رفت، ادامه نیافت و بعد از گذشت مدتی، وضع خوب، بد هم شد؛ اما در عین حال همان زحمات و مجاهدتها و سختی کشیدنها و گرسنگی خوردنهای دهساله ی رسول اکرم (ص) و یارانش، باعث شد که نیم قرن بعد از رحلت آن حضرت، بیشتر از نیمی از دنیا در اختیار مسلمانان باشد.

سختیهای زیادی در زمان پیامبر تحمل شد. سرگذشت اصحاب صُفّه را که می دانید. لباس قرض دادن به یکدیگر را که شنیده اید. آنها در آن زمان، با یک خرما در میدان جنگ مقاومت می کردند. نفر اول خرما را می مکید تا از شیرینی آن مقداری جان بگیرد، بعد از دهانش بیرون می آورد و به نفر دوم می داد و او هم می مکید و قدری او هم جان می گرفت و سپس خرمای دوبار مکیده را به نفر سوم می داد که او فرو بدهد. این گونه زندگی می کردند، این طور سختی می کشیدند و این طور کمبود داشتند. در ابتدای کار، فشار روی آنها از همه طرف زیاد بود. اول کار، همان پنج، شش ماه و یک سال اول نیست؛ پنج، شش ماه در عمر یک مسافرت، اول کار محسوب می شود، نه در عمر یک ملت و نه در عمر یک تاریخ نو. در عمر یک ملت، ده سال و بیست سال، چند روز محسوب می شود.

در دوران پیامبر (ص)، مردم سختیها را تحمل کردند؛ اما بعد از آن که پایه محکم شد، آن مجاهدتها و فداکاریها و اخلاصها و تربیتها، موجب شد که این حرکت آن چنان سریع ادامه پیدا کند که پنجاه سال بعد از رحلت پیامبر، بیشتر از نیم دنیا در اختیار مسلمانها باشد. در آن زمان چنین بود و امروز هم همان گونه است.

در زمان ما، مجاهدت ارزش مضاعف دارد. منافقان و کسانی که در دلهایشان مرض است، در زمان پیامبر نق



می زدند؛ امروز هم نق می زنند و در زمان امام عزیز ما هم نق می زدند. آنها در آن روزگار، سختیها و کمبودها و شدتها را بزرگ می کردند؛ امروز هم بزرگ می کنند. به حرف آنها نباید اعتنا کرد که بحمدالله مردم اعتماد نمی کنند.

مسأله این است که امروز شما در مقابل دنیایی که قدرتمندانش تصمیم گرفته اند با اسلام مبارزه بکنند - چون از اسلام می ترسند و از او ضربت خورده اند - می خواهید اسلام را عزیز و زنده کنید. کار خیلی مهمی است. من به شما می گویم که بالاخره کارتان را پیش خواهید برد و سرانجام شما هستید که به کوری چشم کسانی که نمی توانند ببینند، اسلام را عزیز خواهید کرد.

### ✪ فرارسیدن روز طلوع اسلام

قدرتمندان دنیا و امپراتورهای زر و زور خیال نکنند که خواهند توانست با سختگیریهایی از قبیل آنچه که در اروپا و کشورهای اسلامی و جاهای دیگر علیه مسلمانها انجام می گیرد، اسلام را از صحنه خارج کنند. روز طلوع اسلام فرارسیده و اسلام در صحنه ماندنی است. آن وقتی که می توانستند اسلام را منزوی کنند، گذشت. سالهای متمادی اسلام را منزوی کردند و این انزوا به قدری بود که دیگر از آن نمی ترسیدند؛ چون خطری برایشان نداشت. اسلام فراری، اسلام مخفی شده، اسلامی که مسلمانهای ننگشان می آید بگویند ما مسلمانیم و ننگشان می آمد در اول سخنرانیهایشان «بسم الله الرحمن الرحيم» بگویند، هیچ خطری برای استکبار ندارد.

نمایندگان جمهوری اسلامی، مردانه و قدرتمندانه، نام خدا را در تمام تریبونهای بزرگ دنیا عظمت بخشیدند و به آن افتخار کردند. آن وقت دیگران دیدند که از قافله عقب مانده اند و لذا حالا بعضی از سران مسلمان وقتی می خواهند در جایی نطق کنند، اول کار «بسم الله الرحمن الرحيم» می گویند! خجالت می کشیدند «بسم الله الرحمن الرحيم» بگویند. اصلاً اسم خدا را نمی آوردند و ننگشان می آمد. اسلام این گونه در غربت بود.

بنابراین، از چنین اسلامی نمی ترسیدند؛ همچنان که از اسلام زراندوزانی مثل سعودی و امثال او نمی ترسند. امریکا، از اسلام نوکرما بهایی مثل بعضی از دولتهای دیگر نمی ترسد - آن اسلام ترس ندارد - از آن اسلامی می ترسد که اسلام ناب است، اسلام قرآنی است، اسلام جهاد و مبارزه و اسلام توکل به خداست؛ یعنی همان اسلامی که در دست مردم انقلابی ما و در دست شماسست و دست جوانهایتان بود که رفتند و جنگیدند و شهید شدند. از این اسلام می ترسند.

### ✪ ایستادگی اسرا به خاطر اسلام در مقابل سختگیریها

هر نفر از جوانان مادر جبهه، برای استکبار یک خطر محسوب می شد. هر نفر از اسرای ما که امروز در زندانهای دولت بعثی است، برای استکبار به عنوان یک خطر بالقوه و بالفعل به حساب

می آید. این واقعیت را خانواده‌های اسرا بدانند و بدان افتخار کنند. همچنان که خانواده‌های شهدا به شهدای خود افتخار کردند، خانواده‌های اسرا هم باید به این آزامردان و جوانان آزاده افتخار کنند. ما می‌دانیم اینها چه قدر مردانگی و قدرت نفس از خود نشان دادند و دشمن نتوانسته آنان را هضم کند. البته، روی اسرای عزیزمان در طول این چند سال سختگیریها و فشارهایی هم داشتند؛ ولی آنها مردند و مؤمنند و آن همه سختی را تحمل کردند و به خاطر اسلام ایستادگی نمودند.

### تبادل اسرا و سیاست سیاستمداران خبیث استکبار

همان رژیمی که آن قدر نسبت به اسرا سختگیری کرده است، حالا برای مصلحت خود و برای فریب افکار عمومی مردم دنیا می‌گوید که مسأله‌ی اسرا، یک مسأله‌ی انسانی است و بیا باید قبل از عقب‌نشینی، اسرا را مبادله کنیم!! کدام اسرا را مبادله کنید؟! اسرایی که ثبت نام نشده‌اند؟ چندین هزار از اسرای مادر زندانها و اردوگاههای رژیم بعثی هستند که هنوز ثبت نام نشده‌اند و صلیب سرخ این قدر شجاعت و بی‌طرفی نداشته که برود آنان را ثبت نام بکند. تعدادی از اسرای مادر آن جا ثبت نام شده‌اند. آنها می‌گویند بیا باید همه‌ی اسرای عراقی در ایران را به ما بدهید و تعدادی از اسرای خود را بگیرید! با این پیشنهاد، بعداً ما باید دنبال عراق راه بیفتیم و چند سال التماس کنیم که ما چند هزار نفر دیگر آن جا اسیر داریم! آنها دلشان این گونه می‌خواهد.

مسأله‌ی اسرا را به‌عنوان یک مسأله‌ی انسانی مطرح می‌کنند، در حالی که از اولیترین و ابتدایی‌ترین خدماتی که باید نسبت به اسرا انجام بشود، خودداری کردند. حتی اجازه ندادند که اسمهای آنان روی کاغذ بیاید و در لیستهای صلیب سرخ درج شود تا مشخص گردد اینها اسیرند. تعداد زیادی از مفقودان ما جزو اسرایند که رژیم عراق هیچ نام و نشانی از آنها نداده است.

دستگاههای استکبار جهانی - همانهایی که در دوران جنگ دائماً از عراق حمایت کردند - امروز هم مسأله‌ی اسرا را علم کرده‌اند. ما به سرنوشت اسرا بیش از آنها علاقه‌مندیم. ما بیش از آنها مایلیم فرزندان و عزیزان ما که در اردوگاههای عراق هستند، برگردند. هیچ کس به قدر ما برای این کار دل نمی‌سوزاند و علاقه ندارد؛ اما ما نمی‌خواهیم فریب دشمن را بخوریم و دستخوش بازپچه‌ی سیاسی سیاستمداران خبیثی بشویم که در تمام هشت سال جنگ، پشت سر عراق بودند و به او کمک کردند و حالا در این موقعیت هم می‌خواهند به او کمک کنند.

بله، مسأله‌ی اسرا مسأله‌ی انسانی است؛ اما قدم اول برای حل این مسأله‌ی انسانی آن است که عراق صادقانه بگوید چه تعداد اسیر ایرانی در دست دارد. صلیب سرخ که باید یک مؤسسه‌ی بی‌طرف باشد، تاکنون این کار را انجام نداده است. البته، این هم به خاطر مسلمان بودن ماست. مادر راه خدا و برای مسلمان بودن، از این چیزها زیاد تحمل کرده‌ایم و باز هم تحمل می‌کنیم و سرانجام به فضل پروردگار، با استقامت خودمان دشمن را به زانو در خواهیم آورد.



هم خانواده‌های شهدای عزیزمان و هم خانواده‌های اسرای عزیزمان و هم جانبازان عزیزمان و خانواده‌های گرامیشان، قدر خودشان را بدانند و مطمئن باشند که عمل آنها امروز خیلی ارزش داشته و دارد و تأثیر زیادی برای عظمت اسلام داشته و خواهد داشت. البته، همه‌ی مردم باید قدر این عزیزان را بدانند و دستگاه‌های دولتی و مردم معمولی باید آگاه باشند که شهید و خانواده‌اش و جانباز و خانواده‌اش و اسیر و خانواده‌اش، جزو برجسته‌ترین انسانها و شریفترین و عزیزترین آنها هستند و باید همان گونه هم با آنها معامله شود. البته، معامله‌ی خدا و آنچه خدا با شما خواهد کرد، از همه بالاتر و باارزستر و ماندگارتر است.



## زنده شدن رسم شهادت با نظام اسلامی

تبيين مفهوم شهادت و جایگاه آن در دین

احیای رسم سرمایه‌گذاری برای دین و تحمل مشکلات برای

خدا

فروش متاع جان در راه خدا

شهادت بالاترین پاداش و مزد جهاد فی سبیل الله

راه پیدا کردن آبرو و عزت برای ملت‌ها

هوشیاری در برابر ترفندهای تبلیغاتی دشمن

اهمیت ادامه دادن راه توسط بازماندگان شهدا

وظیفه بنیاد شهید در قبال خانواده‌های شهدا

## زنده شدن رسم شهادت با نظام اسلامی\*

اگرچه در روزها و شبهای متعلق به سیدالشهداء (علیه السلام)، همه‌ی اجتماعات مردم ما و دیگر شیعیان سراسر عالم، بوی شهادت و عطر فداکاری در راه خدا را دارد؛ اما اجتماعی که متعلق به خانواده و فرزندان شهدا و مسؤولان دستگاهی که خادم شهادت، طبعاً آب و رنگ دیگر و حال و هوای مخصوص به خود را دارد.

### تبیین مفهوم شهادت و جایگاه آن در دین

شما، انتساب افتخار آمیزی به شهادت دارید. شهادت، یکی از مفاهیمی است که فقط در ادیان معنا می‌دهد. هر چند در همه‌ی ملت‌ها و کشورها، اگر کسی در راه هدفهای ملی کشته شود، به او شهید می‌گویند و همه‌ی کشورهایی که امروز نام و آوازه‌ی دارند و تاریخی پشت سر آنهاست، کسانی را به عنوان شهید در میان خودشان می‌شناسند و به آنها افتخار می‌کنند و یاد آنها را گرامی می‌دارند و اینها کسانی هستند که در برهه‌ی از تاریخ آن کشور و ملت، در راه هدفهای ملی یا حفظ استقلال ملی، جنگ کردند و کشته شدند؛ اما در حقیقت نام و معنای شهید، در جایی صادق می‌باشد که دین موجود است.

شهید، یعنی انسانی که در راه آرمانهای معنوی کشته می‌شود و جان خود را - که سرمایه‌ی اصلی هر انسانی است - برای هدف و مقصدی الهی صرف می‌کند و خدای متعال هم در پاسخ به این ایثار و گذشت بزرگ، حضور و یاد و فکر او را در ملتش تداوم می‌بخشد و آرمان او زنده می‌ماند. این، خاصیت کشته شدن در راه خداست. کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، زنده‌اند. جسم آنها زنده نیست؛ اما وجود حقیقی آنها زنده است.

حقیقت هر انسانی، خواسته و فکر و هدف و راه اوست. کسی که برای هدفهای شخصی و دنیایی کشته می‌شود، آن

هدف هم با او دفن می شود و از بین می رود. هر هدفی که قایم به نفس و شخص انسان است، متعلق به اوست و با رفتن و مردن انسان، آن هدف هم می میرد و از بین می رود؛ اما هدفی که الهی و قایم به غیب و خواست خداست و انسان در راه آن فداکاری می کند، با مردن انسان، آن هدف نمی میرد. البته، همین هدفهای خدایی هم ممکن است از بین بروند؛ اما از بین رفتن آن هدفها و پایمال شدنشان در صورتی است که در راه آنها مجاهدتی صورت نگیرد.

اگر کسی در راه هدفهای والا و الهی، مجاهدت کرد و زحمت کشید و بعد کشته شد، آن هدف زنده می شود و وجود این شخص هم همان هدف است و شخصیت و هویت واقعی او قایم به آن هدف می باشد. عکس قضیه این است که هدف، قایم به او نیست، بلکه او قایم به هدف است؛ لذت زنده می ماند و از بین نمی رود. به همین جهت، انبیا و منادیان حق امروز زنده اند؛ زیرا فضایل و تکامل و هدفهایی که در بشر دنبال می کردند، با رفتن آنها نمرده و بتدریج هدفهایشان در واقعیت عالم و جریان تاریخ تحقق یافت. اگر چه همه ی آن اهداف هنوز برآورده نشده است؛ اما امروز می بینید که در دنیا، ندای عدالت و آزادی هست و روشنفکران عالم هدفهایی را به عنوان هدفهای عالی اسم می آورند که این همان هدفهای انبیاست؛ گر چه خود ندانند که از کیست.

### ❁ احیای رسم سرمایه گذاری برای دین و تحمل مشکلات برای خدا

حقیقتی که ما باید بدان افتخار کنیم، این است که رسم شهادت و سنت الهی قتل فی سبیل الله، با نظام اسلامی زنده شد. در گذشته، سیلی خوران در راه خدا کم بودند و برخی در طی عمر هفتاد ساله ی خود، تحمل کمترین سختی در راه خدا را هم نداشتند و حاضر نبودند در راه خدا یک اخم را تحمل کنند؛ چه برسد به این که جان و سرمایه ی وجود خود را در راه خدا بدهند. برای ملتی که به نام اسلام زندگی می کند، خیلی بد است که در راه تحقق این هدف عظیم، هیچ مشکلی را بر خود هموار نکنند. پیداست که در این جامعه، اسلام روزه روز ذوب و کم رنگ و بی اثر خواهد شد.

در گذشته، متأسفانه در کشور ما و بسیاری از کشورهای اسلامی دیگر، رسم سرمایه گذاری برای دین و تحمل مشکلات برای خدا، منسوخ و یا بسیار کم شده بود؛ چه رسد به کشته شدن در راه خدا. یکی از بزرگترین خدمات انقلاب و امام به ملت و اسلام، احیای انگیزه ی فداکاری در راه خدا - چه در ایران و چه در سایر کشورهای اسلامی - بود. امروز، نفوس طیبه ی بسیاری، حاضر به تلاش و تحمل زحمت و قبول دردسر و بذل جان برای خدا هستند و مظهر بزرگ آن، همین شهدای عزیز ما هستند که شما بازماندگان و یادگارهای عزیز آنها هستید.

### ❁ فروش متاع جان در راه خدا

مرگ برای همه هست. ما اگر در راه خدا بمیریم، به حسب موازین مادی و ظاهری هم، چیزی از دست نداده ایم. مردن، سرنوشت اجتناب ناپذیر هر یک از ماست. این متاعی است که بالاخره از دست ما خواهد رفت؛ ولی این متاع جان به دو گونه از دست می رود: یکی این که آن را گم کنیم و دیگر این که آن را بفروشیم. کدام بهتر است؟ آنها که در راه خدا کشته نمی شوند، جانشان را گم کرده اند و در مقابل، چیزی در دست ندارند. و آنها که این متاع را در راه خدا می دهند و جانشان را در راه او مصرف می کنند، کسانی هستند که آن را فروخته اند و در عوض چیزی گرفته اند:



«ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة»<sup>۱</sup>.

شهید، جانش را فروخته و در مقابل آن، بهشت و رضای الهی را گرفته است که بالاترین دستاورد دهاست. به شهادت در راه خدا، از این منظر نگاه کنیم. شهادت، مرگ انسانهای زیرک و هوشیار است که نمی‌گذارند این جان، مفت از دستشان برود و در مقابل، چیزی عایدشان نشود. این جان، سرمایه‌ی اصلی ماست. مردن و شهادت، پیری و جوانی نمی‌فهمد. بسیاری هستند که در راه خدا هم کشته نمی‌شوند؛ اما در جوانی می‌میرند. چه قدر جوانان هستند که می‌میرند و در حقیقت جانشان از دست رفته است. اگر در راه خدا حرکت نکنند، اگر مسیر آنها الهی نباشد و مرگشان در راه خدا و هجرت و جهاد فی سبیل الله نباشد، متاع عمر - که بسیار عزیز است - از دستشان خواهد رفت و در مقابلش، چیزی عایدشان نمی‌شود. البته، اگر بازماندگان آنها صبر کنند، خدای متعال به آنها اجر خواهد داد؛ اما خود آن مرده، در مقابل جانش که از او گرفته شده است، چیزی به دست نخواهد آورد.

بسیاری هم هستند که در سنین غیر جوانی یا بعد از جوانی، در راه خدا شهید شدند - مثل شهدای محراب و عزیزی که در جبهه شهید شده‌اند - اینها هم کسانی هستند که جانشان را فروخته‌اند. شهادت برای هر انسانی چنین امتیازی است. واقعاً اگر خدای متعال این دعا را از کسی قبول کند که مرگ او را در شهادت قرار دهد، بزرگترین امتیاز را به یک انسان داده است و در مقابل سرمایه‌ی که از بین می‌رود و هدر می‌شود، بهشت و رضایت خود را قرار داده است.

### 🏆 شهادت بالاترین پاداش و مزد جهاد فی سبیل الله

چرا شهادت این قدر با عظمت و اهمیت است؟ علت این است که انسانی که جان خود را در راه خدا می‌دهد، در حقیقت در یک لحظه‌ی نیاز و در آن وقتی که دین و راه خدا به کسانی که آن را رونق دهند، احتیاج دارد، آن تلاش لازم را انجام داده است. کسی که در راه خدا تلاش می‌کند و از راحتی و زن و بچه و آسایش معمولی و امتیازات مادی صرف نظر می‌کند، پاداش الهی را - که همان شهادت است - به دنبال دارد. این نشان‌دهنده‌ی عظمت مجاهدت اوست. لذا مکرر گفته‌ام که شهادت بالاترین پاداش و مزد جهاد فی سبیل الله است.

در این جا، دو نکته گفتنی است که مطرح می‌کنم؛ نکته‌ی اول، تأثیر شهادت‌ها در تقویت نظام اسلامی است. شما برادران و خواهران می‌دانید که ابهت و اقتدار معنوی امروز نظام اسلامی و ملت مسلمان در دنیا و در چشم قدرتهای شیطانی، ناشی از همین شهادت‌ها و کاری است که عزیزان شما کردند. فرزندان شهدا بدانند که پدران آنها موجب شدند که اسلام، در چشم شیطانها و طاغوت‌های عالم، ابهت پیدا کند. روزی بود که به اسلام و جامعه‌ی مسلمین، اصلاً اعتنایی نمی‌کردند و کمترین محلی نمی‌گذاشتند و آنان را صاحب فکر نمی‌دانستند؛ اما امروز دریافته‌اند که اسلام، کاخهای اقتدار شیطانی آنان را در سراسر دنیا لرزانده است. امام بزرگواری که نام و یاد او، دل قدرتهای طاغوتی را آب می‌کرد و کاخهای آنان را تکان می‌داد، عظمت خود را از اسلام گرفت. عظمت او، به خاطر این بود که خود را خادم اسلام و مسلمین می‌دانست و مجاهدت او و ملتش، به اسلام عظمت بخشید.

### 🌟 راه پیدا کردن آبرو و عزت برای ملت‌ها

امروز، به فضل همین شهدادتها و به برکت خون شهدا، ملت ما، ملت سربلند و آبرومندی است و ملت‌ها آبرو و عزت را این‌گونه باید پیدا کنند. قدرتهای استکباری، برای ملت‌های کشورهای امثال ما - کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای مستضعف - حق حیات و حق رأی و نظر قایل نیستند؛ حتی حق استفاده از منابع ثروت خودشان را هم قایل نیستند. با قدرتهای شیطانی، از سر ضعف و ذلت نمی‌شود وارد شد؛ چون به ضعیف رحم نمی‌کنند. باید هر ملتی خود را قوی کند و قدرت حقیقی خودش را پیدا نماید و این، جز به برکت اعتقاد و عمل در راه آن اعتقاد تا سرحد مجاهدت و شهادت، امکانپذیر نیست. این، کاری است که ملت و شهدای ما انجام دادند و دنیای استکبار و دولتهای متکبر را - نه انسانها و ملت‌ها، چون آنها با ما همراهند - وادار به پذیرش و تحمل اسلام و جمهوری اسلامی کردند. البته، از توطئه و اعمال دشمنی و مکر غافل نیستند. شما هم غافل نباشید.

### 🌟 هوشیاری در برابر ترندهای تبلیغاتی دشمن

امروز، مهمترین شگرد دشمنی استکبار جهانی، در کیفیت تبلیغات اوست. به اعتقاد من، امروز یکایک طراحان سیاسی و تبلیغاتی دشمن، درباره‌ی کشور و مردم و دولت و مسؤولان ما، فکر می‌کنند و چگونگی تبلیغات را نسبت به این مجموعه انتخاب می‌کنند و خبر گزاریهای وابسته به استکبار و صهیونیسم بین‌المللی نیز، در باب کشور ما با همان شیوه‌ها عمل می‌کنند. تبلیغات امروز خبر گزاریهای و رادیوها درباره ملت و امام و مسؤولان و آینده‌ی کشور، همه محاسبه شده است. ما امروز، با ترندهای تبلیغاتی مواجه هستیم. ملت باید در مقابل تبلیغات دشمن، خیلی هوشیار باشد.

### 🌟 اهمیت ادامه دادن راه توسط بازماندگان شهدا

نکته‌ی دوم این است که بازماندگان شهدا باید به شهدا افتخار کنند؛ ولی به این کار اکتفا نکنند. باید راه شهدا را که راه دین و فداکاری برای اسلام و سربازی برای انقلاب و تقویت نظام اسلامی بود، دنبال کنید. بازماندگان شهدا، باید احترام به اسلام و استحکام بخشیدن به نظام و سربازی انقلاب را، بیشتر از بقیه‌ی مردم شعار خود قرار بدهند و در این راه حرکت کنند. بعضی خیال می‌کنند چون خانواده‌های شهدا مورد احترام و عطوفت دستگاههای دولتی و مردم هستند، دیگر وظیفه‌ی برعهده ندارند و با دادن شهید، از آنها سلب وظیفه شده است. این، اشتباه است. هر که برای این نظام بیشتر سرمایه‌گذاری کرده، بیشتر موظف به حفظ نظام است و هر که در شرکتی، سهم بیشتری داشته باشد، نسبت به منافع آن شرکت حساسیت بیشتری دارد. خانواده‌های شهدا چون با دادن عزیزشان، سرمایه‌گذاری بیشتری برای بقای نظام کرده‌اند، باید بیش از تمام مردم برای حفظ نظام اسلامی و حیثیت آن حساس باشند؛ که بحمدالله این‌گونه هم هست و خوشبختانه بازماندگان شهدای ما به نحوی هستند که ان‌شاءالله کارشان موجب رضای روح مطهر شهدای ماست.

### 🌟 وظیفه بنیاد شهید در قبال خانواده‌های شهدا

مسؤولان مربوط در بنیاد شهید هم، باید در کارهای فرهنگی و فکری و خدمات معنوی، روی این خانواده‌ها سرمایه‌گذاری بیشتری بکنند. البته، خدمات مادی به خانواده‌های عزیز شهدا لازم است؛ اما خدمات معنوی و فکری



لازمتر است. اگر ما خدمات مادی را جدای از خدمات معنوی و فکری، در اختیار این عزیزان قرار بدهیم، در حقیقت کار عبثی انجام داده‌ایم. لذا باید روی مسایل معنوی و فکری، برنامه‌ریزی و کار و سرمایه‌گذاری معقول و خوب و عمیق و کارشناسی بشود؛ آن‌هم به دست صمیمی‌ترین و دلسوزترین و کارآمدترین افراد. هر چه این سرمایه‌گذاری بهتر و بیشتر باشد، ضرری در آن نخواهد بود و هر چه هست، منفعت خواهد بود.

اگر فایده‌ی کار ذهنی کم باشد، باید در کیفیت برنامه‌ریزی خودمان تردید کنیم. اثر کار فرهنگی، صددرصد است و هیچ کار فرهنگی درست، بدون اثر نیست. راز کار فرهنگی را تبلیغاتچیهای جهانی می‌دانند. اگر این همه پول خرج می‌کنند و رادیو و خبرگزاری راه می‌اندازند، به این دلیل است که آثار و نتایج کار فرهنگی را می‌دانند. تأثیر هیچ سرمایه‌گذاری بی‌مثل کار فرهنگی قطعی و نتیجه‌اش صددرصد نیست. اگر کار فرهنگی کم تأثیر باشد، بدانیم که ارکانش ناقص است و به میزان لازم انجام نگرفته است. باید عیب آن را یافت و اصلاح کرد.

امیدوارم که خدای متعال، بر همه‌ی شما خانواده‌های عزیزان شهید ما، فضل و لطف خودش را نازل کند. همچنین خداوند به برادران عزیز و مؤمن و دلسوز و متعهد پاکستانی حاضر که به حکم آگاهی و روشنفکری خویش، مسؤولیت سنگینتری دارند و اسلام به این سربازان جوان و متعهد می‌بالد و احتیاج دارد، توفیق دهد. خداوند ما را در راه خودش، موفق و ثابت‌قدم بدارد.

(۱) توبه: ۱۱۱



## در میدان ماندن با روحیه‌ی شهادت‌طلبی

برتری شهدای زمان ما از شهدای صدر اسلام

ثمرات و برکات خون شهدا

رقم زدن حوادثی عظیم، توسط خانواده شهدا

اهمیت حفظ آبرو و روحیه توسط خانواده شهدا

شهادت، یعنی وارد شدن در حریم خلوت الهی

اولی بودن خانواده شهدا در خودسازی

## در میدان ماندن با روحیه‌ی شهادت‌طلبی\*

یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی بر جامعه‌ی اسلامی ما، وجود مردان شجاع و جوانان فداکاری است که از پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز، در مقابل دشمنان انقلاب سینه سپر کرده‌اند و با جان و خون خود، اسلام و انقلاب و راه خدا را نصرت بخشیده‌اند. بعضی از این عزیزان، در راه خدا به شهادت رسیدند و به درجات و نعم غیرمتناهی الهی بر شهیدان فائز شدند و به عنوان سند افتخاری برای ایران و اسلام و انقلاب اسلامی، و مایه‌ی آبرویی برای امام و رهبر راحل عظیم‌الشأن ما، اسم آنها در تاریخ ثبت شد.

### بر تری شهدای زمان ما از شهدای صدر اسلام

اگر ما بخواهیم شهدای جلیل‌القدر را در میزان ارزش‌های اسلامی بسنجیم، بدون شک در عداد شهدای صدر اسلام قرار دارند، و شاید در مواردی از آنها برترند؛ چون شهدای صدر اسلام، در کنار نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و اله و سلم) و امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) حضور داشتند؛ نفس وحی را از پیامبر بزرگوار می‌شنیدند و لمس می‌کردند؛ اما شهدای زمان ما، بدون این که امام معصوم و نبی مکرم را مشاهده بکنند، با دعوت امام بزرگوار و راحل ما (رضوان الله تعالی علیه) و به اشاره‌ی آن نایب برحق معصومین (علیهم السلام)، در جبهه‌های خطر حضور پیدا کردند و نقش یک مجاهد فی سبیل الله را به بهترین وجهی ایفا نمودند. اگر شهدای عزیز ما نمی‌بودند و فداکاری آنها نمی‌بود، امروز این عزت و این عظمت برای اسلام نمی‌بود.

## ثمرات و برکات خون شهدا

امروز شما وقتی به صحنه‌ی عالم نگاه می‌کنید، می‌بینید که پرچم اسلام در اهتزاز است؛ اسلام عزیز است؛ ملت‌های مسلمان برای حکومت اسلامی مجاهدت و تلاش می‌کنند؛ دل‌های مسلمین پُر از امید است؛ آینده برای مسلمانان روشن است و ملت‌ها در مقابل قدرتهای جهانی عالم، دچار ترس و رعب نمی‌شوند. آن احساس ذلت و زبونی‌یی که ملت‌های ضعیف در طول دهها سال گذشته - بلکه قرن‌های گذشته - دچار آن بودند، امروز از آن احساس ضعف و ذلت خبری نیست؛ ملت‌ها شجاع و قوی و اهل اقدام و عمل شده‌اند.

اگر کسی باانصاف باشد و بخواهد این پدیده‌ی عظیم عالم را تحلیل بکند، به این نتیجه می‌رسد که همه‌ی این برکات، از برکت خون همین جوانان و فرزندان شماس است؛ از برکت همین رزمندگان است که در مدت سال‌های بعد از پیروزی انقلاب، در جبهه‌های مختلف حضور پیدا کردند؛ جان خود را مورد توجه قرار ندادند؛ هدف‌های الهی را مورد توجه قرار دادند؛ بعضی به شهادت رسیدند، بعضی مجروح و جانباز شدند و در عین جوانی، از عافیت جسمانی محروم شدند؛ بعضی هم به اسارت دشمن درآمدند و سال‌ها سختی‌های زندان و شکنجه‌ی تسلط دشمن‌ان را تحمل کردند؛ اینها بودند که آن عزت و آن عظمت را برای اسلام به ارمغان آوردند.

ای بسا پدر و مادری که جوان خود را درست نمی‌شناختند. من گاهی که با پدران یا مادران شهدای عزیز درباره‌ی شهیدشان گفتگو می‌کنم، آنها به من می‌گویند که فرزندشان تا زنده بود، عظمت روحی او را درست درک نمی‌کردند. جوان آنها، همان کودکی است که او را بزرگ کرده‌اند. پدران و مادران، درست نمی‌توانند عظمت این مجاهد فی سبیل الله را درک کنند؛ بلکه ملت نمی‌تواند عظمت این ستارگان درخشان را بفهمد. بنده عرض می‌کنم که ما هنوز قادر نیستیم عظمت کار این شهدای عزیز را درست تشخیص بدهیم. آیا می‌دانید که این شهدای بزرگوار ما - همین جوانان فداکار ما، همین بسیجی مؤمن پُرشور عاشق و شوق‌منان ما، یا ارتشی و سپاهی ما - چه عظمتی در دنیا و در تاریخ آفریده‌اند؟

اسلام را در کنج انزوا قرار داده بودند. جهان‌خواران و غارتگران عالم، داشتند کاری می‌کردند که از اسلام نامی بر صفحه‌ی روزگار و در دل‌های مردم باقی نماند؛ قصد داشتند اسلام را بکلی از بیخ و بن بکنند. این کار را آسان هم نکرده بودند؛ میلیاردها خرج کردند. نقشه‌کشها و متفکران مزدورشان، شبها و روزها و سال‌های متمادی فکر کردند، آدم‌ها کشتند، شهرها ویران کردند، حکومت‌ها بردند و حکومت‌ها به جای آنها آوردند، در همه‌ی جای کشورهای اسلامی علما را کشتند، مدارس را ویران کردند، نام دین را از صفحه‌ی در و دیوار شهرها شستند، تا شاید بتواند اسلام را از بین ببرند.

این کارها کی انجام گرفت؟ این کارها مربوط به هزار سال و پانصد سال و دویست سال قبل نیست؛ مربوط به همین عمر من و شماست. در دوران رژیم منحوس پهلوی، در همین کشور این کارها انجام شد. در همین شهرها، حتی در همین روستاها، و در همه جای دنیای اسلام، خصمانه و با دل پُر از کین، داشتند با اسلام می‌جنگیدند، تا اسلام را بکلی از صفحه‌ی روزگار زایل کنند و از بین ببرند. چرا؟ چون اسلام با قدرت طلبی‌هاشان، با سلطه‌گری‌هاشان، با غارتگری‌هاشان، با آدم‌خواری‌هاشان، با فسادهاشان، با فحشاهاشان، با



آدم کشی‌هاشان، با توطئه‌هاشان بر ضد انسانیت مخالف بود. می‌خواستند آزاد و بی‌مهار باشند و هر کاری که می‌خواهند، بکنند؛ اما اسلام مانع بود. لازم می‌دانستند که اسلام را از بین ببرند، و داشتند می‌بردند، که این انقلاب الهی مثل فجر نوری درخشید. قبل از این انقلاب، آن جاهایی که در دنیا مسلمانان زندگی می‌کردند، از مسلمانی خودشان احساس افتخار نمی‌کردند. خیلی از مسلمانان به خاطر احساس حقارتی که در مقابل غیر مسلمین داشتند، دم از مسلمانی نمی‌زدند. ملت‌های مسلمان هر جا بودند، خود را کوچک، زیر دست و حقیر احساس می‌کردند. انقلاب مانند کوره‌ی آتشفشانی دنیا را تکان داد و همه چیز را دگرگون کرد؛ باورها را عوض کرد، احساس‌ها را عوض کرد، مسلمانان را عوض کرد؛ نه فقط در ایران، بلکه در همه‌ی دنیای اسلام. امروز سران کشورهای مسلمان، حتی آنهایی که از اسلام بهره‌ی چندانی هم ندارند، خود را مجبور می‌بینند که به اسلام تظاهر کنند! چرا؟ چون ملت‌ها اسلام را می‌خواهند. امروز دستگاه‌های کفر و استکبار جهانی، در مقابل مسلمین احساس رعب می‌کنند. چرا؟ چون مسلمانان دیگر احساس حقارت ندارند. مسلمانان، امروز در هیچ نقطه‌ی دنیا از مسلمانی خودشان خجالت نمی‌کشند؛ بلکه به آن افتخار می‌کنند؛ اینها را انقلاب کرد.

در این حرکت عظیم، نقش همین بچه‌های شما، همین شهیدان شما، همین به خون غلتیدگان جبهه‌های نبرد و سایر جبهه‌ها، نقش اول است. ما امروز هنوز قادر نیستیم عظمت این کار را درک بکنیم؛ تاریخ درباره‌ی اینها قضاوت خواهد کرد.

ما در تاریخ، زندگی شهیدای گرانقدر زمان پیامبر را که مطالعه می‌کردیم - حنظله‌ی غسیل الملائکه را، حمزه راه آن دو برادر شجاع جنگ احد را، و دیگران و دیگران را - تعجب می‌کردیم؛ اما این جوانان ما، هزاران حمزه‌ی سیدالشهداء و هزاران حنظله‌ی غسیل الملائکه را به ما نشان دادند؛ به چشم خودمان آنها را دیدیم و عظمت آنها را درک کردیم. جانبازان و آزادگان و مفقودان غریب عزیزمان هم مثل آنها هستند.

### 📖 رقم زدن حوادثی عظیم، توسط خانواده شهیدا

من همیشه به خانواده‌های شهیدا گفته‌ام که شهدای ما خط مقدمند؛ پشت سر شهیدا، خانواده‌هاشان هستند؛ همین پدران و مادران و همسران که به رزمندگی جوان و مرد خانه و محبوبشان افتخار کردند؛ از کشته شدن او نترسیدند؛ او را از رفتن منع نکردند؛ حتی مادران بچه‌هاشان را تشویق کردند! چه می‌شنویم و چه می‌بینیم؟! این چه حوادث عظیمی است در زمان ما و در مقابل چشم ما؟! اگر این حوادث در تاریخ بود، انسان با تردید آنها را می‌گفت. خیلی‌ها هم در بیرون از این مرزها، این مسائل را با تعجب زیاد می‌شنوند؛ اما شما خودتان آنها را لمس کرده‌اید. در رفتن به میدان جنگ، پدران با فرزندانشان، و فرزندان با یکدیگر مسابقه گذاشتند! همسران غصه خوردند و گریه کردند که چرا آنها نمی‌توانند به میدان جنگ بروند؛ و صبر کردند و در خانه‌ها نشستند و پشت جبهه را نگاه داشتند؛ بعد هم که آن رزمنده شهید شد، پدران و مادران و همسران و فرزندان شکر کردند و به شهادت شهیدشان افتخار نمودند! این است که شعله‌ی یک نهضت، همچنان زنده می‌ماند. این است که امام بزرگوار، قله‌ی عزت و عظمت را برای اسلام

فتح می‌کند. این است که ملت‌ها صریحاً می‌گویند: ای ملت ایران! ما از شما یاد گرفتیم؛ شما معلم ما هستید.

### اهمیت حفظ آبرو و روحیه توسط خانواده شهدا

من به شما عرض می‌کنم که ای پدران و مادران و همسران و فرزندان و برادران و خواهران شهدا! این آبرو و این روحیه را برای خودتان حفظ کنید؛ همچنان که بحمدالله حفظ کرده‌اید. دنیا تاریخ و پُراز ظلم است. ملت‌ها تنه‌ایند و احتیاج به پشت‌گرمی دارند. روحیه‌ی شما و تداوم نهضت شما و استقامت شما، مایه‌ی روحیه و پشت‌گرمی برای ملت‌هاست. شما زنان مسلمان، برای زنان فلسطین و زنان کشورهای اسلامی، مایه‌ی دلگرمی هستید. صریحاً می‌گویند که ما از شما - بخصوص از شما جوانان - یاد گرفته‌ایم. این مقاومت را حفظ کنید و این ایستادگی را غنیمت بشمارید. با استقامتتان، با وحدتتان، با حضورتان در صحنه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی و سازندگی و اداره‌ی کشور، و با پیشبرد کارها و پشت سر مسؤولان قرار گرفتن، آبرویی را که به اسلام داده‌اید، تداوم ببخشید؛ شماها اسلام را زنده کردید.

### شهادت، یعنی وارد شدن در حریم خلوت الهی

بهترین مردنها، شهادت است. بالاترین اجرا برای انسانی که در راه خدا مبارزه می‌کند، نوشیدن شربت گوارای شهادت است. خوشا به حال آن عزیزان، و گوارا باد بر آنها این نعمت بزرگ الهی! آنها با شهادت، اجرشان را گرفتند. شهادت، یعنی وارد شدن در حریم خلوت الهی، و میهمان شدن بر سر سفره‌ی ضیافت الهی؛ این کم چیزی نیست؛ این خیلی با عظمت است. پروردگارا! تو را به حق خون شهیدان، تو را به حق اولیایت، تو را به حق صاحب‌الزمان (ارواح‌نفاذ)، مرگ ما را هم به شهادت در راه خودت قرار بده.

### اولی بودن خانواده شهدا در خودسازی

اگر انسان مسلمان، با روحیه‌ی شهادت‌طلبی در میدان بماند، هیچ قدرتی نمی‌تواند بر او فایق بشود؛ این روحیه را باید حفظ کرد. من به خانواده‌های عزیز شهدا، مخصوصاً فرزندان‌شان - این جوانان و نوجوانان عزیز - توصیه می‌کنم، هر چه می‌توانید، خودسازی کنید. همه باید خودسازی بکنند؛ اما شما اولی هستید. امام بزرگوار ما (رضوان‌الله تعالی علیه)، نسبت به شهدا و خانواده‌هایشان بسیار حساس بودند و بسیار دل‌درگرو فکر آنها داشتند؛ و این یک نمونه از عمل بندگان صالح خداست.

راه عزت، راه کرامت، راه سربلندی در دنیا و کسب رضای الهی در آخرت، راه انقلاب و راه ایستادگی در مقابل دشمنان خداست. دشمن می‌خواهد ملت ایران را خسته کند؛ غافل از این که این ملت با این عظمت و با این همه خون ریخته شده در راه خدا، هرگز از ادامه‌ی راه خدا خسته نخواهد شد. دشمن می‌خواهد این سرمشق را از ملت‌های مسلمان بگیرد؛ می‌خواهد وانمود کند که این ملت خسته شده و در راه خود متزلزل گردیده است. شما همیشه نشان داده‌اید که دشمن دروغ گفته است؛ باز هم باید نشان بدهید؛ باز هم باید ادعای دروغ





دشمن را تخطئه کنید؛ و این با حضور در صحنه‌های انقلاب است. جانبازان عزیز هم شهدای زنده‌ی ما هستند؛ چون مثل شهید به میدان جنگ رفته‌اند و مثل شهید ضربت خورده‌اند؛ منتها کرامت الهی آنها را حفظ کرده است. اینها زنده‌اند، اما در رتبه‌ی شهیدان. به این عزیزان هم توصیه می‌کنم که این کرامت الهی را برای خودشان حفظ کنند؛ «لَّذَیْنِ احْسَنُوا مِنْهُمْ وَاَتَقُوا اجْرَ عَظِیْمٍ»<sup>۱</sup> باید همیشه آن روحیه‌ی را که آنها را در میدان نبرد به پیش می‌برد و به فداکاری وادار می‌کرد، حفظ کنند. البته همه‌ی دستگامها موظفند که قدر و ارج این عزیزان - چه خانواده‌ی شهدا، چه جانبازان، چه آزادگان، چه خانواده‌هاشان، چه فرزندانشان - را حفظ کنند. بالاتر از همه‌ی اینها، لطف و تفضل الهی است، که امیدواریم همواره شامل حال شما باشد و بماند.



## امروز باید راه شهدا را ادامه دهیم

برجستگی منحصر به فرد زمان ما

ترس استکبار از اسلام نتیجه فداکاری خانواده شهدا

اهمیت صبر و فداکاری در رسیدن به هدف

باید همواره خود را در جبهه‌ی کارزار حس کنیم

## امروز باید راه شهدا را ادامه دهیم\*

مجلس بسیار معطر و منوری است؛ معطر به عطر شهادت، و منور به نور بازماندگان شهدای عزیزمان است؛ که پدران و مادران و همسران و فرزندان شهدا، از لحاظ فداکاری و گذشت در راه خدا، تالی تلو خود آن شهیدانند. امیدوارم که ارواح مطهره‌ی شهیدان عزیز ما، هم در دنیا برای ما راهنما و راهبر و تصحیح کننده‌ی خطاها باشند، و هم در پیشگاه پروردگار عالم در قیامت، شفیع و واسطه‌ی عفو و مغفرت برای ما باشند.

### بر جستگی منحصر به فرد زمان ما

آن چیزی که در کشور ایران واقع شد و بلاشک در همه‌ی ادوار تاریخ این کشور - تا آن جا که ما خوانده‌ایم و دیده‌ایم - سابقه‌ی ندارد، ایستادگی و فداکاری عمومی و یکپارچه‌ی مردم در راه خدا بود که در مقابل تجاوز و نامردمی دشمنان صورت گرفت. نقطه‌ی اوج این حادثه‌ی استثنایی و بی‌نظیر، همان حرکت درخشانی بود که از ستارگان آسمان انسانیت زمان ما - یعنی همین شهیدان عزیز ما - سر زد. این جوانانی که این طور با شور و شوق، بدون این که به آرزوها و شهوات جوانی کمترین اعتنایی بکنند، به جبهه‌ها رفتند و حقیقتاً با عشق و محبت الهی جان دادند، به نظر بنده این برجستگان زمان ما، از صدر اسلام به بعد، در هیچیک از دوره‌ها، از لحاظ کمیت و کیفیت نظیر ندارند. عده کثیری از این عزیزان هم همین حرکت و همین شجاعت را بخرج دادند و به صورت جانباز درآمدند؛ عده‌ی هم به اسارت افتادند و در دوران اسارت هم از خود عظمت نشان دادند؛ عده‌ی هم - که بحمدالله کم نیستند - همچنان در میان مردم هستند و برای دفاع از این انقلاب، ذخیره‌های الهی محسوب می‌شوند. این مجموعه‌ی جوان - چه آنهایی که شهید شدند، چه آنهایی که جانباز شدند، چه آنهایی که اسیر شدند، چه آنهایی که هنوز مفقودالاثرتند و از حال آنها کسی مطلع نیست - جزو

معجزات انقلاب در زمان ماست. چه کسی می توانست این دل‌های پاک و مطهر را این‌طور یکپارچه متوجه به خدا بکند؟ این معجزه‌ی اسلام انقلابی و اسلام پُر تپش بود؛ ناشی از اخلاص آن مرد خدا، آن بنده‌ی صالح و آن رهبر واقعی و حقیقی بود که در خط رهبری پیامبران حرکت می کرد؛ راه و نَفَس و عمل او این حادثه‌ی عظیم را آفرید.

### 🕌 ترس استکبار از اسلام نتیجه فداکاری خانواده شهدا

عزیزان من، پدران شهدا، مادران شهدا، که دسته‌های گلِ پروریده‌ی در دامان خودتان را در راه خدا دادید و پرپر شدن آنها را تحمل کردید! جوانان عزیز جانباز، که در اول جوانی، سلامت خودتان را برای خدا و در راه خدا تقدیم کردید! همسران شهدا، فرزندان شهدا، که مصایب مشکل را تحمل کردید! من این حقیقت را به شما عرض کنم که اگر این معجزه اتفاق نیفتاده بود، اگر جوانان و نورچشمیان شما این‌طور مجذوب حق به سمت مقتل خودشان نمی رفتند و فداکاری نمی کردند، امروز از اسلام در دنیا خبری نبود؛ که هدف استکبار هم این بود. اگر می بینید که امروز در دنیا پرچم اسلام بلند است؛ اگر می بینید که ملت‌های مسلمان احساس شخصیت و هویت می کنند؛ اگر می بینید که نعره‌ی الله اکبر بچه مسلمانها در سرتاسر کشورهای اسلامی، تخت‌های قدرت استکباری را به لرزه درآورده و اسلام عزیز است و در دنیا مطرح است؛ بدانید که این افتخار به‌وسیله‌ی فرزندان شما، به‌وسیله‌ی همین خونهای پاک، به‌وسیله‌ی همین گذشتها و ایثارها به‌دست آمد؛ بدون اینها نمی شد. این تحول عظیمی که اسلام انقلابی و لطف الهی در دلها به‌وجود آورد و این‌طور همه را مشتاق به سمت جبهه‌ها کشاند و فداکارها را به بهترین وجه در مقابل چشم جهانیان قرار داد، اگر اینها نبود، قضیه این‌طور نمی شد. امروز مستکبران عالم از اسلام می ترسند؛ چون جوانان شما را دیده‌اند؛ چون جبهه‌های شما را دیده‌اند؛ چون بسیج را دیده‌اند؛ دیده‌اند که این مردم چه‌طور مثل اقیانوسی خروشان به طوفان می آیند و از هیچ چیزی در راه خدا نمی هراسند؛ چون پدران و مادران را دیده‌اند؛ دیده‌اند که مادر با آن عاطفه‌ی رقیق و جوشان - که هیچ مادری نمی تواند تحمل کند که خاری به پای فرزندش برود - از جوان خودش در راه خدا آن چنان آسان می گذشت که همه را به حیرت در می آورد. یک شهید، دو شهید، سه شهید، چهار شهید؛ این پدران و مادران و همسران و کسان این عزیزان و جوانان ما آن چنان تحمل کردند که انسان از حیرت و تعجب، هر چه نگاه می کند، نظیری برای آن پیدا نمی کند. این صبرها بود که لطف خدا را متوجه این ملت کرد.

### 🕌 اهمیت صبر و فداکاری در رسیدن به هدف

برادران عزیز! هیچ کار بزرگی جز با فداکاری و صبر به‌دست نمی آید؛ هیچ هدفی جز با تلاش و مجاهدت به‌دست نمی آید. آن روزی که مسلمانان نشستند تا دنیا و آخرتشان تأمین بشود، اما هیچ حرکتی از خود نشان ندادند، دنیا را که در نقد از دست دادند؛ آخرت را هم که خدا می داند! اما مردم در انقلاب ما - که مسلمانان را نیز به حرکت در آورد - به فضل پروردگار، عزت و شرف و پیشرفت دنیا را به‌دست آوردند؛ «و ما عند الله خیر و ابقى»؛<sup>۱</sup> روشنی چشم آنها، پیش خدا و در آخرت است.

**بايد همواره خود را در جبهه‌ی کارزار حس کنیم**

من بخصوص به شما جوانان عرض می‌کنم که صحنه‌های مبارزه و انقلاب، شاید به شکل‌های دیگر همچنان ادامه دارد. استکبار جهانی، دشمنان خونی اسلام، آنهایی که از اسلام می‌هراسند و می‌دانند که اسلام مانع غارتگری آنهاست، بیکار ننشسته‌اند. دشمنان بزرگ و پُر مکر و فن ما، از این اسلام عزیز و ناب، از این نظام جمهوری اسلامی - که برای اولین بار بعد از صدر اسلام، در دنیا نظامی بر پایه‌ی مقررات اسلام تشکیل می‌شود - و از این حرکت عظیمی که موجب شد دست دشمن از این کشور کوتاه بشود، حاضر نیستند بگذرند.

ما باید بیدار و هشیار باشیم؛ باید همواره خود را در جبهه‌ی کارزار حس کنیم. هر جا هستید - در مدرسه، در دانشگاه، در بازار، در حوزه‌ی علمیه، در مسؤولیت‌های دولتی، در شهر، در روستا - باید احساس یک سرباز و یک بسیجی را داشته باشید. امروز به فضل پروردگار این احساس با امید بیشتری همراه است؛ زیرا ملت ایران تجربه کرد و دید که تلاش و کید دشمن نمی‌تواند مؤمنان را ناکام کند و اثری بگذارد. بحمدالله امروز جمهوری اسلامی از سال‌های قبل بسیار قوی‌تر، بسیار آبرومندتر و بسیار آماده‌تر برای حرکت‌های بزرگی است که خدای متعال برای او مقدر کرده است؛ و همه‌ی اینها علی‌رغم میل دشمنان است؛ همه‌ی اینها بر اثر صبر و تلاش دوستان مخلص و ملت مقاوم و عظیم‌الشأن ایران و همین جوانان و همین پدران و مادران است؛ و این نیست مگر فضل الهی و تفضلات پروردگار.

اگر می‌گوییم راه شهدا را باید ادامه بدهیم، یعنی این احساس که اسلام و انقلاب اسلامی، به تلاش و مجاهدت و صبر ما نیازمند است. این احساس، همان احساسی است که شهدای عزیز ما را از خانه و کاشانه و آسایش و درس و کار و تلاش‌های روزمره‌ی زندگی جدا کرد و به جبهه‌های نبرد کشانید. این خاطراتی که از این عزیزان منتشر می‌شود، این حوادث بسیار پُر شکوهی که امروز به قلم رزمندگان و بعضاً شهدای ما بر صفحه‌ی کاغذ نقش بسته و در اختیار همه است، برای مادران است.



## دو موضوع گیری و حرکت زیبا از شهیدان در مقابل خدا و دشمنان خدا

فضیلت خانواده‌های مکرم شهدا

اهمیت احیا و حفظ مفهوم شهادت

دو موضوع گیری و حرکت زیبای شهیدان

اهمیت گذشت در راه خدا و پیروزی کلمه حق

پیام شهیدان

ایستادگی مطلق و استقامت در برابر دشمن

## دو موضع گیری و حرکت زیبا از شهیدان در مقابل خدا و دشمنان خدا\*

### فضیلت خانواده‌های مکرم شهدا

یقیناً فضیلت خانواده‌های مکرم شهدا از لحاظ عظمت، بلافاصله پشت سر فضیلت شهداست. شما خانواده‌ها، سنگرداران شهادت و مرزداران فضیلت در طول دوران دفاع مقدس بوده‌اید و روحیه شما و فرزندان شهدا - که همین حالا گوشه‌های زیبایی از آن را در سخنان مادر بزرگوار سه شهید و فرزند عزیز سردار شهید شنیدیم - توانسته است در طول دوران دفاع مقدس و بعد از آن، عظمت نظام اسلامی و روحیه والای ملت بزرگ ایران را حفظ کند و روحیه دشمنان را تضعیف نماید.

### اهمیت احیا و حفظ مفهوم شهادت

من از برادران سپاه، به خاطر این اقدام که تجلیل از شهداست، خیلی متشکرم. همه باید تجلیل کنند. سپاه، ارتش، بسیج، جهاد و دستگاه‌های دولتی، باید یاد شهیدان را زنده بدارند و مفهوم شهادت - این مفهوم باعظمت و پرارزش و بسیار مؤثر - را در کشور ایران اسلامی و در میان ملت مبارز ایران احیا و حفظ کنند؛ اگر چه خون مطهر شهدای مادر سطح جهان، بار دیگر این مفهوم را احیا کرد.

آنچه که مهم است، حفظ راه شهداست؛ یعنی پاسداری از خون شهدا. این، وظیفه اول ماست. در قبال شهدا، همه هم موظفیم. نه این که بعضی وظیفه دارند و بعضی ندارند. البته کسانی که مسؤولیتی دارند و شان‌های آنها زیر بار مسؤولیتهای بزرگ یا کوچک قرار گرفته است، وظیفه

بیشتری دارند.

شهید، چیز عظیم و حقیقت شگفت آوری است. ما چون به مشاهده شهدا عادت کرده ایم و گذشته‌ها و ایثارها و عظمتها و وصایا و راهی که آنها را به شهادت رساند، زیاد دیده ایم، عظمت این حقیقت نورانی و بهشتی برایمان مخفی می ماند؛ مثل عظمت خورشید و آفتاب که از شدت ظهور، برای کسانی که دائم در آفتابند، مخفی می ماند.

در دوران گذشته، وقتی که یک نمونه از این نمونه‌های شهدای امروز ما، از تاریخ صدر اسلام انتخاب و معرفی می شد و شرح حال او بیان می گردید، تغییر واضح و شگفت آوری در دلها و جانها و حتی در همها و نیتها به وجود می آورد. هر یک از این ستارگان درخشان، می تواند عالمی را روشن کند. بنابراین، حقیقت شهادت حقیقت عظیمی است.

اگر این حقیقت، به وسیله کسانی که امروز در قبال شهیدان مسؤولیت دارند، زنده بماند، حفظ و تقدیس گردد و بزرگ نگاه داشته شود، همیشه تاریخ آینده ما، از این ایثار بزرگی که آنان کردند، بهره خواهد برد. همچنان که تاریخ بشریت، هنوز از خون به ناحق ریخته سرور شهیدان تاریخ، حضرت ابی عبدالله الحسین علیه الصلوة والسلام بهره می برد؛ چون کسانی که وارث آن خون بودند، مدبرانه ترین و شیواترین روشها را برای زنده نگهداشتن این خون به کار بردند.

گاهی رنج و زحمت زنده نگهداشتن خون شهید، از خود شهادت کمتر نیست. رنج سی ساله امام سجاد علیه الصلوة والسلام و رنج چندین ساله زینب کبری علیها سلام از این قبیل است. رنج بردند تا توانستند این خون را نگه بدارند. بعد از آن هم همه ائمه علیهم السلام تا دوران غیبت، این رنج را متحمل شدند. امروز، ما چنین وظیفه ای داریم. البته شرایط امروز، با آن روز متفاوت است. امروز بحمدالله حکومت حق - یعنی حکومت شهیدان - قائم است. پس، ما وظایفی داریم.

### 🏠 دو موضعگیری و حرکت زیبای شهیدان

در جمع بندی، انسان به این نتیجه می رسد که شهیدان، دو موضعگیری و دو حرکت زیبا و باشکوه از خودشان نشان دادند که هر کدام پیامی دارد. این دو موضعگیری، یکی در قبال ذات مقدس ربوبی، در قبال اراده الهی، در قبال دین خدا، در قبال بندگان خدا و مصالح آنهاست؛ یک موضعگیری هم در مقابل دشمنان خداست. یعنی اگر شما رفتار و روحیه و موضع شهید را تحلیل کنید، به این دو موضعگیری می رسید.

موضعگیری در قبال خدا و بندگان خدا و امر خدا و آنچه که مربوط به ذات مقدس پروردگار است، عبارت از گذشت است. شهید در قبال خدا، گذشت و ایثار کرده است. ایثار، یعنی ندیدن و به حساب نیآوردن خود. این، اولین موضعگیری شهید است. اگر او خود را به حساب می آورد و در معرض نابودی و خطر قرار نمی داد، به این مقام نمی رسید. این جوانانی که در جبهه های جنگ،



در گرمای خوزستان، در زیر آفتاب شصت و پنج درجه حرارت و یاد سرمایه کردستان، بر روی کوههای پراز برف، رفتند و جان را فدا کردند، همه‌شان خانه داشتند، زندگی داشتند، پدر و مادر مهربان داشتند، بعضی همسر عزیز و نازنین داشتند، بعضی فرزندان و جگر گوشگان داشتند، آسایش داشتند، آرزو داشتند؛ اما همه را گذاشتند و رفتند.

### اهمیت گذشت در راه خدا و پیروزی کلمه حق

ما که می‌خواهیم پیام آنها را بگیریم، پیامشان چیست؟ پیام این است که اگر می‌خواهید خدا را از خودتان راضی کنید و وجودتان در راه خدا مفید واقع شود و مقاصد و اهداف عالی ربوبی و الهی درباره عالم آفرینش تحقق پیدا کند، باید خودتان را در مقابل اهداف الهی ندیده بگیرید. تکلیف ما لایطاق هم نیست؛ تا آن جایی که می‌شود. هر جایی که گروهی از انسانهای مؤمن این کار را کردند، کلمه خدا پیروز شد. هر جایی هم که بندگان مؤمن خدا پایشان لرزید، بدون برو برگرد، کلمه باطل پیروز شد.

در انقلاب، بندگان مؤمن خدا که این ایثار و گذشت را کردند، انقلاب پیروز شد. کاری شد که هیچ تحلیلی پیش بینی نمی‌کرد که بشود؛ یعنی اقامه حکومت اسلام، حکومت دین؛ آن هم در این نقطه عالم. چه کسی فکر می‌کرد؟ چه کسی باور می‌کرد؟ اما به برکت این حرکت شهیدان و مؤمنان و ایثارگران، این کار نشدنی انجام شد؛ چون جمع برگزیده و گروه قابل توجهی از مؤمنان، - نمی‌گوییم همه - خود را نادیده گرفتند. همه باید سعی کنند که جزو این گروه باشند، تا این افتخار متعلق به آنها باشد.

هر جایی که این گذشت نبود - مثل آن جاهایی که نیست؛ مثل در طول تاریخ که نیست؛ مثل دوران امام حسین علیه‌السلام که اکثریت قاطع زبندگان و خواص و مؤمنان شانه خالی کردند و ترسیدند و عقب رفتند - کلمه باطل پیروز شد، حکومت یزید سر کار آمد، حکومت بنی امیه نود سال سر کار آمد، حکومت بنی عباس پنج، شش قرن سر کار آمد و ماند. به خاطر آن که این گذشت انجام نشد، مردم چه کشیدند! جوامع اسلامی چه کشیدند! مؤمنین چه کشیدند!

صحنه، صحنه روشنی است. عزیزان من! همه دوران زندگی ما، جنگ احد است. اگر خوب حرکت کردیم، دشمن شکست خواهد خورد؛ ولی به مجرد این که چشممان به غنائم افتاد و دیدیم چهار نفر غنیمت جمع می‌کنند، ما هم حسودیمان شد، سنگر را رها کردیم و به سمت غنیمت رفتیم، ورق برمی‌گردد. دیدید که در جنگ احد ورق برگشت! در طول تاریخ اسلام، جنگ احد تکرار شده است.

فرمانده الهی آشنای با صفحه حقیقت، با آن دل نورانی، این عده را این جا گذاشته و گفته است که شما از این جا تکان نخورید و پاسداران جبهه باشید؛ اما تا چشمشان افتاد و دیدند که چهار



نفر آن پایین غنیمت جمع می‌کنند، پای اینها هم لرزید. البته اگر با تک تک آنها صحبت می‌کردید، می‌گفتند ما هم بالاخره آدمیم، ما هم دل داریم، ما هم خانه و زندگی می‌خواهیم. بله؛ اما دیدید که با این تسلیم شدن در مقابل خواسته‌های حقیر بشری، چه اتفاقی افتاد! دندان پیامبر شکست؛ بدن مبارک آن حضرت مجروح شد؛ جبهه حق مغلوب شد؛ دشمن پیروز گردید و چقدر از بزرگان اسلام شهید شدند.

### پیام شهیدان

پیام شهیدان این است که تسلیم و سوسه غنیمت نشوید. پیام آنها به من و شما و همه کسانی که به این خونهای به ناحق ریخته مطهر احترام می‌گذارند، همین است. شما نگاه نکن که یک نفر تخلف می‌کند و سراغ جمع کردن غنیمت رفته است. «لا یضركم من ضلّ اذا هتدیتم». شما چه کاری که دیگری همراه شد؟ شما خودت را نگهدار و حفظ کن. دستور اسلام و پیام خون شهید، این است.

آن روزی که همین شهدای عزیز ما در جبهه به شهادت رسیدند، همه که به جبهه نرفتند؛ عده‌ای هم بودند که مشغول کاسبی شدند، عده‌ای هم مشغول پول در آوردن شدند، عده‌ای هم مشغول سوء استفاده شدند، عده‌ای هم مشغول خیانت شدند. این شهدا، بدون آن که به آنها اعتنا کنند، رفتند و نتیجه این شد که توانستند نظام اسلامی را حفظ کنند و امروز هر کدام یک ستاره و یک خورشیدند. بنابراین، پیام اول این است که در قبال خدای متعال، در قبال بندگان، در قبال اراده الهی، باید انسان خود را نشناسد. این پیام را باید بگیریم. عزیزان من! با این حقایق نمی‌شود شوخی کرد. اینها از انسان تحرک و تصمیم می‌طلبند.

### ایستادگی مطلق و استقامت در برابر دشمن

پیام دوم، در مقابل دشمنان خداست؛ یعنی استقامت، ایستادگی مطلق، از دشمن نترسیدن، از دشمن حساب نبردن، در مقابل دشمن به انفعال دچار نشدن. این خیلی مهم است که انسان در مقابل دشمن، دچار انفعال نشود. تمام سعی امروز دنیای مادی مستکبر - یعنی همین دولتهای استکباری که زمام مسائل اقتصاد و تسلیحات عالم و حتی در موارد بسیاری، فرهنگ خیلی از کشورها را هم در دست دارند - این است که هر جا مقاومتی هست، آن را از طریق منفعل کردن خرد کنند. انفعال در مقابل دشمن، غلطترین کار و بزرگترین اشتباه است. دشمن را از لحاظ دشمنی، باید به حساب آورد؛ یعنی در مقابل او، او را حقیر نشمرد و در برابرش آماده بود و دفاع کرد؛ اما از دشمن نباید حساب برد، نباید تحت تأثیر قرار گرفت و نباید در مقابلش منفعل شد. دشمن می‌خواهد جوامع را منفعل کند.



امروز از لحاظ فرهنگی و سیاسی، بیشترین تکیه آنها این است. راجع به قضیه زن جنجال درست می‌کنند؛ راجع به حقوق بشر جنجال درست می‌کنند؛ راجع به مسأله دموکراسی جنجال درست می‌کنند؛ راجع به مسأله نهضت‌های آزادیبخش جنجال درست می‌کنند، برای این که طرف مقابل را دچار انفعال کنند. بزرگترین اشتباه این است که مادر این قضایایی که آنها جنجال درست می‌کنند، طوری حرف بزنیم که بخواهیم آنها را راضی کنیم. این، همان انفعال است.



ملتهایی که مجاهدت کنند، خداوند به آنها همه چیز میدهد

اهمیت و جایگاه تلاش و کوشش در دستیابی به اهداف

بزرگترین گناه سلاطین و حکام فاسد

مسأله بزرگ آزادگان

موفقیت‌های کشور مدیون ایثارگری‌ها مردم

ایستادگی و مقاومت شرط افتخار آفرینی ملت‌ها

دنیای امروز، دنیای ظلم، دروغ و فریب

ایستادگی ملت و دولت ایران در برابر زورگویی‌های استکبار

اهمیت باور به وعده‌های الهی

نیاز کشور به نوسازی مادی، معنوی و فرهنگی

## ملتهایی که مجاهدت کنند، خداوند به آنها همه چیز میدهد\*

### اهمیت و جایگاه تلاش و کوشش در دستیابی به اهداف

امروز حرف اصلی من به شما عزیزان و همه ملت ایران این است که به هیچ فردی، به هیچ ملتی و به هیچ جمعیتی، از خزانه غیبت الهی هیچ چیز نمی دهند، مگر با تلاش و کوشش. ملتهای تنبل و بی حال، از افتخارات ملی نصیبی نخواهند برد. مجموعه های بی همت و بی کاره، به خدمات و به شایستگیهای بزرگ دست نخواهند یافت. افرادی که نخواهند تلاش کنند و زحمت بکشند، در بازار معنویت و در سودای عشق و ایمان و تقوا و فضایل معنوی، چیزی گیرشان نخواهد آمد: «لیس للانسان الا ما سعی<sup>۱</sup>». هم در دنیای مادی این طور است؛ یعنی ملتهایی که کار کنند، فکر کنند، ابتکار کنند، سختیها را تحمل کنند، به امکانات مادی و رفاه و پیشرفت خواهند رسید، و هم در میدان معنویات این گونه است: ملتهایی که تلاش کنند، مجاهدت کنند، ایثار کنند و از کار و فداکاری نترسند، خدای متعال به آنها همه چیز خواهد داد.

### بزرگترین گناه سلاطین و حکام فاسد

بزرگترین گناه سردمداران و سلاطین و حکام فاسد در جوامع بشری و در گذشته ایران عزیز ما این بوده است که مردم را از این حقیقت بیگانه نگهداشتند و آنها را به سمت کار و تلاش و فداکاری و ایثار سوق ندادند. بزرگترین افتخار انقلاب اسلامی آن است که این درس را به مردم داد، این راه را در مقابل مردم باز کرد و امام راحل و بزرگوار - آن رهبر عظیم الشان استثنایی بی نظیر زمان ما - بزرگترین افتخارش این بود که خود در این راه پیشقدم بوده و حرکت کرده است. ننشست که به دیگران بگوید شما بکنید. خودش در پیشاپیش حرکت عمومی ملت ایران و جلوتر از همه راه افتاد. شما عزیزان، محصول چنین فضای مبارکی هستید.

\*.بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده های شهدا ۱۳۷۶/۰۵/۲۹

## مسئله بزرگ آزادگان

مسئله آزادگان، مسئله بزرگی است. به فیلمهای تبلیغاتی غربیها و دیگران در زمینه مسائل نظامی و مسائل مربوط به اسارتهایشان نگاه نکنید. هیچ ملتی نتوانسته است از قشرهای مختلف، مجموعه‌ای جوان و رزمنده به وجود آورد که در سخت‌ترین شرایط اسارت، شخصیت انقلابی و ایمانی و روح رزمندگی را آن‌چنان حفظ کنند، که آزادگان ما در دوران اسارت حفظ کردند؛ در حالی که یقیناً آنچه ملت ایران از حوادث دوران اسارت این عزیزان می‌داند، بخشی از مجموعه عظیمی از حوادث است. مگر می‌شود این حادثه را تشریح کرد؟ مگر رنجهای لحظه‌لحظه اسارت را می‌شود در کلمات گنجانند، یا با زبان ادبیات و هنر تبیین کرد؟ شنیدن، مانند دیدن و لمس کردن نیست. اینها ایستادگی و مقاومت کردند. شاید در آن لحظه‌ای که آزادگان عزیز ما در دو گاههایی با نگهبانان غلاظ و شداد دشمن روبه‌رو بودند و ایستادگی می‌کردند، بعضی از آنها امیدی هم به آزادی خودشان نداشتند. شاید در میان آنها کسانی هم بودند که خسته می‌شدند و می‌گفتند تا کی؟ اما سنت الهی این است که «فَأَنْ مَعَ الْعَسْرِ بِسْرَاهُ، أَنْ مَعَ الْعَسْرِ بِسْرَاهُ».<sup>۲</sup>

اگر سختیها را تحمل کردید، خدای متعال درهای فرج را خواهد گشود. اگر مجاهدت در راه خدا را بر جسم و نفس خودتان هموار کردید، خدای متعال روشنایی فرج را به شما نشان خواهد داد و درهای فرج را به روی شما باز خواهد کرد: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ».<sup>۳</sup> خدای متعال به برکت مجاهدت و به شرط ایستادگی، بیرون از دایره محاسبه معمولی عقول بشری، درها را باز و راهها را هموار می‌کند.

عزیزان من! این، تجربه گراندتری است. ما امروز یک نسل نوی شاداب تازه به میدان وارد شده‌ایم را در کشور خودمان داریم که باید از این تجربه‌ها استفاده کند. از تجربه میدان جنگ که ایستادگی در آن، شهادت و جانبازی و محرومیت از سلامتی و دوری از خانمان و راحتی و فرزندان و عزیزان را داشت، باید استفاده کند. هزاران سختی در میدان جنگ هست که فقط برای کسی که در آن شرایط قرار دارد، قابل لمس است، و لاغیر. تحمل این سختیها، یک کار عظیم است. ایستادگی در میدان نبرد با دشمن، میدانهای اسارت، دوران جانبازی - که جانبازان ما هنوز در میدان مقاومت و ایستادگی هستند - یک کار عظیم محسوب می‌شود. عزیزان جانباز بدانند که مبارزه آنها ادامه دارد. جانبازان ما، در تمام دوران جانبازی در حال مجاهدتند. این فضیلت، مخصوص آنها و کسان و همسران و خانواده‌هایشان است، تا وقتی که ان شاء الله سلامت و عافیت پیدا کنند.

## موفقیت‌های کشور مدیون ایثارگری‌ها مردم

این مجموعه ایثارها، امروز کشور ما را به این جا رسانده است. مگر تصور می‌شد که کوچک و بزرگ ملتی تنها، بدون هیچ پشتوانه جهانی و بدون هیچ کمک قابل ذکر از سوی هیچ گوشه‌ای از قدرتهای عالم، بتواند این گونه در میدان جهاد مقدس و دفاع از خود و سازندگی و استقلال و مبارزه با همه نوع فشارهای دشمنان قلدر ایستادگی کند و روزبه‌روز دشمنان را متعجبتر نماید؟ مگر ممکن بود که بدون این گذشته‌ها و این ایثارها و این فداکاریها، ما به این جا برسیم؟ هر کدام از شما که این جا هستید؛ چه آزادگان عزیز، چه آنهایی که هنوز در بندند، چه خانواده‌هایتان، چه فرزندان، چه پدران و مادرانتان، چه همسرانتان، چه خانواده‌های شهدا، چه خانواده‌های جانبازان، چه فرزندان



شهدا، و همه کسانی که به نحوی رنجها را بر جسم و جان خودشان تحمّل کردند، ایثارگران و پشتیبانی کنندگان، هر کدام به سهم خودشان در به وجود آمدن این ذخیره عظیم و تمام نشدنی و بی نظیر ملت ایران سهیم هستند. هر کدام از شما اگر این فداکاری ای را که کردید، نمی کردید؛ این صبری را که کردید، نمی کردید؛ این مجموعه ای که امروز در اختیار ملت ایران است، به وجود نمی آمد و این موفقیتها هم عاید انجام نمی شد. این، درس قرآن است.

### ✎ ایستادگی و مقاومت شرط افتخار آفرینی ملتها

در تاریخ عالم، عمر ملتها یک ساعت است. به نظر ما طولانی می آید، اما وقتی که به گذر جریان تاریخ نگاه می کنید، هر کدام از این ملتها ساعتی هستند و می آیند و می روند. این ساعت را طولانی کردن، خوب کردن و با افتخار به وجود آوردن، به دست آحاد ملتهاست. قرآن، این را به ما درس داده است. تجربه آن هم سخت است؛ لذا ملتها غالباً تجربه نمی کنند و توسریش را می خورند و سختیهایش را هم تحمّل می کنند. اما ملت ما این تجربه را انجام داد. این را قدر بدانید؛ خیلی عظیم است. درد ملت‌های دنیا، این گونه درمان می شود. درد ملت فلسطین، این گونه درمان می شود، و لاغیر. آنهایی که خیال می کنند ملتی مثل ملت فلسطین را می شود با مذاکره و التماس کردن و گدایی نجات داد، سخت در اشتباهند. فقط با ایستادگی و مقاومت است که یک ملت می تواند روی پای خود بایستد، حق انسانی خود را به دست آورد و زندگی افتخار آمیزی را که برای او، هم دنیا و هم آخرت است، کسب کند.

### ✎ دنیای امروز، دنیای ظلم، دروغ و فریب

امروز دنیا، دنیای ظلم و دروغ و فریب است. پرچم دفاع از حقوق بشر را کسانی به دوش گرفته اند که بزرگترین دشمنان حقوق بشرند! در رأس آنها هم دولت امریکاست. ببینید در داخل کشورشان، با سیاهان چه می کنند! این که دیگر خبر از گذشته نیست. خبر از پنجاه سال، صد سال پیش نیست که بگویند ما حالا اصلاح کرده ایم. متعلق به همین امروز است؛ در شهرهای بزرگ کشور امریکاست. ببینید؛ هنوز مسأله تبعیض نژادی در آن کشوری که مدعی آزادی و حقوق بشر است، حل نشده است. هنوز انسانی به جرم پوست سیاه، تأمین ندارد که در آن جامعه زندگی کند! یک وقت اگر لازم باشد، به جرم سیاه پوست بودن، پلیسی او را تا حدّ کشتن کتک می زند! اینها ادعای حقوق بشر می کنند! اینها چشم خود را بر جنایات وحشت آور حکومت غاصب صهیونیست می بندند. ببینید در همین چند روز گذشته، صهیونیستها با مردم بی پناه شهرهای لبنان - صیدا و غیره - چه کردند! این بمبارانها، این آدم ربا بیها، این کشتارها؛ اینها همه جنایت است. همه اینها - به اصطلاح آقایان - حرکات ضدّ حقوق بشر است. طرفداران حقوق بشر، هیچ احساس نمی کنند که ضدّ حقوق بشر در آن جا انجام می گیرد. اگر یک فلسطینی از جان گذشته و ستم دیده فریادی بزند و حرکت خشم آگینی بکند، دستگاہهای تبلیغاتی و سیاسی‌شان به راه می افتد؛ اما این همه جنایت علیه ملت فلسطین و ملت لبنان از طرف آنها نادیده گرفته می شود! امروز پرچم حقوق بشر را چنین کسانی بردوش گرفته اند! این، دنیای فریب نیست؟ دنیای دروغ نیست؟! دنیای تزویر نیست؟! قبلاً می گفتند که سیاست، تزویر است؛ اما اینها ادعای حقوق بشرشان تزویر است؛ اساس کار بین المللی شان بر تزویر است؛ فقط مسأله سیاست نیست.

### ایستادگی ملت و دولت ایران در برابر زورگویی‌های استکبار

چنین حکومت‌هایی مدّعیند که رهبری بشریت باید به دست اینها باشد! دولت‌ها باید تسلیم اینها باشند! متأسفانه خیلی از دولت‌ها هم دچار ضعف و بی‌توجهی می‌شوند، وظیفه خودشان را نمی‌شناسند، به آن عمل نمی‌کنند و تسلیم آنها می‌شوند؛ ملت‌ها هم به خاطر سختی‌هایی که این کار دارد، بی‌تفاوت می‌مانند. طبیعتاً نتیجه همین است. ملت ایران ایستاده است و می‌تواند بایستد. دولت جمهوری اسلامی و نظام مقدّس اسلامی، در مقابل این زورگویی‌ها و کج‌روی‌ها ایستاده است، آنها را کتمان نمی‌کند، به صدای بلند آنها را تشریح می‌کند، به دفاع از حقوق مظلومان می‌پردازد و از تهدید و اخم و سختگیریهای آنها هیچ‌واهمه‌ای ندارد. چرا؟ چطور شده است؟ چرا ملت و دولت و حکومت ایران می‌توانند چنین اقتداری داشته باشند؟ به خاطر این که ملت ما این ایثارها را کرده است. این ظرفیت در این ملت به وجود آمده است که در مقابل فشارها و زورگویی‌ها بایستد. همین ایستادگی شماس است که بالاخره دشمن متجاوز زورگوی دروغگوی مستکبر را از اوج نخوتش به زیر خواهد آورد و به زانو خواهد افکند.

### اهمیت باور به وعده‌های الهی

من به شما و همه جوانان عرض می‌کنم که وعده خدا را باور کنید. وعده الهی این است که اگر اهل حق پای حق خودشان بایستند، حق پیروز خواهد شد. در همه مراحل این‌طور است. در دوران انقلاب این را تجربه کردید، در دوران جنگ تجربه کردید، در دوران اسارت تجربه کردید، در دوران بعد از پایان جنگ - که ملت ایران در صدد بنای دوباره کشور خود برآمد - این را تجربه کردید؛ در آینده هم باید این را یقین داشته باشید که عملی است.

هر جا دیدید که دشمنی زورگویی می‌کند، در مقابل او بایستید. این، وظیفه آحاد مردم، دولتمردان، نمایندگان مردم و کسانی است که این مملکت مسؤولیتی را به آنها سپرده است. در مقابل دشمن متجاوز، در مقابل زورگوی ظالم، در مقابل استکباری که امروز بر ارزشهای الهی و معنوی طغیان کرده است - که مظهرش هم دولت طاغوت و طغیانگر امریکاست - کوتاه نیایید. قدرتهای مادی، هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. با ملتی که ایستاده و به نیروی خود تکیه کرده است، هیچ کاری نمی‌توانند بکنند. همه راه‌ها به روی آنها بسته است.

اگر سختگیری کنند، آنها ضرر می‌کنند. اگر فشار وارد بیاورند، آنها ضرر می‌کنند. اگر حمله کنند، آنها ضرر می‌کنند؛ چون جوهر ایستادگی و مقاومت در یک ملت، جوهر نفیس و گرانبغی است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه زاکیه و هدایتهای معنوی ولی‌الله‌الاعظم ارواح‌نافداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده قطعی شماس است. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند.





### 🕌 نیاز کشور به نوسازی مادی، معنوی و فرهنگی

البته در داخل کشور، کارهای زیادی وجود دارد که باید انجام گیرد. در داخل کشور، حرکات عظیمی است که به عهده مسئولان است و باید با کمک مردم کارهای بزرگی را انجام دهند و کشور را بسازند؛ هم نوسازی مادی، هم نوسازی معنوی و فرهنگی، هم تأمین و استقرار عدالت اجتماعی و هم از بین بردن فقر و محرومیت و بی سوادى و تبعیض و جلوگیری از رشد خصلتهای منفی در جامعه. اینها کارهایی است که باید انجام گیرد. وقتی که این کارها شد، حرکت عظیم مردم و آن جوهر معنوی انقلاب خواهد توانست کار خود را بکند. به فضل الهی، بشریت شاهد آن روز خواهد بود و شما جوانان، به کمک خدا و به امید او، آن روز را خواهید دید و به دست خودتان ان شاء الله آن روز را خواهید ساخت.

(۱) نجم: ۳۹

(۲) انشراح: ۵ و ۶

(۳) طلاق: ۲ و ۳



## نگاه از ابعاد مختلف به پدیده شهادت

ارزش والای شهادت در پیشگاه الهی

نسبت فلسفه شهادت با مبانی دینی و فلسفه دین

بزرگترین لطف خدای متعال به شهید

شهادت محصول تلاش دستجمعی یک مجموعه انسان

تأثیر شهادت در پیشرفتهای عظیم هر ملت

پاسداری از خون شهدا

تحقق احکام اسلامی، راه سعادت حقیقی ملت

## نگاه از ابعاد مختلف به پدیده شهادت\*

### ارزش والای شهادت در پیشگاه الهی

به پدیده شهادت، از چند طرف می‌توان نگاه کرد. از هر طرف هم که نگاه کنیم، این پدیده، بسیار باشکوه و پراز تالکؤ است. یک بار از طرف ارزش شهادت در پیشگاه پروردگار، به این پدیده می‌نگریم؛ زبان ما قاصر است که بتوانیم در این باب، ارزش والای شهادت را بیان کنیم. در روایتی است که وقتی هر خیر و هر ارزشی ملاحظه می‌شود، ارزش والاتری از آن هست، تا به ارزش «شهادت» می‌رسد؛ بالاتر از ارزش «شهادت» چیزی نیست.<sup>۱</sup>

### نسبت فلسفه شهادت با مبانی دینی و فلسفه دین

اگر قرار باشد با مبانی دینی و فلسفه دین، راجع به این قضیه صحبت کنیم، خواهیم دید دقیقاً همین‌طور است؛ هیچ چیزی بالاتر از این نیست که انسانی به دست خود، با اراده و اختیار خود، جان و هستی خود را فدای یک آرمان بزرگ و والای الهی کند. معنای شهادت، این است. لذا شهادت در پیشگاه پروردگار، تعبیر ویژه‌ای دارد. در قرآن، کشته شدن در راه خدا یک مرگ نیست: «أفأن مات أو قتل آ». کشته شدن در راه خدا را با مرگهای معمولی، یکسان به حساب نمی‌آورد. در معیار الهی و با دیدگاه دینی و قرآنی، یک مفهوم دیگر و یک معنای فاخری است. از این رو کسی که این عظیم الهی شامل حال او می‌گردد و در راه خدا شهید می‌شود، این خود سپاسگزاری خداست.

\*بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا ۱۳۷۷/۰۷/۰۵

۱. قال رسول الله (ص): فوق كل برٍّ برٌّ حتى يقتل الزَّجل في سبيل الله عزَّ وجل فليس فوقه برٌّ. بحار الانوار: ج ۱۰، ص ۱۰

### بزرگترین لطف خدای متعال به شهید

خدای متعال، بزرگترین لطف را در حق شهید کرده است. ملاحظه کنید! هیچ کس در دنیا باقی ماندنی نیست؛ همه رفتنی‌اند. انسانها به انواع و اقسام مرگها می‌میرند؛ جوان و پیر هم ندارد - انسانها در جوانی هم می‌میرند، در پیری هم می‌میرند، در کودکی هم می‌میرند؛ مردن برای همه است - خدای متعال، این مرگی را که سرنوشت حتمی همه است و انسان، ناچار باید از این دروازه عبور کند، در مورد شهید به گونه‌ای قرار داده که این قدر ارزش پیدا کرده است! در حالی که مرگهای معمولی، این ارزش را ندارد. لطفی از این بالاتر؟! فضلی بر شهید از این بیشتر؟! همه ما می‌میریم؛ چقدر ارزش دارد که خدای متعال این مرگ را، این رفتن را، این سرنوشت حتمی را در مسیری قرار دهد که این قدر دارای فضیلت باشد! لذا شهید در عالم ملکوت و برزخ، شکرگزار پروردگار است؛ متشکر است از این که چنین لطفی به او شده است. لحظه شهادت، جزو شیرینترین لحظات هر شهیدی است. ببینید چه قدر با ارزش و والا است!

### شهادت محصول تلاش دستجمعی یک مجموعه انسان

از یک بُعد دیگر که نگاه می‌کنیم، باز می‌بینیم که شهادت یک پدیده فوق‌العاده است؛ چون همه خیرات و کارهای نیکی که انسان می‌کند - هر انسانی - کار خود اوست؛ ولی شهادت محصولی از تلاش دستجمعی یک مجموعه انسان است که یک نفر شهید می‌شود. این جوانی که جبهه رفت و شهید شد، فقط خودش نبود که مجاهدت کرد؛ شما هم که پدر او هستید، مجاهدت کردید که او رفت. شما هم که مادر او هستید، مجاهدت کردید که او رفت. رفتن یک جوان به سمت محل خطر - جایی که جان او در خطر است - این فقط مجاهدت او نیست؛ پدر او هم با رفتن او مجاهدت می‌کند، مادر او هم با رفتن او مجاهدت می‌کند، همسر او هم مجاهدت می‌کند، فرزندان او هم مجاهدت می‌کنند، هر کسی هم که به او علاقه دارد، مجاهدت می‌کند. و شگفتا که این مجاهدتها تمام هم نمی‌شود! خود او به جبهه می‌رود، مدتی ایستادگی می‌کند، صبر می‌کند، جهاد می‌کند و به شهادت می‌رسد. مجاهدت او تمام شد؛ اما مجاهدت این مادر، ادامه دارد. مجاهدت این پدر، ادامه دارد. صبر اینها مجاهدت اینهاست. مجاهدت این فرزندان، ادامه دارد؛ مجاهدت آن همسر جوان، ادامه دارد. اینها که صبر می‌کنند، اینها که شکایت نمی‌کنند، اینها که این را پای خدا محاسبه می‌کنند، اینها که این خون را مایه افتخار خودشان می‌دانند، اینها که با این صبر و شکر خودشان گردونه مجاهدت را در بین بقیه مردم ادامه می‌دهند، اینها که مایه تشویق دیگران به جهاد می‌شوند، اینها که با بیانات حکایت‌کننده از استواری آنها مایه آبروی یک ملت می‌شوند، اینها که موجب می‌شوند ملت و کشور در عرصه افکار عالم، به صورت یک الگو درآید - که ملت ایران در آمده است - اینها مجاهدت می‌کنند.

اگر پدران، مادران و همسران شهدای صبری و شکایت می‌کردند؛ منت می‌گذاشتند و آه و ناله می‌کردند، مگر چهره این ملت این قدر درخشان می‌شد؟! این شما بودید که به این ملت آبرو دادید. این شما بودید



که با حرفه‌ای‌تان، با بیاناتان، با منش و رفتارتان، با بالا گرفتن سرتان به خاطر شهادت این فرزند، چهره این ملت را این‌طور نورانی کردید! این مجاهدت، هنوز هم ادامه دارد. سالهاست که این شهید، به رضوان الهی پیوسته است - مجاهدت او تمام شد - ولی مجاهدت شما ادامه دارد. کدام ارزشی و کدام کار بزرگی این‌طور ترکیب پیچیده‌ای از مجاهدتهای گوناگون - آن هم برای مدتهای طولانی - است؟! هر کار خوبی را یک بار انجام می‌دهند، تمام می‌شود. صدقه در راه خدا، پولی است می‌دهند، تمام می‌شود و می‌رود؛ اما شهادت، این‌گونه نیست. ببینید چقدر والا است! این هم این بعد دیگر.

### تأثیر شهادت در پیشرفت‌های عظیم هر ملت

از بُعد سوم که نگاه می‌کنیم، باز می‌بینیم که این پدیده، چقدر عظیم است! هر چه انسان نزدیکتر می‌شود، عظمت آن بیشتر می‌گردد. مثل کوههای بلند؛ انسان از دور هم می‌بیند کوه است، اما وقتی نزدیک می‌شود، می‌بیند عظمت این پدیده، قابل احاطه فکری نیست. بُعد تأثیر این پدیده در پیشرفت‌های عظیم هر ملتی است. هر ملتی که متکی به شهادت شد - یعنی شهادت را بلد بود و هنر شهادت را یاد گرفت - برای همیشه سربلند است و هیچ قدرتی بر این ملت پیروز نخواهد شد.

قدرتهای دنیا، برای تحمیل افکار خودشان بر ملت‌ها، بر دولتها، بر کشورها و بر زبده‌ها، از چه وسایلی استفاده می‌کنند؟ از تهدید استفاده می‌کنند. از تطمیع استفاده می‌کنند. از رشوه استفاده می‌کنند. از فشارهای گوناگون استفاده می‌کنند؛ فشار تبلیغاتی، فشار نظامی و امثال آن. چه کسی این فشارها را تحمل نمی‌کند؟ آن کسی که دل به چرب و شیرین زندگی سپرده و چشمش خیره رنگ آمیزیهای ظاهری زندگی شده است! این‌گونه آدم‌ها از مرگ می‌ترسند. اینها هستند که قدرتمندان می‌توانند لگامشان بزنند و سوارشان شوند! اینها هستند که اگر در رأس حکومتها باشند، ملت‌های خودشان را بدبخت می‌کنند و اگر در آحاد ملت‌ها باشند، دولت‌هایشان را تنها می‌گذارند. این کسانی که به صورت‌های ظاهری رنگ و روغن شده زندگی دل سپرده‌اند، از باطن زندگی، از عزت زندگی، از سعادت انسان و از فلاح حقیقی، هیچ خبری ندارند. نقطه ضعف زندگی ملت‌ها اینها هستند. نقطه ضعف بشریت این جاست.

خوب؛ حالا ملتی که اهل شهادت است، مسأله شهادت در راه خدا برایش حل شده است. نه این‌که همه‌اش بخواهند مردم بروند و کشته شوند؛ نه، بلکه به این معنا که اگر یک وقت لازم شد و کشور و تاریخ آن کشور و عزت و منافع آن ملت، احتیاج داشت که عده‌ای بروند و جانفشانی کنند، عده‌ای در این ملت حاضر باشند جانفشانی کنند. این معنای حل شدن معنای «شهادت» است؛ شهادت برایشان حل شده است. ملتی که این‌گونه باشد، ملتی که شهید پرور باشد، ملتی که توانسته باشد برای جوانان خود، برای مردان و زنان خود، قضیه کشته شدن در راه خدا را حل کند، آیا تحت تأثیر تهدید قرار می‌گیرد؟! آیا رشوه می‌گیرد؟! آیا تسلیم قدرتمندان می‌شود؟! آیا به استکبار بار می‌دهد؟! ابداً. لذا امروز نگاه کنید؛ عزت و عظمت کشور شما به برکت خون همین عزیزان شماست. دولت‌ش، ملت‌ش، مسؤولینش و آحاد

طبقات مختلفش، هیچ کدام حاضر نیستند خدشه‌ای به عزت اسلامی این ملت وارد شود و مثل کوه ایستاده‌اند. حالا استکبار جهانی فشار می‌آورد؛ بیاورد. او خسته خواهد شد؛ کم‌این که بیست سال است - از اول انقلاب تا به حال - فشارهای استکبار ادامه دارد: همسایه‌ای را تحریک نکنند، جنگی را راه بیندازند، محاصره اقتصادی کنند، تبلیغات مخرب کنند و تهمت بزنند، حرفهای گوناگون بگویند و سعی کنند بین ملت اختلاف ایجاد نمایند و باورهای ملت را بگیرند!

استکبار در همه این هجمه‌ها و یورشهای وحشیانه، شکست خورده است و باز هم شکست خواهد خورد. به خاطر این که این ملت به برکت خون همین شهدای شما، ملتی است دارای شهامت؛ ملتی است شهیدپرور. ببیند تأثیر شهادت برای سیادت و سعادت یک ملت، چقدر والا است؟! اینهاست که ارزش دارد. وجود چنین مردان و زنان و چنین جوانانی است که دنیا و آخرت یک ملت را تأمین می‌کند؛ هم دنیایشان را آباد می‌کند، هم آخرتشان را. به فضل پروردگار، ملت بزرگ ایران به برکت خون شهیدان و به خاطر برکات عظیم شهادت، خواهد توانست همه مشکلات را از سر راه خود بردارد. همه این دشمنیها، همه این کینه‌ورزیها و کمین‌گرفتنهای دشمنان در مقابل عزم و اراده این ملت، طاقت نخواهد آورد و از بین خواهد رفت و رنگ خواهد باخت. چرا؟ چون ملت بیدار است. شما خانواده‌های شهدا به این نکته توجه کنید.

### پاسداری از خون شهدا

یک بُعد دیگر در باب شهادت هم این است که همه باید پاسدار خون شهید باشند و از آن حفاظت کنند. حفاظت از خون شهید یعنی چه؟ یعنی ببیند این جوان، این خانواده، این پدر و مادر، این هم‌مته‌ها و روحیه‌های عظیم و شکست‌ناپذیر، دنبال چه هدفی رفتند؟ آن هدف را از جان خودتان بیشتر محافظت کنید. شهدای ما برای خدا مجاهدت کردند؛ در راه خدا به شهادت رسیدند؛ برای حاکمیت دین خدا در کشور - که مایه سعادت دنیا و آخرت است - سختیها را تحمل کردند. پدران و مادران هم همین‌طور. این که خانواده شهدا در مقابل شهادت عزیزانشان بهترین و زیباترین صبر را نشان دادند به خاطر خدا بود. این راه شهداست.

### تحقق احکام اسلامی، راه سعادت حقیقی ملت

امروز در این کشور، راه خدا، راه دین و راه تحقق احکام اسلامی، راه سعادت حقیقی این ملت است. دین، دنیای مردم را هم آباد خواهد کرد، آخرت مردم را هم آباد خواهد کرد. دین، شر دشمنان را هم کم خواهد کرد. آن کسانی که می‌کوشند مردم را از دین جدا کنند، می‌خواهند تیشه به ریشه سعادت این ملت بزنند. البته نمی‌توانند بزنند. هیچ مرکزی در دنیا وجود ندارد که بتواند با این ملت، با این ایمانها، با این احساسها و با این اخلاصها دست و پنجه نرم کند. شما عزیزان - خانواده‌های عزیز، پدران، مادران، همسران، فرزندان و بقیه کسان شهدا - این افتخار را برای خودتان حفظ کنید که حافظ خون شهید و



دنباله‌رو راه شهید و نگهدارنده علم شهید باشید که همان علم راه خدا و دین خدا و حفظ ارزشهای الهی و اسلامی است.

۱) قال رسول الله (ص): فوق كل برٍّ برٌّ حتى يقتل الرجل في سبيل الله عزَّ وجل فليس فوقه برٌّ. «بحار الانوار: ج

۱۰۰، ص ۱۰

۲) آل عمران: ۱۴۴



## نیروی ایمان رزمندگان عامل انجام کارهای بزرگ

🕌 حماسه تاریخی و ماندگار فتح خرمشهر

🕌 دانش نظامی و قوت فرماندهی، عامل اول پیروزی عملیات

بیت المقدس

🕌 نیروی ایمان و شجاعت، عامل دوم پیروزی عملیات

بیت المقدس

🕌 گرفتن ایمان، راه غلبه دشمن بر ملتها

🕌 نیاز کشور به قوت ایمان مردم و جوانان برای انجام کارهای

بزرگ



## نیروی ایمان رزمندگان عامل انجام کارهای بزرگ\*

### ✎ حماسه تاریخی و ماندگار فتح خرمشهر

هزاران انسان فداکار و آگاه، با فهم موقعیت و شناخت نیاز زمان، در همان نقطه‌ای که باید در آن حضور داشته باشند، حضور پیدا کردند؛ نتیجه یک حماسه تاریخی و ماندگار شد. حماسه فتح خرمشهر و عملیات عظیم بیت المقدس، در تاریخ این کشور خواهد ماند. هم در آن روزی که این حادثه اتفاق افتاد، هم هر وقت که این گونه حوادث برای افکار مردم تشریح گردد و توضیح داده شود، وسیله‌ای برای تجدید حیات ملی و آسان کردن راه عزت و عظمت برای یک ملت می‌شود. عزیزان من! عملیات بیت المقدس و عملیات عظیمی که در آن روزها اتفاق افتاد، کار پیچیده عظیمی بود که از دو عامل ترکیب شده بود:

### ✎ دانش نظامی و قوت فرماندهی، عامل اول پیروزی عملیات بیت المقدس

عامل اول، دانش نظامی و قوت فرماندهی و هوشیاری و استعداد جوانان مؤمن ما بود. در آن روز کسانی وانمود می‌کردند - و شاید امروز هم بعضی خیال کنند - که عملیاتی مثل عملیات بیت المقدس، فقط یک هجوم انبوه انسانی بود! اینها سخت در اشتباهند. هیچ امواج انسانی، بدون فرماندهی قادر قاطع هوشیار، نمی‌تواند هیچ عملی را انجام دهد. در جنگ نظامی، سازماندهی و عملیات و فرماندهی و تاکتیک و دقت نظر و موقع شناسی و دهها عامل در کنار هم، دانش نظامی را به وجود می‌آورد و استعداد و نبوغ نظامی را نشان می‌دهد. این اتفاق، در عملیات فتح خرمشهر - یعنی همان عملیات بیت المقدس - روی داد، که همین شهید عزیز اخیر ما - شهید صیاد شیرازی - یکی از کارگردانان اصلی این عملیات بود و خود او مثل ظهر چنین روزی، از آن جا با تلفن با بنده تماس گرفت و مژده پیروزی را داد و گفت سربازان عراقی صف طولانی کشیده‌اند تا بیایند اسیر شوند! ببینید این عملیات چقدر هوشمندانانه و قوی و همه جانبه بود که نیروهای دشمن احساس اضطراب

می کردند که برای حفظ جان خودشان بیایند خود را تسلیم اسارت کنند! که در آن روز هزاران نفر از نیروهای دشمن متجاوز - که آن همه با غرور و تکبر، فریاد سر داده بودند - آمدند دودستی خودشان را تسلیم رزمندگان اسلام کردند! بنابراین، یک عامل از دو عامل مهمّ چنین پیروزیهای مهمّی، قدرت فرماندهی، دانش، مسلط بودن بر عملیات پیچیده جنگ و توان بکارگیری نیروها بود، که آن روز هم دشمنان مادر تبلیغات خودشان اینها را مخفی می کردند و می گفتند ایران امواج انسانی را به جنگ فرستاد! مگر امواج انسانی می تواند پیروز شود؟! چند قبضه مسلسل از چند طرف کار بگذارند، همه امواج انسانی را درو خواهد کرد. نخیر، فقط امواج انسانی نبود؛ فقط انبوه جمعیت نبود؛ قوت سازماندهی بود، قوت اراده بود، نیروی نظامی بود.

### نیروی ایمان و شجاعت، عامل دوم پیروزی عملیات بیت المقدس

عامل دوم که از عامل اول مهمتر است، نیروی ایمان و شجاعت ناشی از قوت ایمان رزمندگان و مردم و جوانان بود؛ یعنی عشق ایمانی - نه عشق حیوانی، نه عشق مادی، نه عشق به چیزهای خرد و حقیر - عشق به ارزشها؛ عشق به آرمانهای الهی و اسلامی؛ همان چیزی که کشته شدن در راه خدا را برای کسی که چنین عشقی را دارد، شیرین می کند؛ نه این که آسان می کند، شیرین می کند. پیامبر اکرم به امیرالمؤمنین فرمود: «یا علی! آن روزی که به تو ضربتی می زنند و این ضربت، به شهادت منتهی خواهد شد، صبر تو چگونه خواهد بود؟» امیرالمؤمنین عرض کرد: «یا رسول الله! این موضع صبر نیست؛ این موضع شکر است<sup>۱</sup>». کسی که در راه خدا به شهادت می رسد، بزرگترین شاکر خدا برای این حادثه، خود اوست؛ زیرا که چنین نعمت بزرگی را خدای متعال به او داده است. چه چیزی یک رزمنده، یک جوان و یک انسان را در میدانهای گوناگون، این گونه به روشن بینی می رساند؟ ایمان آگاهانه. عزیزان من! این ایمان آگاهانه در رزمندگان، موجب این می شد که خطر را به هیچ بگیرند. در فرماندهان موجب این می شد که لحظه ای به راحتی خود و یا به خطر برای خود فکر نکنند. شب و روز تلاش و کار کردند؛ حیثیت حقیر خودی را نادیده گرفتند؛ برای خدا و برای اهداف اسلام و برای آزادی و سربلندی ملت مسلمان، حاضر شدند جان خودشان را بدهند. هر ملتی که این طور احساسی در او باشد، شکست خوردنی نیست. چه کسی می تواند چنین ملتی را شکست دهد؟ همه زور گوییهای قلدران دنیا به این است که جان کسی را تهدید کنند؛ بالاترینش این است. اگر کسی حاضر شد جان خود را در راهی بدهد، دیگر چه تهدیدی بر او کارگر خواهد شد؟

من می خواهم عرض کنم، حتی همان عامل اول هم - یعنی آن قوت فرماندهی و دانش نظامی و تسلط بر امر نظامی گری - از این عامل دوم ناشی شد. همین نیروی ایمان بود که توانست ارتش و سپاه و بقیه عناصری را که در جنگ شرکت داشتند - مثل نیروهای مردمی، مثل جهاد سازندگی، مثل عشایر - به نقطه ای برساند که بتوانند یک نیروی عظیم نظامی را با یک فرماندهی قوی و قاطع به وجود آورند. این ایمان و این عشق معنوی بود که آن استعداد را در آنها به جوشش درآورد، و الا ما قبل از این هم در این کشور جنگهایی داشتیم که نیروهای ما نتوانستند آن جایگاه شایسته را برای خود کسب کنند. این قوت ایمان بود که قدرت فرماندهی را پدید آورد. پس، همه چیز به این برمی گردد که اگر جوانان و مردم یک کشور، ایمانشان به خدا، ایمانشان به هدف، احساس فداکاریشان در راه هدف، احساس این که خود را جزو حزب الله و جندالله بدانند، تقویت شد، این ملت شکست ناپذیر می شود.



**گرفتن ایمان، راه غلبه دشمن بر ملتها**

من می‌خواهم بعد از این حرف، بلافاصله یک حرف دیگر را عرض کنم، و آن این است که اگر این ملتی که با نیروی ایمان و با شجاعت ناشی از ایمان توانسته کار بزرگی را انجام دهد، یک دشمن داشته باشد، این دشمن چه کار می‌کند؟ خودتان فکر کنید. راه غلبه دشمن بر چنین ملتی چیست؟ راه غلبه دشمن این است که این عامل معنوی را از این ملت بگیرد. این دشمن می‌داند که تا وقتی در این مردم، همان روحیه ایمان - آن اخلاص ایمانی، آن شجاعت ایمانی، آن دلبستگی به هدفها - باشد، این ملت قابل دسترسی نیست. چه کار باید بکند؟ باید تلاش کند تا ایمان را در آنها ضعیف کند؛ آرمانهای الهی را در ذهن آنها کمرنگ کند؛ میان آنها و آن آرزوهای بزرگ فاصله بیندازد. این کار هم با شمشیر و با ابزار مدرن و فوق مدرن نمی‌شود؛ این کار با تبلیغات می‌شود. از بعد از جنگ، بلکه در اثنای جنگ، این تبلیغات دشمن شروع شده است و تا امروز ادامه دارد.

من عرض می‌کنم، هر کس که به سرنوشت این ملت و این کشور علاقه‌مند است، باید در راه تقویت ایمان این ملت، در راه تقویت ایمان جوانان، در راه تقویت تدبیر جوانان و در راه تقویت پیوند جوانان با آرمانهای اسلامی مجاهدت کند. هر کس که ضد این عمل کند، به سرنوشت این ملت علاقه‌مند نیست؛ یا جزو نیروی دشمن است، یا فریب خورده است. این جاست که وظیفه آگاهان و روشنفکران و گویندگان و نویسندگان و مسؤولان و هر عنصر از عناصری که می‌تواند بر روی ذهن مردم اثر بگذارد، روشن می‌شود. دشمن از ایمان و از غیرت دینی مردم سیلی خورده است؛ او حق دارد که با غیرت دینی دشمن باشد؛ اما دوست نباید به او کمک کند. آن کسانی که به عزت ایران اسلامی علاقه‌مندند، باید تلاش کنند که روز به روز بر غیرت دینی مردم و جوانان و پایبندی آنان بیفزایند. بحمدالله جوانان مملکت، جوانان مؤمن و سالمی هستند. خوشبختانه نسل جوان ما، یک نسل سالم است. نگاه نکنید به موارد استثنایی در گوشه و کنار که تحت تأثیر تبلیغات دشمن، رفتارها و گفتارها و ذهنیتهای غلطی را از خودشان نشان می‌دهند؛ اینها نمایشگر نسل جوان ما نیستند. نسل جوان ما همان نسلی است که امروز هم اگر پای امتحان پیش آید، اگر صحنه خونین شهر پیش آید، اگر میدان مجاهدت فی سبیل الله پیش آید، نشان خواهد داد که از بن دندان به اسلام پایبند است.

**نیاز کشور به قوت ایمان مردم و جوانان برای انجام کارهای بزرگ**

آن روز جوانان ما با جوشش استعدادهای خودشان توانستند آن کارهای بزرگ را بکنند؛ امروز هم ما کارهای بزرگی در مقابل خودمان داریم. ولو از نوع جنگ و از نوع حضور در جبهه‌ها نیست؛ اما کارهای بزرگ، همیشه بزرگ است و همیشه به ایمان، به صفا، به غیرت دینی، به ایستادگی در راه خدا و به آشتی ناپذیری با دشمن احتیاج دارد. این را جوانان ما دارند و ان شاء الله باز هم خواهند داشت. امیدواریم به برکت و حرمت خونهای معطر و مطهر جوانان ما که در عملیات بیت المقدس و عملیات قبل از آن و بعد از آن، و در طول دوران انقلاب تا امروز، در راه خدا ریخته شده است، ان شاء الله جوانان و مردم ما همیشه در راه خدا ثابت قدم و استوار باشند و دشمن را ناکام کنند و دشمن نتواند جای پای در ملت ما پیدا کند و ان شاء الله پیدانخواهد کرد.



## کمتر نبودن عظمت خانواده شهید از عظمت خود شهیدان

اهمیت دیدار با خانواده شهید

مسأله شهید و ایثارگری موتور حرکت جامعه

اهمیت نقطه‌ی قوت انسانی در قیام برای جمهوری اسلامی

احترام شهید و خانواده آنها راهبرد حقیقی برای ملت

شهید، مظهر فضائل انسانی

اهمیت گرمی داشتن یاد و خاطره شهیدان و جانبازان

شهیدان و جانبازان مایه افتخار ملت

لزوم ادامه راه شهید توسط همگان به توفیق الهی

## کمر نبودن عظمت خانواده شهدا از عظمت خود شهیدان\*

### اهمیت دیدار با خانواده شهدا

یاد شهیدان، نام شهیدان، بازماندگان شهیدان، شخصیت دارای ارزش و متعالی جانبازان و آزادگان، در هر نقطه‌یی که حضور داشته باشند، نور، رحمت و هدایت هست. این برنامه‌ی همیشگی سفرهای ماست و من این برنامه را در میان برنامه‌های سفر فوز و لطف الهی برای خودم به حساب می‌آورم. یک نکته را ابتدائاً عرض کنم به همین مناسبت و آن این است که دوستانی که صحبت کردند و اظهار محبت کردند و از بنده تشکر کردند برای آمدن به این جلسه، من می‌خواهم عرض کنم که من از کسانی که این جلسه را فراهم آورده‌اند و از یکایک شما برادران و خواهران عزیز که در این جلسه شرکت کردید، متشکرم.

برای من ارتباط با خانواده‌ی شهدا و جانبازان و آزادگان، مغتنم حقیقی و قلبی است. اگر می‌توانستم با یکایک جمعی که در این جا حضور دارید، در خانه‌های شما ملاقات کنم، شک نداشته باشید که این کار را می‌کردم؛ اما چون آن ممکن نیست، ناگزیر در چنین اجتماعی شما را زیارت کردیم و خدا را شاکریم.

### مسئله شهید و ایثارگری موتور حرکت جامعه

مسئله‌ی شهید و ایثارگری، کهنه‌شدنی نیست؛ این، موتور حرکت جامعه است؛ بعضی‌ها از این نکته غفلت می‌کنند. این که می‌بینید بعضی با سخن، قلم و حرکات خود، نگاهی به ایثار و شهادت می‌اندازند که آن نگاه منفی و ناسپاسانه است، بر اثر غفلت آنهاست؛ نمی‌فهمند پاسداری از حرمت شهیدان و ایثارگران چقدر

برای یک جامعه و ملت و کشور دارای اهمیت است. شما ببینید خون مطهر حسین بن علی (علیه السلام) در کربلا در غربت بر زمین ریخته شد؛ اما بزرگترین مسؤولیتی که بر عهده‌ی امام سجاد (علیه الصلاة والسلام) و زینب کبری (سلام الله علیها) قرار گرفت، از همان لحظه‌ی اول این بود که این پیام را روی دست بگیرند و به سرتاسر دنیای اسلام آن را، به شکلهای گوناگون، منتقل کنند. این حرکت برای احیاء دین حقیقی و دین حسین بن علی و آن هدفی که امام حسین برای آن شهید شد، یک امر ضروری و لازم بود. البته اجر الهی برای امام حسین محفوظ بود؛ می‌توانستند او را در بوت‌های سکوت بگذارند؛ اما چرا امام سجاد (علیه السلام) تا آخر عمر - سی سال بعد از او، امام سجاد زندگی کردند - در هر مناسبتی نام حسین، خون حسین و شهادت اباعبدالله را مطرح کردند؛ آن را به یاد مردم آوردند؟ این تلاش برای چه بود؟ بعضی خیال می‌کنند این کار برای انتقام گرفتن از بنی امیه بود؛ در حالی که بنی امیه بعدها از بین رفتند. امام رضا (علیه السلام) که بعد از آمدن بنی عباس است، چرا به ریان بن شیبب دستور می‌دهد مصیبت‌نامه‌ی اباعبدالله را در میان خودتان بخوانید؟ آن وقت که بنی امیه نبودند؛ تارومار شده بودند. این کار برای این است که راه حسین بن علی و خون او علم و پرچم حرکت عظیم امت اسلام به سوی هدفهای اسلامی است؛ این پرچم باید سرپا بماند؛ تا امروز هم بر سر پا مانده و تا امروز هم هدایت کرده است.

### اهمیت نقطه‌ی قوت انسانی در قیام برای جمهوری اسلامی

مهمترین نقطه‌ی قوت ما در قیام جمهوری اسلامی، نقطه‌ی قوت انسانی بود. ما که نه سلاح داشتیم، نه پول داشتیم، نه سازمانده‌ی داشتیم، نه حزب داشتیم و نه پشتیبانی جهانی؛ ما ملت ایران در همه‌ی کشورهای دنیا یک نقطه را نداشتیم که از قیام، انقلاب و حرکت ما حمایت و دفاع کنند. آنچه این ملت را پیروز کرد، قدرت نیروی انسانی بود؛ یعنی آگاهی و ایستادگی؛ همان که امیرالمؤمنین در جنگ صفین فرمود: «ألا لا يحمل هذا العلم إلا اهل البصر والصبر»؛ بصر یعنی بصیرت و آگاهی؛ صبر یعنی پایداری؛ فقط اینها هستند که می‌توانند این علم را در دست بگیرند و پیش بروند. قله‌ی این صبر و بصر شهدای مایند؛ همین آزادگانی هستند که این جا حضور دارند و همین جانبازان عزیز هستند که این جا نشسته‌اند. اینها بودند که جان خودشان را در معرض نابودی گذاشتند؛ از حیات خودشان برای دوام این حرکت و این قیام بزرگ و انسانی مایه گذاشتند؛ اینها اوج ایثار و مظهر بصر و صبرند؛ مظهر آگاهی و ایستادگی و پایداری. آیا کشور ما به آگاهی احتیاج ندارد؟ آیا رسیدن به آرمانهای این ملت و این انقلاب احتیاج به پایداری ندارد؟ آیا در مقابل شیطنتها و دشمنیها و بغضهای غارتگران جهانی این ملت احتیاج ندارد که آن سلاح کارآمد خود را همواره در دست داشته باشد؛ یعنی سلاح اراده، پایداری، ایمان و آگاهی؟ اگر احتیاج دارد - که دارد - پس بایستی این روحیه‌ی ایمان و آگاهی و پایداری در قالب احترام به نمادهای آن در مردم حفظ شود و نمادها، همین شهدایند؛ همین جانبازانند؛ همین آزادگانند.



### 🕌 احترام شهدا و خانواده آنها را هبرد حقیقی برای ملت

اگر من از شهدا احترام می‌کنم، اگر اظهار اخلاص به خانواده‌های شهدا می‌کنم، این صرف یک احساسات خشک و خالی نیست؛ به معنای این است که این یک راهبرد حقیقی برای ملت ماست؛ یاد شهدا باید گرمی داشته شود. این جوانان عزیز، این خانواده‌های پُر طاقت، این پدران و مادران، این همسران و فرزندان؛ اینهایی که با صبر و پایداری خودشان توانستند این راه طولانی را از این گردنه‌های دشوار عبور بدهند، بایستی مورد تجلیل قرار بگیرند، تا برای نسل جوان ما و برای آینده‌ی کشور ما این پرچم بر سر پا بماند. دشمن می‌فهمد چه کار می‌کند؛ آن کسانی که سعی می‌کنند نام ایثارگری، نام جهاد، نام شهادت، نام صبر و پایداری را در کشور ما از ذهنها ببرند، اینها به دشمن ملت ایران خدمت می‌کنند. آن کسانی که یاد شهیدان را گرامی می‌دارند، اینها هستند که به ملت ایران خدمت می‌کنند. همین روحیه‌ی صبر شهیدان عزیز شماست که توانسته است این ملت را پیش ببرد.

### 🕌 شهدا، مظهر فضائل انسانی

شهدای ما مظهر فضائل انسانی بودند. من روزها و شبهای زیادی را با جوانها در دوران جنگ به سر برده‌ام و از نزدیک شخصیت، هویت و عظمت روحی جوانانی را که بعدها چهره‌های ماندگار شهید شدند، لمس کرده‌ام؛ اینها حقیقتاً نمادهای فضیلت بودند.

در اطلاعاتی که به من داده شد، خواندم که در بین همین شهدای همدان شما، یک سردار سپاهی - که دارای شأن و موقعیتی هم بوده است - وجود داشته که وقتی مادرش از او می‌پرسد تو در سپاه چه کاره‌ای، جواب می‌دهد: من در سپاه جارو کشی می‌کنم. مادرش خیال می‌کرده واقعاً این جوان در سپاه یک مستخدم معمولی است. حتی وقتی برای این جوان به خواستگاری هم می‌روند و خانواده‌ی دختر سؤال می‌کنند پسر شما چه کاره است، مادرش می‌گوید در سپاه مستخدم است! بعد در اجتماعی که مراسمی بوده، یک نفر داشته سخنرانی می‌کرده، این مادر می‌بیند آن شخص خیلی شبیه پسرش است. می‌پرسد این شخص کیست. می‌گویند این فلانی است؛ یکی از سرداران سپاه. آن مادر، آن وقت پسرش را می‌شناسد! ما مطالبی که در تاریخ خوانده بودیم، مثل افسانه به گوش ما می‌آمد؛ اما آنها را در زندگی واقعی خودمان دیدیم. من این را به جوانها می‌خواهم بگویم؛ به فرزندان شهدا و به خانواده‌های آنها: آن عظمتی که خانواده‌های شهدا و پدرها و مادرها و همسرها نشان داده‌اند، از عظمت خود شهدا کمتر نیست. ما مادران و پدرانی را دیدیم که اینها با حادثه‌ی سنگین و کوبنده‌ی فقدان فرزند خودشان مثل بشارت برخورد کردند؛ چون می‌دانستند که فرزند آنها در چه راهی حرکت می‌کند.

### 🕌 اهمیت گرامی داشتن یاد و خاطره شهیدان و جانبازان

من امروز عرض می‌کنم: پدران شهدای ما! مادران شهدای ما! همسران داغدار آنها! فرزندان که خیلی‌ها

پدران خودشان را ندیدند یا چند صبحی بیشتر ندیدند! جانبازان عزیزی که سلامت خودشان را برای سالهای طولانی از دست داده‌اند! زحمات شما به توفیق الهی و به حول و قوه‌ی الهی بر باد نرفت و خدا به تلاش شما برکت داد و کار و کشور و ملت شما را از تنگناهای بزرگی نجات داد.

شما می‌بینید اشغالگران امریکایی و انگلیسی در عراق چه می‌کنند؛ نقشه‌ی استکبار جهانی این بود که اشغالگران بعثی در کشور ما همین جور با مردم ما رفتار کنند؛ نقشه‌ی امریکا و همدستان مستکبر او در دنیا این بود که ملت ایران را ذلیل و تحقیر کنند. آنها نمی‌توانستند تحمل کنند که ملتی که دهها سال آن را تحقیر کرده‌اند و منابع انسانی و مالی اش را غارت کرده‌اند، حالا سینه سپر کند؛ بایستد؛ از تهدیدهای آنها نترسد و حق خودش را با نیروی خودش مطالبه کند و به دست بیاورد. امروز می‌گویید - آن روز هم می‌گفتند - که نمی‌خواستند منافع نامشروع آنها به وسیله‌ی ملت ایران و نظام اسلامی در این منطقه قطع شود؛ می‌خواستند همچنان این منافع نامشروع را داشته باشند. سگ زنجیری آنها همین صدامی بود که امروز دست و پایش را با زنجیر بسته‌اند؛ آن روز هم دست و پایش در زنجیر بود. نقشه‌ی اشغال عراق از سوی امریکا و انگلیس یک نقشه‌ی منطقه‌ی است؛ والا اگر فقط مسأله‌ی عراق بود، اینها با صدام راحت کنار می‌آمدند و می‌توانستند با صدام زندگی کنند؛ صدام برای آنها مشکلی نداشت. هر جا سری بلند می‌کرد، می‌زدند توی سرش و تمام می‌شد. اینها به صدام کمک کردند؛ صدام در دست اینها بود. با اشاره‌ی اینها و با چراغ سبز و کمک اینها می‌خواستند ملت ایران به وسیله‌ی صدام تحقیر و ذلیل شود که جوانان، شهدا، جانبازان و خانواده‌های شهدا نگذاشتند؛ این یک افتخار تمام نشدنی است. این چیزی نیست که زمان بر آن بگذرد و کهنه شود.

من به همه‌ی گویندگان، نویسندگان و کسانی که تریبونی در اختیار دارند، توصیه می‌کنم: اگر صلاح این کشور و این ملت را می‌خواهند، یاد شهیدان، نام شهیدان، خاطره‌ی شهیدان و بازماندگان آنها و جانبازان را گرامی بدارند.

### 🕌 شهیدان و جانبازان ما به افتخار ملت

شما فرزندان شهیدان! شما برادران و خواهران شهیدان! افتخار کنید. فرزندان جانبازان! به چنین پدران و به چنین برادرانی افتخار کنید؛ اینها مایه‌ی افتخار یک ملتند. و البته دشمنان هم بدانند که به توفیق الهی نمی‌گذاریم و این ملت هم نمی‌گذارد که نام شهید و نام شهادت در این کشور فراموش شود؛ و به توفیق الهی روز به روز این نام در کشور ما برجسته‌تر و ماندگارتر خواهد شد و این افتخار برای کشور ما باقی خواهد ماند.

### 🕌 لزوم ادامه راه شهدا توسط همگان به توفیق الهی

این را هم بدانید که شهدای ما و ایثارگران ما در دوران دفاع مقدس و قبل از آن و بعد از آن تا امروز و همچنین





خانواده‌هایشان، در طول تاریخ اسلام، بعد از شهدای کربلا، نظیر ندارند؛ اینها حقیقتاً برجستگی‌های خودشان را نشان دادند و همه‌ی چیزهایی را که برای ما مثل افسانه به حساب می‌آمد - باور می‌کردیم، اما شبیه افسانه بود - اینها تحقق بخشیدند و به آن واقعیت دادند. راه این عزیزان را نه فقط خانواده‌های شهدا بلکه همه‌ی ملت ایران باید ادامه دهند و به‌رغم عنف دشمن این راه ادامه پیدا خواهد کرد. این راه، راه ارزشهاست؛ راه تعالی ملت و کشور ایران است؛ راه برافراشتگی پرچم اسلام است. این راه را چه دشمنان مستکبر جهانی بیسندند، چه نپسندند؛ چه بخواهند، چه نخواهند، ملت ایران به فضل پروردگار و به توفیق الهی با همان قوت و قدرت ادامه خواهد داد.



شهادت، نعمت و هدیه‌ای که خداوند آسان به کسی نمی‌دهد

شهادت و ایثارگران و بازماندگان آن نشانه‌های شرف و افتخار

استان کرمان استان ممتاز به لحاظ شهیدپروری

شهادت، نعمت و هدیه‌ی خدا

لشکر ۴۱ ثارالله لشکری مقتدر، شجاع، فداکار و افتخارآفرین

دو اجر بزرگ لشکر ۴۱ ثارالله

لزوم مجاهدت در برابر استکبار

پیشرفت‌های همه جانبه مرهون دفاع‌ها و مجاهدت‌های

ایثارگران

سقوط، گاهی با یک گناه

خانواده‌های شهدا یادآور و مظهر افتخار ملت

استعمار فرانو، سیاست امروز استکبار

## شهادت، نعمت و هدیه‌ای که خداوند آسان به کسی نمی‌دهد\*

### شهیدان و ایثارگران و بازماندگان آن نشانه‌های شرف و افتخار

اولاً سلام عرض می‌کنیم به همه‌ی خانواده‌های عزیز شهیدان و ایثارگران و بازماندگان آن نشانه‌های شرف و افتخار. همچنین سلام عرض می‌کنیم به جانبازان عزیزمان، و عرض ارادت صمیمی خود را به آنها تقدیم می‌کنیم - که در واقع شهیدان زنده‌ی انقلاب و کشورند - و همچنین سلام عرض می‌کنیم به آزادگان عزیز و خانواده‌های آنها که رنج‌های بی‌شماری را تحمل کرده‌اند.

### استان کرمان استان ممتاز به لحاظ شهیدپروری

اگرچه موهبت شهادت در دوران معاصر ما به همه‌ی ملت ایران در اقصی نقاط این کشور عطا شد - هیچ نقطه‌یی از نقاط کشور نیست که عطر شهادت، نور شهادت و خاطره‌ی حماسه‌های همراه با شهادت در آن جا وجود نداشته باشد - ولی برخی از مناطق کشور اختصاصاتی دارند؛ و کرمان یکی از این مناطق است. استان کرمان با بیش از شش هزار شهید و حدود بیست و پنج هزار ایثارگر - شهید و جانباز و آزاده - و با داشتن شهدای عالی‌مقام و نامدار - از قبیل شهید باهنر - و با چهره‌های ماندگاری در میان آزادگان، مثل شهید محمد شهبوسواری - که یاد و خاطره و صدای او همچنان در گوش همه‌ی ما هست - و با داشتن روستاها و بخش‌هایی که در تقدیم شهیدان، رتبه‌ی اول را در کشور احراز کرده‌اند - مثل رابر و روستای گنجان - یک استان ممتاز است.

## شهادت، نعمت و هدیه‌ی خدا

این شهادت‌ها آسان به دست نیامد. شهادت، نعمت و هدیه‌ی خداست؛ این هدیه را آسان به کسی نمی‌دهند. چرا هدیه‌ی خداست؟ چون مرگ ناگزیر همگانی همه‌ی انسان‌ها را به یک پدیده‌ی افتخارآمیز در دنیا و آخرت تبدیل می‌کند؛ این هدیه نیست؟ آیا ممکن است کسی از مرگ بگریزد؟ وقتی انسان به لحظه‌ی مرگ رسید، آیا فرق می‌کند که پشت سر خودش ۹۰ سال را گذرانده باشد یا ۲۰ سال؟ آیا بزرگترین دغدغه‌ی هر انسانی از مرگ به خاطر این نیست که از بعد از آغاز سفر مرگ بی‌خبر است و نمی‌داند چه بر سر او خواهد آمد؟ اینها را در کنار هم بگذارید و ببینید انسانی همین مرگ و همین حادثه‌ی قطعی و ناگزیر و همین آینده‌ی مبهم و نگرانی‌آور را تبدیل کند به یک حادثه‌ی پُرافتخار، به یک واقعه‌ی نامدار در دنیا و آخرت، به یک وسیله‌ی عزتِ پیش خدا و پیش کروبیانِ ملاً اعلیٰ، به یک اطمینان و یک سکینه‌ی قلبی و یک آرامش؛ «و یتبشرون بالَّذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الاّ خوف علیهم و لا هم یحزنون»؛ هیچ خوف و اندوهی برای آنها نیست. آیا این هدیه‌ی الهی نیست؟ این که آدم روغنِ ریخته‌ی جانِ خودش را نذر امامزاده کند و قبول شود، نعمت خدا نیست؟ این روغن که ریخته شده است، این عمر که از دست رفته است، این مرگ که ناگزیر است؛ آنگاه انسان باید همین مرگ ناگزیر را به خدا بفروشد، به قیمت بهشت و سعادت ابدی؛ «انّ الله اشترى من المؤمنین انفسهم و اموالهم بأنّ لهم الجنّة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون»؛ این، وعده‌ی الهی است. این جانِ رفتنی را - که انسان بناچار باید از دست بدهد - خدا از شما می‌خرد و در مقابلش به شما بهشت می‌دهد. این فقط مخصوص ما مسلمان‌ها نیست؛ در ادیان قبل از اسلام هم بوده؛ «وعدا علیه حقاً فی التوراة والانجیل والقرآن»؛ این وعده را خدا در تورات و انجیل و قرآن هم داده است. پس شهادت یک هدیه‌ی الهی است. بنده قبل از انقلاب در مسجدی در مشهد نماز می‌خواندم و برای مردم صحبت می‌کردم؛ جوان‌ها هم جمع می‌شدند. آن وقت شهادت مثل دوران بعد از انقلاب، این طور ارزان نبود؛ اما شهادتی داشتیم. به آنها می‌گفتم: جوان‌ها! برادرها! شهادت، مرگ تاجرانه و مرگ آدم‌های زرنگ است. این هدیه را خدا به چه کسی می‌دهد؟ خدا این هدیه را ارزان نمی‌دهد؛ به کسانی می‌دهد که در راه او مجاهدت کنند. جوان‌های شما، شهیدان شما، همسران شهدا! همسران شما؛ پدر و مادرها! فرزندان شماها؛ بچه‌های شهدا! پدران عزیز شما، این هدیه‌ی الهی را آسان و رایگان به دست نیاورند؛ به قیمت مجاهدت به دست آورند؛ در راه خدا جهاد کردند، از خودشان گذشتند و خدا این هدیه را به آنها داد.

## لشکر ۴۱ ثارالله لشکری مقتدر، شجاع، فداکار و افتخارآفرین

شما کرمانی‌ها شهدای زیادی دارید؛ اما عمده‌ی شهدای شما متعلق به لشکر ۴۱ ثارالله است. می‌دانید این لشکر یعنی چه؟ یک لشکر مقتدر، شجاع، فداکار و افتخارآفرین. بعضی از بچه‌های شما که در لشکر ثارالله شهید شدند، در شب عملیات والفجر ۸ که عرض اروند متلاطم را باید طی می‌کردند، ۱۳۰۰ متر غواصی کردند و از این طرف به آن طرف آب رفتند؛ برای این که خودشان را به دشمن برسانند. آب در ارون درود، هم از طرف سرچشمه پایین می‌آید؛ هم آب مدّ دریا از بالا داخل می‌شود. اروند، معبر عجیبی است. جوان‌های شما لباس غواصی به تن کردند



- طوری که دشمن نفهمید - و نه ۱۰ متر و ۲۰ متر و ۱۰۰ متر، بلکه ۱۳۰۰ متر را که عریض ترین بخش ارونند بود، طی کردند و خودشان را به آن طرف رساندند و توانستند ساحل مقابل را از دست دشمن بگیرند و آن فتح الفتوح عجیب را بیافرینند، که دنیا را منقلب کرد.

در این عملیات، قایق‌های سپاه به طرف ساحل ارونند منتقل شد؛ اما دشمن نفهمید. این همه نیرو و این همه امکانات از راه دور پای آب ارونند آمد؛ اما دشمن با آن همه تجهیزات، و با آن که ماهواره‌های امریکا و انگلیس و شوروی کمکش می‌کردند، نتوانست حرکت عظیم سپاه را - که از لشکرهای مختلف این همه نیرو لب آب آورده بود - بفهمد. قایق‌ها را باید بچه‌های لشکر ثارالله کنار ساحل می‌بردند.

یکی از شهدای نامدار این لشکر، کسی است که در طول بیست روزی که این قایق‌ها را محرمانه منتقل می‌کردند، نتوانست استراحت کند. از قول فرمانده محترمش - که الحمدلله خدای متعال او را برای ما نگه داشته و جزو عزیزان ماست - نقل کردند که گفته بود این جوان سه شبانه‌روز چشم به هم نگذاشت و نخواهید. بعد از سه شبانه‌روز که رفته بود در سنگر بخوابد، مأموریتی ایجاد شد؛ رفتم صدایش کردم و او را با خودم به مأموریت بردم! اینها این طوری جهاد می‌کردند.

### 🌟 دو اجر بزرگ لشکر ۴۱ ثارالله

خدای متعال دو اجر بزرگ به اینها داد: یکی شهادت - که متعلق به خود آنهاست - یکی هم نجات این کشور، حفظ آبروی ملت ایران و حفظ آبروی امام. مگر شوخی است؟ در دوران تسلط مادیگری در دنیا، یک مرد معنوی بلند می‌شود؛ یک ملت مؤمن و مخلص و پُرشور زیر پرچم او حرکت می‌کنند؛ میلیون‌ها دل، میلیون‌ها انسان و میلیون‌ها اراده در هم تنیده می‌شوند و نظام جمهوری اسلامی را به وجود می‌آوردند - که به تنهایی در مقابل دنیای استکبار ایستاده است - آن وقت دشمن حقیر و حکومت خودکامه‌ی خونریزِ جلادی مثل حکومت بعثی صدام بیاید و امریکا و شوروی و اروپای آن روز و مرتجعان منطقه هم به او کمک کنند تا بر این نظام و این ملت و این کشور غلبه پیدا کند؛ مرزهای او را بشکنند؛ خاکش را بگیرد و آبروی این ملت را بریزد؛ این چیز کمی بود؟ خدای متعال نگذاشت. دست نصرت خدا از آستین بچه‌های شما بیرون آمد و اسلام یاری شد. هزاران هزار نفر رفتند در جبهه‌ها جنگیدند؛ از جان مایه گذاشتند؛ از خواب و خوراک گذشتند؛ از گرمای روزهای سرد زمستان در کنار پدر و مادرشان گذشتند؛ از پای کولر و آب خنک یخچال در گرمای تابستان گذشتند؛ سختی‌ها را به خودشان خریدند؛ عده‌یی از آنها جانشان را دادند؛ عده‌یی از آنها سلامتشان را دادند، که الان دارید می‌بینید و جلوی چشم ما هستند - این جانبازان عزیز - عده‌یی در دست دشمن اسیر شدند. خدای متعال به این تلاش جانانه و مخلصانه برکت داد؛ «و اُخری تحبونها نصر من الله و فتح قریب و بَشْر المؤمنین»؛ خدا نصرت خودش را بر این ملت نازل کرد. خدا نصرتش را به آدم‌های تنبل و بی‌مجاهدت نمی‌دهد. خدا از انسان‌های بی‌کاره و تنبل و بی‌خیال و لاابالی حمایت نمی‌کند؛ ولو مؤمن باشند.

### 🌟 لزوم مجاهدت در برابر استکبار

مسلمان‌ها هزار سال در خواب غفلت بودند؛ دو‌یست سال استعمار بر سرزمین‌های اسلامی حاکم و مسلط بود؛ امروز هم استکبار جهانی بر بخشی از دنیای اسلام مسلط است؛ مگر این مسلمانان مؤمن نیستند؟ چرا، آنها هم ایمان دارند و نماز می‌خوانند؛ اما این کافی نیست. برای پیروزی و موفقیت، مؤمن بودن و نماز و روزه به‌جا آوردن کافی نیست؛ مجاهدت لازم است. در سایه‌ی مجاهدت است که یک ملت می‌تواند خودش را، هویتش را، ناموسش را، افتخاراتش را، تاریخش را، فرهنگش را و استقلال و آزادی‌اش را حفظ کند. ملت ما این کار را کرد و جوان‌های شما هم پیشاهنگان این راه بودند. به این مجاهدت‌ها افتخار کنید. فرزندان شهدا! به پدران خود افتخار کنید. اینها کسانی بودند که مسیر تاریخ را عوض کردند؛ اینها کسانی بودند که قوی‌ترین و وحشی‌ترین مستکبران دنیا را به زانو درآوردند؛ ملت خود را سرفراز کردند و دین خدا را به پا داشتند.

### 🌟 پیشرفت‌های همه‌جانبه مرهون دفاع‌ها و مجاهدت‌های ایثارگران

امروز در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، علمی، فناوری و فعالیت‌های بین‌الملل، کشور ایران پیشرفت‌های بسیار زیادی کرده. این را به شما عرض کنم؛ پیشرفت ما نسبت به همسانان ما بسیار بیشتر و جلوتر است. ما خیلی پیشرفت کرده‌ایم؛ اما این پیشرفت‌ها مرهون آن دفاع‌ها و مجاهدت‌هاست. ملت ایران با همه‌ی وجود مرهون تلاش و مجاهدت این ایثارگران است؛ چه ایثارگرانی که شهید شدند، چه ایثارگرانی که شهید دادند - مثل شماها - چه ایثارگرانی که جانباز شدند، چه ایثارگرانی که زندگی دشوار جانبازی را برای عزیزان خودشان تحمل کردند - پدران اینها، مادران اینها، همسران اینها - چه آنهایی که در بند دشمن جبارِ جرّار اسیر شدند و پدر و مادرها لحظه‌لحظه‌ی دوران اسارت را با خون دل تحمل کردند، و چه آنهایی که از اسارت برنگشتند و در همان جا شهید شدند؛ و چه آنهایی که به جبهه‌های جنگ رفتند و خطر را پذیرفتند و جان خودشان را کف دست گرفتند و همه‌ی نیروی خودشان را صرف کردند، اما خدای متعال خواست اینها زنده بمانند و برکاتشان برای کشورشان و دنیای اسلام ادامه پیدا کند. سردار سلیمانی هم ایثارگر است - او هم یک شهید است - سردار رئوفی هم همین‌طور؛ سردار احمدیان هم همین‌طور. این سرداران، شهید زنده‌اند؛ به شرطی که این راه را ادامه دهند. البته این شرط و شروط برای همه است.

### 🌟 سقوط، گاهی با یک گناه

تاره خدا را ادامه می‌دهید، جزو صالحین اید؛ اگر کج رفتید، همه چیز تمام می‌شود. همه‌ی ما همین‌طوریم؛ بنده هم همین‌طورم. اگر کج قدم گذاشتیم، نمی‌شود بگوییم ما کسی هستیم که یک روز فلان کار را کردیم. کسانی که در راه خدا جهاد کردند، جهادشان محفوظ است؛ این ذخیره‌ی بی‌است که خدای متعال در آن دنیا برای آنها نگه داشته است.



یک نفر از پیغمبر (ص) شنید که ایشان فرموده‌اند هر کس بگوید «سبحان الله و الحمد لله و لاله الا الله والله اكبر»، خدای متعال در بهشت برای او یک درخت می‌رویاند. گفت: یا رسول الله! پس ما در بهشت خیلی درخت داریم؛ چون این ذکر را خیلی تکرار کرده‌ایم. نقل می‌کنند پیغمبر (ص) فرمود: بله، به شرط این که صاعقه‌یی نفرستاده باشی که درخت‌ها را بسوزاند! گاهی صاعقه‌یی می‌فرستیم، درخت‌های ما را می‌سوزاند. گاهی مثل آن درویش خوش خیال با عصا می‌زنیم، کوزه‌ی روغمان می‌شکند و روغمان می‌ریزد. گاهی با یک گناه سقوط می‌کنیم. گاهی با یک انحراف، خود را از ارزش می‌اندازیم. باید مراقب باشیم.

### خانواده‌های شهدا یادآور و مظهر افتخار ملت

خانواده‌های شهدا یادآور و مظهر افتخار ملتند؛ اما یک چیز دیگر هم در کنار این وجود دارد: خانواده‌های شهدا ما را همیشه به یاد دشمنی‌هایی که با این ملت شده، نگه می‌دارند. دشمن را نباید فراموش کرد. از دشمنی دشمن نباید غافل شد. امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه فرمود: «و من نام لم ینم عنه»؛ اگر شما در جبهه‌ی نبرد خوابتان برد، معنایش این نیست که سرباز خط مقابل هم خوابش برده؛ نه، او بیدار است؛ منتظر است شما خوابتان ببرد تا بر سر شما بتازد. در میدان نبرد، کارزار همیشه نظامی نیست؛ گاهی سیاسی است؛ گاهی هم فرهنگی است. دشمن سعی می‌کند رخنه ایجاد کند؛ چشم‌ها را باید باز نگه داریم؛ نقطه‌ی رخنه را ببینیم و مراقب باشیم این رخنه توسعه پیدا نکند. باید جلوی رخنه‌های فرهنگی و سیاسی را بگیریم.

### استعمار فرانو، سیاست امروز استکبار

امروز سیاست استکباری، استعمار فرانو است؛ یعنی از استعمار نوینی که در ده‌ها سال قرن گذشته وجود داشت، یک قدم بالاتر. استعمار فرانو یعنی چه؟ یعنی دستگاه استکباری کاری کند که عناصری از ملتی که این مستکبر می‌خواهد آن را قبضه و تصرف کند، بدون این که بدانند، به او کمک کنند. دشمن، ایمان شما را سد مستحکم خود می‌بیند و دلش می‌خواهد این سد برداشته شود. حالا عناصری از میان خود ما بیایند و بنا کنند این دیوار را تراشیدن یا سوراخ کردن. اینها گرچه خودی هستند، اما دارند برای دشمن کار می‌کنند؛ دشمن هم روی اینها سرمایه‌گذاری می‌کند. دیدید که امریکایی‌ها حتی در کنگره‌شان تصویب کردند که به عناصری در داخل کشور ما پول بدهند تا برای آنها کار کنند؛ این‌طور علنی و صریح! این استعمار فرانو است. این، مثل این است که دوندگی نتواند بر رقیبش فائق بیاید؛ کاری کند که رقیب، خودزنی کند؛ مثلاً وادارش کند معتاد شود. وقتی طرف معتاد شد، دیگر حال دویدن ندارد؛ به خودی خود به نفع رقیبش کار کرده است. بنابراین وقتی حال دویدن نداشت، رقیبش برنده می‌شود. در استعمار فرانو این کار را می‌کنند؛ جوان‌ها خیلی باید هشیار باشند؛ دخترها خیلی باید هشیار باشند؛ معلمین و معلمات و پدر و مادرها خیلی باید متوجه و هشیار باشند؛ بخصوص کسانی که جایگاهی در اشاره به افکار عمومی دارند؛ گوینده‌اند، نویسند، اهل هنر و اهل فعالیت گوناگون هستند.



## ادامه دادن راه شهدا به معنای گرامیداشتن یاد آنها

ویژگی استثنائی مسأله‌ی شهید در میان حوادث انقلاب

شگفتی‌های وجود شهید

لزوم حق گذاری ایران و ایرانی نسبت به شهدا و ایثارگران

علت حضور جوانان در جنگ

برجسته تر شدن حادثه عاشورا و دفاع مقدس

ترس دشمنان از انقلاب اسلامی و شهدا

علت تهدیدآمیز بودن پیشرفت علمی یک ملت

افتخار کردن به شهدا و جانبازان

لزوم احترام گذاری به همسران جانبازان

معنای گرامیداشت شهدا



## ادامه دادن راه شهدا به معنای گرامیداشتن یاد آنها

### ویژگی استثنائی مسأله‌ی شهید در میان حوادث انقلاب

اگر چه در حوادث انقلاب، شگفتیهای بی نظیر کم نیست و از آغاز نهضت بزرگ ملت ایران - که به انقلاب اسلامی منتهی شد - تا پیروزی انقلاب و از پیروزی انقلاب تا امروز، در طول دوران مبارزه و انقلاب، حوادث شگفت‌انگیز و بی نظیر یکی پس از دیگری چشم و دل را به خود متوجه می‌کند؛ اما در میان این حوادث شگفت‌انگیز، مسأله‌ی شهید یک ویژگی استثنائی دارد.

### شگفتی‌های وجود شهید

هر آنچه که مربوط به وجود نورانی شهید است، شگفتی است. انگیزه‌ی او برای حرکت به سمت جهاد - که در دنیای مادی و در میان این همه انگیزه‌ی رنگارنگ جذاب، یک جوانی برخیزد، قیام لله کند و به سمت میدان مجاهدت حرکت بکند - این خود یک شگفتی است؛ پس از آن، تلاش او، در معرض خطر قرار دادن خود در میدانهای نبرد، کارهای برجسته‌ی او در میدانها، شجاعتها و شهامت‌هایی که هر سطری از آن می‌تواند یک سرمشق ماندگار و نورانی باشد هم یک شگفتی است؛ و پس از آن رسیدن به شوق وافر و کنار رفتن پرده‌ها و حجابهای مادی و دیدن چهره‌ی معشوق و محبوب - که در حرکات شهدا، در حرفهای شهدا و در روزهای نزدیک به شهادت، همیشه جلوه‌گر بود و نقلهای فراوانی در این زمینه هست - این هم یکی از شگفتیهاست. در میان همین شهدای عزیز شما شیرازیها و فارسی‌ها، در یک وصیت‌نامه‌ای خواندم که شهید می‌گوید: من بیقرارم، بیقرارم! آتشی در

دل من است که مرا بی تاب کرده است؛ به هیچ چیز دیگر آرامش پیدا نمی کنم مگر به لقاء تو؛ ای خدای محبوب عزیز! این سخن یک جوان است! این همان چیزی است که یک سالک و یک عارف، بعد از سالها مجاهدت و سالها ریاضت ممکن است به آن جا برسد؛ اما یک جوان نوحاسته، در میدان نبرد و در میدان جهاد آن چنان مشمول تفضل الهی قرار می گیرد که این ره صد ساله را یکشنبه می پیماید و این احساس بی قراری و شوق، از سوی پروردگار پاسخ مناسب می یابد. خود این شوق هم لطف خدا و جاذبه‌ی حضرت حق متعال است. این شگفتی بزرگی است.

و بعد خون شهید است. خانواده‌ی شهید، مادر شهید، پدر شهید، همسر و فرزندان شهید، برادران و خواهران و نزدیکان و دوستان شهید - که اگر این جوان با مرگ معمولی از دنیا رفته بود، اینها گریبان پاره می کردند و صبر نمی کردند - در مقابل خون این شهید، آن چنان صبر و متانت و آرامش و استقامتی نشان می دادند که انسان متحیر می ماند. مادر دو شهید به من گفت: من بچه‌هایم را خودم دفن کردم، در خاک گذاشتم و دستم نلرزید! پدر چند شهید گفت: اگر چند برابر اینها من بچه داشتم، حاضر بودم آنها را در راه خدا بدهم! این چه عنصری است؟ این چه جوهری است؟ این چه برق درخشنده‌ای است که خدا در دل حادثه‌ی شهادت قرار داده است که این جور دنیای تاریک را روشن می کند؟ هشت سال ملت ایران با این برق درخشان در دل مرد و زن خود، همراه بود. و خدا دستگیری کرد؛ خدا کمک کرد.

### لزوم حق گذاری ایران و ایرانی نسبت به شهدا و ایثارگران

شهدا پیشرو و پیشگام بودند و سنگر دوم، خانواده‌های شهیدان و دیگر ایثارگران. رفتند جلو، مانعها را از سر راه برداشتند و توانستند یک ملتی را که چند قرن او را به بی حالی و تسلیم در مقابل زورگویان عادت داده بودند، تبدیل کنند به این ملت بانشاط، سرافراز، پرافتخار و با عزم و اراده‌ی مستحکم و راسخ. این کار را شهدای ما کردند؛ این کار را رزمندگان ما کردند؛ این کار را جانبازان ما کردند؛ این کار را استقامت آزادگان ما در زندانهای دشمن کرد؛ این کار را شما خانواده‌های شهدا کردید. حق شما بر گردن ایران و ایرانی تا ابد باقی است و تاریخ ایران باید نسبت به خانواده‌ی شهدا، حق گذاری کند.

بیش از چهارده هزار و پانصد شهید از استان فارس و شهر شیراز! این شوخی است؟ شیرازی که سیاستهای استعماری تصمیم گرفته بود آن را به مظهر بی بندوباری و بی اعتنائی به اصول و ارزشهای دینی تبدیل کند؛ شیرازی که مایل بودند در آن هیچ چیز جز جلوه‌های حیوانی منحن و وجود نداشته باشد و در آن از اصالتهای دین خبری نباشد. برای این سیاستگذاری کردند؛ اقدام هم کردند. اما جواب مردم شیراز و مردم استان فارس و تودهنی شما به دشمن، چهارده هزار و پانصد شهید، بیش از سی و چهار هزار جانباز و بیش از دو هزار و پانصد آزاده بود. سلام بر شما! رحمت خدا بر



شما!

شیراز مأمّن امامزادگان بزرگوار بود؛ در هیچ نقطه‌ای از کشور به قدر فارس، مرقدِ امامزاده وجود ندارد. معنای این حرف این است که از هر کجا امامزاده‌ها و فرزندان معصومین، یا از جور خلفا می‌گریختند و یا به امیدِ کمک مردم حرکت می‌کردند، متوجه شهر شیراز یا شهرهای دیگر استان فارس می‌شدند. آن معنویتی که شخصیتی مثل شهید بزرگوار مرحوم آیت‌الله دستغیب مظهر آن معنویت بود، از این خانواده و از این مرکز فیاض تمام نشدنی اهل بیت (علیهم‌السلام) سرچشمه گرفته است. این عمق انگیزه‌ی دینی را نشان می‌دهد. این نورانیت، شخصیتی مثل شهید دستغیب می‌سازد و می‌پروراند و نفس گرم آن شهید عزیز، در این منطقه این همه دل جوان و جوینده را شیدای معنویت می‌کند؛ دل‌های جوانی که از همان روزهای اول به میدانهای جنگ رفتند.

### علت حضور جوانان در جنگ

من دیروز در جمع نظامیان مستقر در شیراز گفتم: اول انقلاب و اوائل جنگ تحمیلی، در دورانی که جبهه‌ها از همه طرف محنت‌بار بود و اکثر خرمشهر زیر چکمه‌ی اشغالگران بود، بنده به منطقه‌ی آبادان و این بخش خرمشهر رفتم؛ یک عده جوان با اخلاص نورانی پرشور، با سلاح‌های ابتدایی به آن جا آمده بودند برای این که بجنگند؛ گفتم: از کجا آمده‌اید؟ گفتند: از شیراز. در سرتاسر دوران جنگ تحمیلی بچه‌های استان فارس - چه در لشکر فجر، چه در لشکر المهدی و چه در یگانهای ارتشی که در شیراز مستقرند و بسیاری از کارکنان آنها شیرازی یا اهل شهرهای استان فارسند - وجودشان اثرگذار و نمایان بود. این نفس گرمی که این همه جوان را در راه دفاع از اسلام، دفاع از استقلال ملی، دفاع از کشور و دفاع از بزرگترین حادثه‌ی تاریخ ما - یعنی انقلاب اسلامی - این جور به میدان کشانده بود، نفس گرم مردان بزرگی مانند مرحوم آیت‌الله شهید دستغیب و دیگران، و پشت سر همه و قویتر از همه نفس گرم امام بود. این یکی از آن شگفتیهای بسیار برجسته‌ی انقلاب ماست!

### برجسته‌تر شدن حادثه عاشورا و دفاع مقدس

عزیزان من! امروز سالها از آن دوران می‌گذرد. خیلی از شما جوانها دوران دفاع مقدس را ندیدید و درک نکردید؛ بعضی هم خاطره‌ی مبهمی از آن دارید. گذر زمان، حوادث را لحظه به لحظه از انسان دورتر می‌کند. بعضی از حوادث فراموش می‌شوند، مثل یک موج ضعیفی که از انداختن یک سنگی در یک استخر آبی به وجود می‌آید - موجی هست، اما هر چه می‌گذرد، لحظه به لحظه ضعیف‌تر می‌شود و دقیقه‌ای نمی‌گذرد که دیگر خبری از آن موج نیست - لکن بعضی از حوادث نقطه‌ی عکسند و گذر زمان آنها را ضعیف و کمرنگ نمی‌کند، بلکه برجسته‌تر می‌کند. یک نمونه‌ی آن،

حادثه‌ی عاشورا است.

در روز عاشورا کسی نفهمید چه اتفاق افتاد. عظمت آن حادثه، عظمت جهاد جگر گوشه‌ی پیغمبر و یاران و نزدیکانش و همچنین عظمت فاجعه‌ی کشته شدن فرزندان و نوردیدگان پیغمبر بر کسی روشن نبود. اکثر کسانی که آن جا بودند هم نفهمیدند. آنهایی که در جبهه‌ی دشمن بودند، آن قدر مست و آن قدر غافل و آن قدر از خود بیگانه بودند که نفهمیدند چه اتفاقی افتاد! مستان عالم، مستان غرور و شهوت و غضب و مستان حیوانیت، نمی فهمند در عالم انسانیت چه دارد اتفاق می افتد؛ بله، زینب (س) خوب فهمید، سکینه خوب فهمید، آن زنها و دخترهای مظلوم خوب فهمیدند چه اتفاقی افتاد؛ این مال روز عاشورا است. اما هر روزی که از روز عاشورا جلوتر رفتیم - روز دوازدهم در کوفه، چند هفته بعد در شام، چند هفته بعد در مدینه و اندکی بعد در همه‌ی دنیای اسلام - این حادثه به سرعت برق، عظمت و اهمیت خودش را نشان داد. هنوز دو سال از این حادثه نگذشته بود که آن طغیانگر فرعونی که عامل این حادثه بود، از روی زمین برافتاد و نابود شد و چند سالی بیش نگذشته بود که آن خانواده نابود شدند. خانواده‌ی دیگری از بنی امیه سر کار آمدند؛ چند ده سالی نگذشت که آن خانواده هم مضمحل و نابود شدند. دنیای اسلام روز به روز به مکتب اهل بیت نزدیکتر، دل بسته‌تر و مشتاقتر شد و این حادثه توانست پایه‌های عقیده‌ی اسلامی و مکتب اسلام را در طول تاریخ استوار کند. اگر حادثه‌ی کربلا نبود، ما امروز از مبانی و اصول اسلام هم چندان خبری نمی داشتیم و شاید فقط نامی از اسلام به گوش ما می خورد. این خون مقدس و این حادثه‌ی بزرگ، نه فقط کوچک نشد، کمرنگ نشد، ضعیف نشد، بلکه روز به روز قویتر و برجسته‌تر و اثرگذارتر شد؛ این یک نمونه‌ی برجسته است.

### ترس دشمنان از انقلاب اسلامی و شهدا

انقلاب شما و شهادت شهیدان شما هم از همین قبیل است. در اول حادثه‌ای زلزله‌گون بود؛ خلیه‌ها تحلیل کردند: یک زلزله است، می‌گذرد و فراموش می‌شود! اما این جور نشد؛ عکس شد. امروز در اعماق دل ملت‌های مسلمان، مفاهیم انقلاب اسلامی روز به روز رسوخ بیشتری پیدا می‌کند؛ این نه حرف من، بلکه محصول تحلیلهای کسانی است که دشمن ترین دشمنانشان، ملت ایران و انقلاب اسلامی است! آنها می‌گویند؛ آنها شهادت می‌دهند. اینی که می‌بینید تهدید می‌کنند و علیه ملت ایران عریده می‌کشند، به خاطر همین تحلیل است؛ می‌ترسند! می‌بینند این حادثه خاموش نشد؛ می‌بینند این موج کمرنگ نشد و مرتب برجسته‌تر و گسترده‌تر و عمق آن بیشتر می‌شود؛ لذا می‌ترسند.

یک روزی آنها خیال کردند توی این کشور انقلاب تمام شده؛ علت هم این بود که چند تا آدم غافل و نادان یا گفتند: انقلاب تمام شد، یا گفتند: اسم شهدا را دیگر نیاورید، یا گفتند: امام را باید به موزه‌ی تاریخ سپرد و از این حرفها! آن بی‌عقلهائی که از این حرفها می‌خواستند برای سیاستهای خودشان تحلیل درست کنند، باور کردند؛ خیال کردند انقلاب تمام شد. امروز که انسان نگاه



می‌کند، آثار یأس از آن تحلیل را در سخنان و در تحلیل‌هایشان می‌بیند. از ملت ایران، از عظمت ایران، از استقلال ایران و از استعداد جوانهای ایران، احساس واهمه می‌کنند.

### علت تهدید آمیز بودن پیشرفت علمی یک ملت

چرا پیشرفت علمی یک ملت و یک کشور، از نظر یک جماعتی در دنیا تهدید آمیز است؟ چرا؟! چون انحصار طلبند؛ چون سلطه طلبند؛ چون ایران را طعمه فرض کرده‌اند. خواستند این کشور را با ذخائر و با موقعیت جغرافیائی ممتاز و برجسته‌اش، یک جا ببلعند. بیداری ملت ایران، بیداری جوان ایرانی و استعداد و درخشندگی پیشرفت علمی جوان ایرانی، نمی‌گذارد. لذا پیشرفت فناوری شما، انرژی هسته‌ای شما و پیشرفتهای علمی دیگر شما، آنها را عصبانی می‌کند. بله، اگر ملت ایران بی‌خیال و جوان ایرانی بی‌فکر باشد - دنبال علم و دنبال کار و دنبال تولید و دنبال نوآوری نرود و همین‌طور به عیش و عشرت بگذراند - آنها خوشحال می‌شوند. آنها این را می‌خواهند؛ آنها نمی‌خواهند شهر شیراز، یک مرکزی باشد که در آن پیشرفت علمی هست - که من گفتم شیراز شما، از لحاظ پیشرفت صنعتی در خط مقدم شهرها و استانهای کشور قرار دارد و در بعضی از رشته‌های علمی، جوانها و مردان و زنان شما در دنیا آوازه پیدا کرده‌اند - آنها این را نمی‌خواهند. آنها نمی‌خواهند که دانشگاه ما، حوزه‌ی علمیه‌ی ما، آزمایشگاه ما و محیط تولید ما، پر رونق باشد. آنها دلشان می‌خواهد اختلاط دختر و پسر و آمیزشهای شهوانی و غفلت و عشرت و اینها، بر زندگی مردم غلبه پیدا کند؛ آنها این را می‌خواهند. شما عکس این را عمل کردید؛ علت عصبانیت امریکا و صهیونیستها و این همه تبلیغات این است.

بعضیها می‌گویند آقا! چرا دشمنی امریکا را تحریک می‌کنید؟ خب، اگر بخواهیم دشمنی امریکا را تحریک نکنیم، باید بگیریم بخواهیم، از کار و تلاش دست برداریم و افتخارات خودمان را فراموش کنیم! آن وقت امریکا از ما ممنون خواهد شد؛ امریکا این است. آیا ملت ایران به این راضی است؟! آنها به خاطر این که فلان مسئول در کشور فلان حرف رازده است یا سیاست ما فلان جور حرکت کرده است، با ما دشمن نیستند؛ نه، آنها به خاطر بیداری ملت ایران با ما دشمنند. هر جا کانون بیداری است، آماج مهمتری برای حمله‌ی دشمنان این ملت است. شما نگاه کنید، ببینید هر جایی که بیداری از آن جا می‌تراود و هشیاری و انگیزه و آمادگی جوانان ملت از آن جا بیشتر بروز و درخشش پیدا می‌کند، با آن جا بیشتر دشمنند. با خانواده‌های شهدا دشمنند.

### افتخار کردن به شهدا و جانبازان

الحمد لله خانواده‌ی شهدای شیراز اینگونه‌اند؛ ببینید چه انگیزه‌ای و چه احساس افتخاری بر این فضا و بر این محیط سایه افکنده! درستش همین است؛ افتخار کنید. حقیقتاً افتخار دارد که انسان عزیزش را و جوانش را در راه خدا بدهد و بداند که خدای متعال را با این کار خشنود کرده است؛

«صبرا و احتسابا»، پای خدا حساب کند. بداند که این عزیزی که در راه خدا داد، یک سنگری بود که در مقابل هجوم دشمنان به عزت و به استقلال این ملت، برافراشته شد. هر کدام از شهدای شما یک سنگرند؛ این افتخار دارد؛ جانبازان هم همین جورند. جانبازان هم شهدای زنده‌اند؛ شما جانبازان عزیز هم مثل شهدا هستید؛ شهید هم همین ضربه‌ای را که جانباز تحمل کرده است، او هم تحمل کرده؛ سرنوشت او پرواز و رفتن بود، سرنوشت این فعالاً ماندن. خانواده‌ی شهدا، پدر و مادر شهید، همسر شهید، فرزندان شهید، برادران و خواهران و خویشاوندان شهید، پدران و خواهران و همسران جانبازان باید افتخار کنند.

### 🌟 لزوم احترام گذاری به همسران جانبازان

یکی از چیزهایی که من همیشه احساس می‌کنم، احترام به همسران جانبازان است. بعضی از این بانوان عزیز، این جانباز را با همین جانبازیش قبول کردند و پذیرفتند؛ آفرین! بعضی‌شان جوان رعنائی را که با او ازدواج کردند، ناگهان دیدند به یک از یافتاده و به یک جانباز تبدیل شد؛ پذیرفتند و استقبال کردند؛ آفرین! همسران جانبازان خیلی بارز شدند. همسران شهدا - که جوانان عزیز را تربیت کردند - خیلی بارز شدند. من در شرح حال شهدای شیراز، دیدم که تعدادی از فرزندان شهدای شیراز و استان فارس، رتبه‌های علمی بالا و رتبه‌های تحقیقی بالا به دست آورده‌اند. این چه جور به دست می‌آید؟! با مجاهدت آن مادر، آن همسر شهید، آن شیرزن و آن مجاهده‌ی فی‌الله جهاد او این است: «حسن التبعل»؛ حسن التبعل یعنی این؛ یعنی آبروی شوهر را حفظ کردن؛ شخصیت شوهر را حفظ کردن؛ این حسن التبعل است؛ یک نمونه‌اش همین است که شوهر رفت در راه خدا؛ بچه‌هایش و جوجه‌هایش را در آغوش رعایت خودشان و با تربیت خودشان آن چنان بزرگ کنند که اینها احساس افتخار کنند و راه شهید را ادامه بدهند.

### 🌟 معنای گرمی‌داشت شهدا

من آخرین عرضم به شما این است: عزیزان! اگر شهیدان عزیزند - که عزیزترینند - اگر برای ما گرمیند - که گرمی‌ترینند - گرمی‌داشت آنها به معنای این است که ما راهشان را ادامه بدهیم و اهدافشان را دنبال کنیم. دنبال کردن راه آنها یعنی بایستی اهداف جمهوری اسلامی و ارزشهای اسلامی - این پایه‌های مستحکم و این شاخصهای نمایان که می‌تواند این ملت را به اوج افتخار دنیوی و اخروی برساند - در نظر داشته باشیم و دنبال کنیم. زن و مرد در این جهت یکسانند؛ پسران و دختران شهید، برادران و خواهران شهید و آنهایی که نسبتی با شهید دارند در این جهت یکسانند. هر چه به شهید نزدیکترید، افتخارتان بیشتر و مسئولیت‌تان سنگین‌تر است. کشور مال شماست؛ کشور مال جوانهاست؛ آینده مال شماست. آنهایی که رفتند، رفتند و راهها را گشودند؛ من و شما که ماندیم باید از این راههای گشوده حرکت کنیم و پیش برویم. والا اگر آنها راه را باز کنند و ما بنشینیم



و دست روی دست بگذاریم و تماشا کنیم، این قدرشناسی و نمک‌شناسی است. نمک‌شناسی در قبال شهدا این است که وقتی آنها راه را باز کردند، ما از این راه حرکت کنیم و پیش برویم. این امروز وظیفه‌ی ماست و ملت ایران این وظیفه را انجام می‌دهد و مسئولین کشور بحمدالله به این وظیفه متعهد و پایبندند و شعارهای اسلامی و مبانی و اصول اسلامی برای آنها اصلی‌ترین پرچمها و شعارهاست. ان شاءالله این ملت با این عزم، با این روحیه، با این جوان و با این مشعلهای درخشانی که از خون شهیدان برافروخته شده و فضا را روشن کرده، خواهد توانست به بلندترین و دورترین آرزوهای خودش برسد.



### سه نکته برجسته در شهدا

مهمترین و باعظمت‌ترین دیدارها

خصوصیات برجسته‌ی شهدا

ضرورت توجه به شناخت دشمن و موقعیت او

ایمان مردم حصار پشتیبان در دفاع از هویت ملت

صبر و بصیرت ابزار صعود ملت به قله‌های موفقیت

روحیه‌ی ایثارگری، نجاتبخش یک کشور و ملت

نمونه‌های شجاعت مردم در استان کرمانشاه



## سه نکته برجسته در شهدا\*

### مهمترین و باعظمت ترین دیدارها

برای من در سفر به شهرهای مختلف، یکی از مهمترین و باعظمت ترین دیدارها، دیدار با خانواده‌ی معظم شهیدان و ایثارگران و جانبازان است. علت این است که در مسئله‌ی ایثار، عظمتی نهفته است که هیچ جامعه‌ای بدون دارا بودن یک چنین نقطه‌ی مهم و تعیین کننده‌ای نخواهد توانست به عزت و عظمت دست پیدا کند. ما در قضیه‌ی شهادت شهیدان و مجاهدت ایثارگران و جانبازان معمولاً جوانب محدودی را می‌بینیم و مشاهده می‌کنیم؛ در حالی که خود عمل و حرکت ایثار در جامعه که منجر به شهادت یا جانبازی میشود، معانی متعددی دارد؛ جهات مختلفی دارد که هر کدام از اینها در خور بررسی است. یکی از این جهات، فرصت‌شناسی و پاسخگوئی به نیاز لحظه‌هاست. ممکن است احساس مسئولیت در کسانی باشد، اما در لحظه‌ی نیاز، این مسئولیت را نه تشخیص بدهند و نه عمل کنند؛ این خیلی تفاوت دارد با آن حرکت و اقدامی که درست در لحظه‌ی نیاز اتفاق می‌افتد و انجام می‌گیرد. جوانان شجاع و باغیرت و مؤمن و فداکاری که نیاز کشور را احساس کردند و به سراغ خطر رفتند و به استقبال خطر شتافتند، اینها این امتیاز برجسته را دارند که نیاز را در زمان خود فهمیدند و به آن پاسخ گفتند. این یک بعد بسیار مهمی است، این برای ما درس است.

### خصوصیات برجسته‌ی شهدا

من دیروز اشاره کردم که جوانهای کرمانشاهی یک ماه بعد از پیروزی انقلاب احساس کردند

نیاز هست که بروند. شهید سید محمدسعید جعفری - شهید پیشرو و پیشتاز - با جمع رفقای خودش رفتند از پادگان لشکر سنندج دفاع کردند؛ فهمیدند که معنای این دفاع چیست؛ تسلط ضد انقلاب بر یک پادگان نظامی، معنایش چیست. این زود فهمیدن، بوقت فهمیدن، بهنگام عمل کردن و پاسخ به نیاز دادن، آن نقطه‌ی برجسته‌ای است که نباید مغفول بماند.

شهدای عزیز ما در سرتاسر کشور این خصوصیات را دارند. دوستان و برادران نام شهرها را ذکر کردند، خاطره‌هایی از مناطق مقاومت در این استان بیان کردند. البته از سرتاسر کشور آمدند، شهدای برجسته و نامداری در این سرزمین به خاک و خون غلتیدند که از مناطق دیگر آمدند؛ لیکن نقش مردم این استان، نقش جوانان باایمان، نقش آن احساس عظیم و عزیز و کمیابی که در این جوانها بود - هوشمندی آنها، موقع‌شناسی آنها، فرصت‌شناسی آنها - نایستی ندیده گرفته شود؛ و این همان چیزی است که ما همیشه به آن احتیاج داریم.

غالباً کشورها و جوامع از ندانستن موقعیت و نشناختن فرصت، ضربه میخورند. وقتی دشمنی کمین میگیرد و ما نمیدانیم که او کمین گرفته است، نمیشناسیم؛ یا اگر چنانچه اطلاع پیدا کردیم، علاج را زود و بهنگام ارائه نمیدهیم؛ آن وقت ضربه میخوریم.

#### 🔗 ضرورت توجه به شناخت دشمن و موقعیت او

جمله‌ی خوبی را این برادر عزیز اینجا گفتند. گفتند خانواده‌ها میگفتند اگر این رزمنده را ما از خانه بیرون نفرستیم، فردا دشمن دم در خانه می‌آید، باید بجنگیم. این خیلی نکته‌ی مهمی است؛ این همان نکته‌ای است که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمود: هر جماعتی که در داخل خانه‌ی خودش مورد تهاجم دشمن قرار بگیرند، غفلت کنند از این که دشمن دارد می‌آید، اینها شکست خواهند خورد، مغلوب خواهند شد. دشمن را از دور باید دید، از دور باید شناخت؛ این غفلتی بود که آن روز آن کسانی که باید میدیدند، ندیدند. در تهران هی گفته میشد و خبر میرسید که در منطقه‌ی کرمانشاه، در منطقه‌ی ایلام - بیشتر در این مناطق - دشمن مشغول آرایش نظامی است. آنجا که گفته میشد، سیاسیونی که مسئول کار بودند، انکار میکردند؛ میگفتند نه، چنین خبری نیست. تا وقتی تهران را بمباران کردند. در روز ۳۱ شهریور ۵۹ جنگ در واقع آغاز نشد - آن روز تهران بمباران شد - جنگ از پیش شروع شده بود. اگر مسئولانی که آن روز در رأس کار بودند - همان کسانی که بعد هم نشان دادند لیاقت اداره‌ی کشور را ندارند - میفهمیدند، تشخیص میدادند و آمادگی خود را بالا میدردند، نه خرمشهر آنجور میشد، نه قصر شیرین آنجور میشد، نه برخی از مناطق دیگر مرزی.

آن غفلت اولیه موجب شد که بر این منطقه و منطقه‌ی خوزستان، آنطوری که من در برهه‌ی کوتاهی از نزدیک مشاهده کردم، آنچنان فضای غم‌آلودی حاکم شود که بعضی از مناظر آن را که



من از نزدیک دیدم، نمیتوانم فراموش کنم. کار وقتی دست مردم باشد، وقتی استعداد های مردمی و حضور مردمی میدان پیدا کند که وارد عرصه شود، این غفلتها پیش نمی آید. این چیزی بود که آن روز اجازه نمیدادند. در همین مناطق، اینجا و آنجا، گروه های مردمی گرد هم می آمدند، به زحمت زیاد قبضه های سلاحی را برای خودشان فراهم میکردند، مشغول دفاع میشدند؛ آنها آنجا ناراضی بودند، در جلسات رسمی گله و شکایت میکردند که چرا فلانی در فلان جا اسلحه جمع کرده است! عده ای جوان داشتند دفاع میکردند؛ بنابراین نمیتوانستند تحمل کنند. این برای ما درس است.

### ایمان مردم حصار پشتیبان در دفاع از هویت ملت

من دیروز عرض کردم؛ نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی، با این آرمانها، با این هدفها، با این داعیه ی بزرگی که دارد - دشمن ظلم است، دشمن استکبار است، دشمن زیاده خواهی متکبرانیه ی قدرتهای بین المللی است - با چالشهایی مواجه میشود؛ به رنگهای مختلف، به شکلهای گوناگون؛ لذا باید آماده باشد. این آمادگی، بیش از همه چیز متکی به ایمانهای مردم است. آن حصار پشتیبان، آن پاسدار اعظم در دفاع از هویت یک ملت و عزت یک ملت و نجات یک ملت از کید دشمنان، آگاهی مردم است؛ این را ما در جنگ تجربه کردیم. امروز هم در هر بخشی، در هر مجموعه ای از کار که مسئولان آگاهانه متوجه باشند و به مردم نقش بدهند، همین اتفاق خواهد افتاد.

### صبر و بصیرت ابزار صعود ملت به قله های موفقیت

جمهوری اسلامی است، مردم سالاری است؛ مردم سالاری اسلامی. مردم سالاری باید معنایی داشته باشد؛ معنای واقعی دارد، تعارف نیست. شهدا، جانبازان، آزادگان و خانواده های آنها در این راه، بهترین آزمایش را دادند. این صبر عظیمی که خانواده های شهیدان نشان دادند، خیلی ارزش دارد. اگر خانواده های صبری نشان میدادند، بی معرفتی نشان میدادند، بی بصیرتی نشان میدادند، فضای مجاهدت سرد میشد؛ دلها مشتاق فداکاری و ایثارگری باقی نمی ماند. خانواده ها صبر نشان دادند. سالهای متمادی از آن دوران دفاع مقدس گذشته است، اما باب شهادت بسته نشده؛ باز هم مشاهده میکنیم خانواده های داغدار عزیزانی میشوند که به مناسبت های گوناگون وادی شهادت بر روی آنها باز میکند، آنها پر می گشایند و می روند. اگر این بصیرت و این صبر در ملتی باشد، بدون تردید این ملت قله ها را در خواهد نوردید.

ما در تشخیص هدفها مان و تعیین راه به این هدفها، هرگز دچار تردید نشدیم؛ در راه خودمان شک نکردیم؛ خدا را شکر میکنیم. خدای متعال هیچگاه دل های ما را خالی از نور امید نگذاشت. و در

واقعیت دیدیم که این امیدها، امیدهای واهی نبود؛ امیدهای درستی بود. یک روزی بود که وقتی کسانی به صحنه نگاه میکردند، بظاهر هیچ چیز امیدبخشی در صحنه به چشم نمی‌آمد؛ اما مردمان بصیر - در رأس همه، امام بزرگوار - به ما امید میدادند، نوید میدادند. گاهی ما تعبداً گوش میکردیم، اما قادر به تحلیل نبودیم. تعبداً قبول میکردیم، بعد میدیدیم همین جور شد؛ بعد میدیدیم همین امید الهی، همین نوید آسمانی تحقق پیدا کرد. و امروز وقتی به تجربه‌ی سی و دو ساله‌ی انقلاب نگاه میکنیم، پی‌درپی موفقیت‌های نظام جمهوری اسلامی را می‌بینیم.

### 🕌 روحیه‌ی ایثارگری، نجاتبخش یک کشور و ملت

در دیدارهای با خانواده‌های معظم شهیدان و جانبازان عزیز و ایثارگران، آن چیزی که در درجه‌ی اول مورد اتمام این حقیر است، بعد از تجلیل و احترام و تقدیم مراتب تشکر و قدردانی به خانواده‌های عزیز، این است که مجموعه‌ی ملت عزیز ما توجه کنند که روحیه‌ی ایثارگری نجاتبخش یک کشور است، نجاتبخش یک ملت است. روحیه‌ی گذشت، روحیه‌ی فداکاری، وقت انجام وظیفه را شناختن، کار را بوقت و بموقع انجام دادن، نجاتبخش است. خوشبختانه امروز ما آثار پیشرفت و موفقیت را در کشورمان مشاهده میکنیم؛ می‌بینیم که داریم پیش می‌رویم؛ البته تلاش لازم است، کار لازم است. کارها به سمت ظریف‌تر شدن و پیچیده‌تر بودن پیش می‌رود. هوشمندی امروز مردم ما هم بمراتب از سالهای گذشته بیشتر است. بحمدالله مردمان مؤمن، پایبند، معتقد و متعهد به آرمانها در جامعه‌ی ما زیاد است؛ در این استان عزیز هم همین جور. در این استان، ما آنچه که دیدیم، آنچه که شنیدیم، مردانگی و فتوت و دلاوری و جوانمردی و - همان طور که دیروز عرض کردیم - خصال نیک پهلوانی در مرد و زن بوده است.

### 🕌 نمونه‌های شجاعت مردم در استان کرمانشاه

اشاره کردند که خانمی در گیلانغرب از دشمن اسیر گرفت؛ یک زن، یک بانوی مؤمن و شجاع. آنچنان نمودارهای شجاعت در این استان زیاد است که انسان نمیتواند بشمرد. از اولی که اینجا تشکیل شد، نیروهای مردمی و سپاهی در کنار نیروهای مبارز ارتش فداکاری کردند. افسران شجاع و لایقی در اینجا بودند؛ فرمانده هوانیروزی که شهید شیرودی و دیگران از امکانات و پشتیبانی او استفاده میکردند و این پروازهای عجیب را انجام میدادند؛ چه در لشکر ۸۱، و چه در بخشهای گوناگون؛ که بعضی از افسران شجاع و مؤمن را ما در همین پادگان ابودر که ایشان ذکر کردند، از نزدیک دیدیم. آنها آنچنان با اخلاص و فداکاری کار میکردند که فضای این منطقه را پر کرده بودند از همین نشانه‌های اخلاص و فداکاری و پهلوانی و گذشت و ایثار؛ و این جزو افتخارات استان



شماست، و این برای شما خواهد ماند. شما در پیشانی دفاع مقدس قرار گرفتید. افتخارات دفاع مقدس بسیاری اش مربوط به این استان است. پشتیبانی کردید، گذشت کردید؛ خداوند ان شاء الله اجرها و پاداشهای معنوی را به شما خواهد داد؛ همچنان که اجر دنیوی آن را - که عزت کشور است - به شما و به ملت ایران بخشید.



## بقای انقلاب اسلامی در گرو خون شهیدان

پراکنده شدن نشاط جهاد و ایستادگی توسط خانواده‌های شهیدا

شهادت، عامل ماندگاری و پایداری ارزشها

آینده‌ی مجاهدان دوران دفاع مقدس

وجود انگیزه مقاومت در میان جوانان امروز انقلاب اسلامی

دلیل بیشتر بودن رویش‌ها نسبت به ریزش‌ها

رسپاسگذاری از خانواده شهیدا و گرامی داشتن یاد شهیدا

## بقای انقلاب اسلامی در گرو خون شهیدان \*

### پراکنده شدن نشاط جهاد و ایستادگی توسط خانواده‌های شهدا

علاوه بر اینکه جمع عزیز خانواده‌های شهدا، پدران، مادران، همسران، فرزندان و دیگر وابستگان شهدا در هر جایی که اجتماع میکنند، از خود طراوت انقلاب و نشاط جهاد و ایستادگی را در فضا میپراکنند - که این مربوط به همه‌ی اجتماعاتی است که ما با خانواده‌های عزیز شهدا داریم - امروز این جلسه تا این لحظه، جلسه‌ی بسیار پرمغزی بود. بیاناتی که ایراد کردند، شعرهایی که خواندند، دارای نکات عمیق و بارزشی بود. بنده با دقت گوش فرادادم؛ آنچه را که عزیزان بیان کردند، در نگاه نقادانه، مطالب بسیار بارزشی یافتیم؛ که ذهن و دل خود این حقیر هم به برخی از این مطالب متوجه و درگیر است.

اول، یک جمله عرض بکنیم درباره‌ی شهدای عزیز این استان. با بعضی از این شهدا، بنده از نزدیک آشنائی داشتم؛ بسیاری را هم در شرح حالشان و روایت‌هایی که از زندگی آنهاست، شناختم. در این جهت هم استان شما یکی از استانهای برجسته است. این استان با منطقه‌ی جنگ و درگیری فاصله‌ی زیادی دارد؛ اما از اولین روزهای پیروزی انقلاب، جوانان این منطقه وارد عرصه‌ی جهاد فی سبیل الله شدند. بعد از دوران شهادت‌ها هم سلسله‌ی مجاهدت در راه خدا که منتهی به شهادت فی سبیل الله شود، متوقف نماند. شهید اخیر عزیز این منطقه، شهید رجبعلی محمدزاده، اجر مجاهدتهای دوران دفاع مقدس را، ایستادگی‌های در آن عرصه‌های دشوار را، در سالهای بعد، از خدای متعال دریافت کرد و خدای متعال پرورنده‌ی او را کامل کرد؛ شهید خدمت و شهید وحدت. اینها ارزشهای یک منطقه‌ی زیستی انسانهای مؤمن است؛ اینها ارزشهای یک استان و یک شهر است.

باید به مجموعه‌ی خانواده‌های ایثارگر این استان، خانواده‌های شهیدان، عزیزان جانباز که با تحمل مشکلات

جانبازی در طول سالهای متمادی، عزم خود راه، ایستادگی خود راه، ایمان راسخ خود راه از دست ندادند و ایستادند و همچنان ایستاده‌اند، ادای احترام کرد. بنده لازم میدانم علاوه بر اظهار ارادت و اخلاص به پدران و مادران و همسران و فرزندان شهدای عزیز، به خانواده‌های عزیزان جانباز و همسران آنها که متحمل زحمات آنها هستند، عرض ارادت کنم. این تلاشها، تلاشهایی است که در دیوان ارزشهای الهی، در شمار برترین ارزشها قرار دارد. اینها یک اجتماع راه، یک جامعه راه، یک ملت راه در طراز بالا زنده نگه میدارد و او را آماده‌ی خودسازی میکند.

### 🌸 شهادت، عامل ماندگاری و پایداری ارزشها

یک نکته در باب شهدای عزیز ماست، و آن این است که برادران! عزیزان! باور عمیق قلبی این بنده‌ی حقیر این است که ما امروز همه‌مان بر سر سفره‌ی شهدا نشستیم. بقای این انقلاب به خاطر خون شهیدان است؛ و این یکی از همین نکاتی است که این عزیزانی که اینجا صحبت کردند و شعر خواندند، بر آن تکیه کردند. بله، درست است؛ شهادت است که پای ماندگاری و پایداری و بقاء ارزشها را امضاء میکند. بزرگترین اجری که در این دنیا به شهید داده میشود، بقاء و استحکام آن حقیقتی است که شهید جان خود را برای آن حقیقت فدا کرده است. خدای متعال آن حقیقت را به برکت خون شهید حفظ میکند. سازوکار منطقی و عقلانی این هم معلوم است؛ وقتی یک جامعه‌ای از جان خود، از هستی خود، از راحتی خود، برای یک ارزشی، یک حقیقتی میگذرد، حقانیت خود را در دنیا به اثبات میرساند؛ و حقانیت است که میماند، حق است که باقی میماند؛ این سنت الهی است.

شهدای عزیز ما و ایثارگران ما کسانی هستند که از همه‌ی خواسته‌های شخصی خود دل بردند. این به زبان آسان است. فقط دل بردن از پول و مال و سرمایه نیست؛ دل بردن از عواطف است. شهید از مهر مادر، از سایه‌ی پدر، از لبخند کودک، از عشق همسر دل میبرد و به سوی انجام وظیفه حرکت میکند. این جانبازان هم شهیدند. ایثارگران در هر جمعی از جمعهای ایثارگران که هستند، در واقع قدم در وادی شهادت گذاشتند. خدای متعال عده‌ای را انتخاب کرد، رفتند، عده‌ای هم ماندند برای امتحانهای بعدی؛ لیکن رتبه‌ی شهید و رتبه‌ی شهادت برای ایثارگران وجود دارد.

### 🌸 آینده‌ی مجاهدان دوران دفاع مقدس

من یک نکته‌ی دیگر را هم اضافه کنم بر آنچه که عزیزان ما در اینجا بیان کردند. گفتند: «آن کسانی که در دوران جهاد مقدس و دفاع مقدس، در جبهه‌های جنوب و غرب رفتند وارد میدانها شدند و جان خود را کف دست گرفتند، به سه دسته تقسیم میشوند: بعضی‌ها از گذشته‌شان پشیمان میشوند، بعضی‌ها بی تفاوت میمانند، بعضی‌ها پایبند میمانند. آنهایی که پایبند میمانند، باید از غصه دق کنند». این جمله‌ی اخیر را من قبول ندارم. آنهایی که پایبند میمانند، شاهد به ثمر نشستن این نهال و تناور شدن این درخت خواهند بود. اینجور نیست که باروی گرداندن کسانی، این حرکت عظیم، این بنای عظیم و شامخ تکان بخورد. با برگشتن یک عده‌ای از این قافله‌ی عظیم، هرگز این قافله از راه باز نمیماند؛ «من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه»؛<sup>۱</sup> این را خدای متعال



در قرآن فرموده است به مسلمانان صدر اسلام، به آن کسانی که در رکاب پیغمبر جهاد کردند و جنگیدند و جان خودشان را فدا کردند؛ قرآن در واقع همین حقیقت را برای آنها بیان میکند.

دلها را باید نگه داشت. بعضی از دلها میلرزند، میلغزند، نمیتوانند خودشان را بر آن لبه‌ی مرتفع نگه دارند و حرکت را ادامه دهند؛ لذا سقوط میکنند. قرآن از اینها تعبیر کرده است به: «من یرتدّ منکم عن دینه». ارتداد، به طور مطلق همه جا به معنای برگشتن از دین نیست؛ پشت کردن به دین نیست؛ معنایش این است که از آن راهی که در گذشته میرفت، برمیگردد. بله، یک عده‌ای در انقلاب ما هم بوده‌اند، در صدر اسلام هم بودند؛ راهی را که در کنار پیغمبر حرکت میکردند، ادامه ندادند؛ اما آیا راه متوقف ماند؟ آیا راه متوقف میماند؟ آیا قافله در جای خود می‌ایستد؟ قافله حرکت میکند: «فسوف یأتی الله بقوم یحبّهم و یحبّونه»؛ رویشهایی به وجود خواهد آمد. یکی از این رویشها، خود شما جوانها هستید. شما که دوران جنگ را ندیدید، شما که امام را ندیدید، شما که در عرصه‌های جنگ نبودید؛ اما امروز سرتاسر کشور اسلامی و انقلابی ما از روحیه‌ی ایستادگی و ثبات و افتخار و احساس عزت، لبریز است.

### وجود انگیزه مقاومت در میان جوانان امروز انقلاب اسلامی

یک روزی گردانهای منطقه‌ی شما - خراسان شمالی - در جبهه خطشکنی میکردند؛ امروز هم شماها خطشکنی میکنید. امروز هم ایستادگی شما در مقابله‌ی با زیاده‌خواهی و افزون‌طلبی و تجاوز طلبی قدرتهای سلطه‌گر عالم، خطشکنی است. امروز ملت ایران دارد خطشکنی میکند. انقلابهایی که در منطقه، در بیداری اسلامی پیروز شدند - که البته ما به همه‌ی این انقلابها احترام میگذاریم و قدر آنها را میدانیم - اینها را مقایسه کنید با جمهوری اسلامی و نظام اسلامی و انقلاب اسلامی؛ ببینید این ایستادگی، این اقتدار، این اعتماد به نفس در ملت ایران، دیگر کجا پیدا میشود؟ اینها خطشکنی است.

قدرتمندان عالم و سلطه‌گرهای دنیا خودشان را عادت داده‌اند که از طرف همه‌ی مردم دنیا حرف بزنند، به نفع منافع حقیر خودشان، به نفع سرمایه‌دارانشان؛ عادت کرده‌اند که در همه‌ی امور کشورها دخالت کنند، به نفع خواسته‌های فزونخواهانه و مستکبرانه‌ی خودشان. ملت‌ها گاهی یک ناله‌ای میکنند، گاهی یک فریادی میزنند؛ اما در مقابل نهیب قدرتمندها، چه کسی میتواند ایستادگی کند؟ کدام ملت است که با منطق، با استدلال و با استحکام نشان دهد که در مقابل زیاده‌خواهی‌های استکبار ایستاده است؟ جز ملت ایران؟ دیگران هم هر کاری میکنند، رتبه‌های فروتر از ملت ایران است. خدا کند آنها از ما جلو بزنند - حرفی نداریم - چه بهتر که ملت‌های مسلمان و ملت‌های دیگر پیش بیایند، از ما هم جلوتر بروند؛ اما واقعیت قضیه این نیست؛ امروز ملت ایران جلو است، ملت ایران خطشکن است. جوانهای ما که آن روز نبودند، اما امروز هستند؛ این مژده است، این بشارت است. اهل فکر و اهل تأمل، بر روی این پدیده‌ی شگفت‌آور تکیه کنند که در نظام جمهوری اسلامی، با وجود همه‌ی کج‌تابی‌هایی که از گوشه و کنار دیده شده، امروز این انگیزه، این ایستادگی، این آگاهی، این عزم راسخ، بین جوانهای ما، از دوران دفاع مقدس اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست.

### 🌸 دلیل بیشتر بودن رویش‌ها نسبت به ریزش‌ها

چطور میشود که رویش‌ها در یک ملت از ریزش‌ها بیشتر است؟ بله، ریزش‌هائی وجود دارد؛ کسانی هستند که از راه برمیگردند، کسانی هستند که احساس خستگی میکنند، کسانی هستند که به گذشته‌ی خودشان شک میکنند، کسانی هستند که به لیخند دشمنان و فریب دغلكاران از راه در میروند؛ اما در مقابل، مردان و زنان شجاع آگاه آشنا با حقایق زمانه و مسلط بر بسیاری از مسائل گوناگون سیاسی - که آن روز مطرح نبود و وجود نداشت - در جامعه‌ی ما حضور دارند؛ اینها رویش‌های جدیدند. امروز وضع ما اینجوری است. یک عده‌ای به بعضی از ظواهر نگاه میکنند، قضاوت‌های غلط میکنند؛ خیال میکنند که جوانها از دین برگشته‌اند. نخیر؛ جوانها علاقه‌مند به این راهند، علاقه‌مند به آن چیزی هستند که ایمان به آن در دل آنها راسخ است؛ و این مربوط به اکثریت جوان این کشور است؛ و این از برکت خون شهداست؛ و این به برکت فداکاری عزیزان شما و جوانهای شماست.

### 🌸 سپاسگذاری از خانواده شهدا و گرامی داشتن یاد شهدا

شما جوانانتان را بزرگ کردید، زحمت کشیدید، تربیت کردید، مثل دسته‌ی گل به جامعه تحویل دادید؛ آنها رفتند در راه خدا شهید شدند. همه‌ی ملت ایران باید سپاسگزار شما باشد. همه باید یاد شهیدان را گرامی بدارند. فرزندان شهدا باید به پدران خود افتخار کنند. فرزندان شهدا باید راه و میراث پدران خود را به نسل‌های بعدی بسپارند. ملت ایران به شهیدان خود افتخار میکند. ما به ارادت و اخلاص به خانواده‌های شهیدان افتخار میکنیم و معتقدیم شهدا در خط مقدم حرکت کردند؛ پشت سر آنها بلافاصله پدران و مادران و همسرانند؛ ایستادگی کردند، ایثار کردند. امروز به برکت این ایثار، حرکت عظیم انقلابی ملت ما برقرار است و ان شاء الله روز به روز مستحکمتر و باثبات‌تر خواهد بود.

### فهرست بیانات استفاده شده:

بیانات در دیدار خانواده شهدا و ایثارگران ۲۴/۰۸/۱۳۶۸

بیانات در دیدار فرزندان ممتاز شهدا، مسؤولان امور فرهنگی بنیاد شهید و جمعی از دانشجویان امامیه ۲۵/۰۵/۱۳۶۸

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای استان بوشهر ۱۱/۱۰/۱۳۷۰

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای قم ۳۰/۱۱/۱۳۷۰

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا ۱۷/۰۲/۱۳۷۶

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا ۲۹/۰۵/۱۳۷۶

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا ۰۵/۰۷/۱۳۷۷

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا ۰۳/۰۳/۱۳۷۸

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای استان همدان ۱۶/۰۴/۱۳۸۳

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان کرمان ۱۲/۰۲/۱۳۸۴

بیانات در دیدار جانبازان و ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان فارس ۱۳/۰۲/۱۳۸۷

بیانات در جمع خانواده‌های شهدا و ایثارگران کرمانشاه ۲۱/۰۷/۱۳۹۰

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان خراسان شمالی ۲۲/۰۷/۱۳۹۱

یکی از چیزهایی که ما امروز خیلی احتیاج داریم، برنامه‌های مطالعاتی برای قشرهای مختلف است. بارها اتفاق می‌افتد که جوانهارا، نوجوانهارا به کتابخوانی تشویق میکنیم؛ مراجعه میکنند، میگویند آقا چه بخوانیم؟ این سؤال یک جواب ندارد؛ احتمالاً جوابهای متعددی دارد. مجموعه‌ی متصدیان امر کتاب - چه در وزارت ارشاد، چه در مجموعه‌ی کتابخانه‌ها - روی این مسئله باید کار جدی بکنند؛ در بخشهای مختلف، برای قشرهای مختلف، به شکلهای مختلف، با تنوع متناسب، سیر مطالعاتی درست کنند؛ اول این کتاب، بعد این کتاب، بعد این کتاب. وقتی که جوان، نوجوان، یا کسی که تاکنون با کتاب انس زیادی نداشته است، وارد شد، حرکت کرد، راه افتاد، غالباً مسیر خودش را پیدا خواهد کرد.

بیانات در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران ۱۳۹۰/۴/۲۹

